



پاسخ رهبر انقلاب

به نامه‌های جمعی از دانشجویان کشور

تأرسیدن به قله‌های پیشرفت هم عهدیم

تصویر مهرماه از تغییر قیمت‌ها

تورم نقطه‌به‌نقطه با کاهش ۱/۱ واحد درصدی روبه‌رو شد

مهم‌ترین تغییر کاهشی در گزارش مهر ماه مرکز آمار، به گروه خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات مربوط است. این گروه نزدیک به ۲۹.۴ درصد از وزن سبد شاخص قیمت مصرف‌کننده را تشکیل می‌دهد و تغییرات آن در هزینه خرید روزه‌ره خانوارها اهمیت دارد. تورم نقطه‌ای این گروه در یک ماه ۸.۴ واحد درصد پایین آمده است. این کاهش در شهرها و روستاها دیده می‌شود. تورم نقطه‌ای گروه خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات برای خانوارهای شهری از ۱۲۰.۲ به ۱۱۲ درصد و برای خانوارهای روستایی از ۱۲۸.۶ به ۱۱۹.۵ درصد رسیده است. بنابراین، کاهش این شاخص محدود به یک منطقه جغرافیایی نبوده است.

➕ رصد هفتگی «ایران» از بازار کالا‌های اساسی

بنابرا اعلام نتایج، انتخابات صهیونیست‌ها برنده ندارد و نتانیاهو اکثریت را از دست داده است

بن بست دوباره در تل‌آویو

برادران رزاق کریمی در گفت‌وگو با «ایران» از ضرورت همدلی در «کافه سلطان» می‌گویند

می‌توان متفاوت بود و در کنار هم ماند



روایتی از همراهی و مواجهه با یوسف مجید زاده در میان ترانسه‌های باستان شناسی جیرفت

جابه‌جایی قطب تمدنی جهان از بین‌النهرین به شرق ایران

معاون اول رئیس‌جمهور در جلسه ستاد ملی گذر:

ایران ظرفیت تبدیل شدن به هاب حمل‌ونقل منطقه را دارد

معاون اول رئیس‌جمهور در جلسه ستاد ملی گذر با اشاره به اهمیت توسعه زیرساخت‌های حمل‌ونقل کشور اظهار کرد: «توسعه حمل‌ونقل و تکمیل کریدورهای شمال، جنوب و شرق، غرب از اولویت‌های دولت چهاردهم است.» محمدرضا عارف افزود: «از ابتدای دولت، اقدامات خوبی در این زمینه آغاز شد و این روند با شتاب پیش رفت، اما در ادامه مسأله محاصره دریایی از سوی دشمن پیش آمد که البته این محاصره، فرصت جدیدی برای کشور به‌منظور توسعه سایر گذرگاه‌ها و پایانه‌های مرزی ایجاد کرد.» وی با اشاره به پیشبرد دیپلماسی منطقه‌ای برای توسعه مسیرهای حمل‌ونقل کالا گفت: «ما معتقدیم کشور ظرفیت کافی برای تبدیل شدن به هاب حمل‌ونقل منطقه را دارد. با تکمیل این مسیرها، قادر خواهیم بود کشورهای محصور در خشکی در منطقه اوراسیا یا شرق کشور را به آب‌های آزاد متصل کنیم.»

وی با تأکید بر ضرورت توسعه زیرساخت‌های جایگزین حمل‌آلا افزود: «در حال حاضر، هدف کشور افزایش ظرفیت بندر شمالی و مرزهای زمینی شرقی و غربی است؛ بنابراین لازم است مصوبات رابرتی درباره افزایش سرمایه‌گذاری روسیه هرچه سریع‌تر ظرفیت بندار افزایش یابد و نگرانی درباره انتقال کالا‌های اساسی و مورد

نیاز کشور نداشته باشیم.» در ادامه این جلسه، گزارشی از وضعیت تجارت کشور در شش ماهه نخست امسال ارائه شد. بر اساس این گزارش، با وجود محاصره دریایی، واردات کشور از مرزهای دریایی شمال، از مرزهای جاده‌ای و مرزهای ریلی افزایش چندین برابری یافته است. همچنین در این مدت، صادرات از مرزهای دریایی شمال، مرزهای جاده‌ای و از مسیرهای ریلی رشد بسیار زیادی داشته است. این آمار در جلسه ستاد ملی گذر به‌عنوان بخشی از گزارش عملکرد مسیرهای تجاری و حمل‌ونقل کشور ارائه شد.

در این جلسه، گزارشی از اجرای «داشودرد جدید مدیریت ستاد گذر» برای رصد تأثیرین تردد کامیون‌ها از مرزهای کشور به تفکیک هر مرز ارائه شد. همچنین پیشنهاد «الزام دستگاه‌های مستقر در مبادی ورودی و خروجی مرزها به همکاری با ستاد ملی گذر برای پیاده‌سازی حکمرانی داده‌محور» به تصویب رسید.

هدف این مصوبه، فراهم کردن امکان رصد آنلاین شاخص‌های مورد نیاز برای پایش وضعیت لجستیک بین‌المللی کشور و بهبود مدیریت جریان حمل‌ونقل در مرزهاست. در ادامه، پیشنهاد استقرار و راداندازی سامانه مدیریت تردد و نوبت‌دهی ناوگان جاده‌ای در پایانه‌های مرزی تصویب شد.

روز گذشته، رئیس‌جمهوری در نشست با رئیس، معاونین و مدیران بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی، با قدردانی از تلاش‌ها و اقدامات انجام شده و در دستور کار این بنیاد در راستای خدمت به مردم به‌ویژه در مناطق محروم و مرزی کشور، خاطرنشان کرد: «باید امکانات و خدمات خود را در مناطق محروم متمرکز کنیم، زیرا این اقدام هم موجب توسعه این مناطق خواهد شد و هم از توسعه نامتوازن و بدون برنامه و مشکل‌ساز تهران و دیگر استان‌های مرکز کشور جلوگیری خواهد کرد و مانع از مهاجرت به سمت این استان‌های توسعه‌یافته‌تر می‌شود.»

رئیس‌جمهوری افزود: «در کنار اقدامات انجام شده و در دستور کار این بنیاد، باید مشکلات ناشی از تحریم‌های آمریکا و رژیم صهیونیستی، وضعیت سوخت کشور مناسب است و هم محصولات کشاورزی و دامی با ارائه شقوق‌ها کلید خورد

کشور را باید به‌گونه‌ای تأمین و تجهیز کنیم که آموزش‌دهندگان در مدارس دغدغه‌ای جز انجام وظیفه خود که همان آموزش و تربیت درست و عادلانه به فرزندان این کشور است، نداشته باشند.»

وی با بیان اینکه امیدواریم با اقدامات و تلاش‌های انجام شده و با وحدت و انسجام ملی با سربلندی از شرایط سخت امروز کشور خارج شویم، گفت: «سربلندی و موفقیت بدون از بین بردن چهل و بی‌سوادی ممکن نیست، همه ما باید تلاش کنیم فرزندان و آینده‌سازان کشور ما بهترین و برترین باشند و در این مسیر به کمک شما و همراهی همه مردم نیاز داریم.»

در ابتدای این نشست، رئیس‌بنیاد مستضعفان و جمعی از مدیران این بنیاد گزارشی از وضعیت این مجموعه و اقدامات انجام شده و در دستور کار در حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی با هدف کمک به دولت در حل مشکلات کشور و مردم ارائه کردند. حسین دهقان، رئیس‌بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی با تأکید بر اینکه در طول یک سال گذشته به‌رغم همه مشکلات و موانع ناشی از تهاجم نظامی دشمن و جنگ‌های

تحمیلی، تلاش ما این بوده است که تولید در مجموعه بنیاد متوقف نشود، افزود: «حرکت به سمت مدیریت تنظیم‌گرا، دستیابی به یک سیستم هوشمند حسابرگر و پاسخگو و کمک به دولت در راستای حل مشکلات مردم با اولویت مناطق محروم و مرزی کشور در دستور کار ما قرار دارد.»

دهقان در ادامه سخنان خود با اشاره به تمرکز فعالیت‌های بنیاد مستضعفان و جانبازان در دو حوزه اقتصادی و اجتماعی، حوزه‌های گاز، نفت و انرژی، حمل‌ونقل و کریدورها، تولید محصولات غذایی، مسکن، آب‌وهوا، آموزش کمی و کیفی، سلامت و بهداشت، محرومیت‌زدایی و محله‌محوری با اولویت مناطق محروم و استان‌های مرزی کشور را از جمله حوزه‌های فعالیت بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی عنوان کرد.

رئیس‌بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی تلاش برای چابک‌سازی مجموعه و کاهش شرکت‌های زیان‌ده و غیرضرور، مردمی‌سازی فعالیت‌ها و ورود مجموعه‌های تولیدی به بازار بورس را از برنامه‌های آتی این بنیاد عنوان کرد.

رئیس‌جمهوری در جلسه ستاد ملی گذر: ایران ظرفیت تبدیل شدن به هاب حمل‌ونقل منطقه را دارد	روایتی از همراهی و مواجهه با یوسف مجید زاده در میان ترانسه‌های باستان شناسی جیرفت	جابه‌جایی قطب تمدنی جهان از بین‌النهرین به شرق ایران	معاون اول رئیس‌جمهور در جلسه ستاد ملی گذر: ایران ظرفیت تبدیل شدن به هاب حمل‌ونقل منطقه را دارد	نیاز کشور نداشته باشیم. در ادامه این جلسه، گزارشی از وضعیت تجارت کشور در شش ماهه نخست امسال ارائه شد. بر اساس این گزارش، با وجود محاصره دریایی، واردات کشور از مرزهای دریایی شمال، از مرزهای جاده‌ای و مرزهای ریلی افزایش چندین برابری یافته است. همچنین در این مدت، صادرات از مرزهای دریایی شمال، مرزهای جاده‌ای و از مسیرهای ریلی رشد بسیار زیادی داشته است. این آمار در جلسه ستاد ملی گذر به‌عنوان بخشی از گزارش عملکرد مسیرهای تجاری و حمل‌ونقل کشور ارائه شد. در این جلسه، گزارشی از اجرای «داشودرد جدید مدیریت ستاد گذر» برای رصد تأثیرین تردد کامیون‌ها از مرزهای کشور به تفکیک هر مرز ارائه شد. همچنین پیشنهاد «الزام دستگاه‌های مستقر در مبادی ورودی و خروجی مرزها به همکاری با ستاد ملی گذر برای پیاده‌سازی حکمرانی داده‌محور» به تصویب رسید. هدف این مصوبه، فراهم کردن امکان رصد آنلاین شاخص‌های مورد نیاز برای پایش وضعیت لجستیک بین‌المللی کشور و بهبود مدیریت جریان حمل‌ونقل در مرزهاست. در ادامه، پیشنهاد استقرار و راداندازی سامانه مدیریت تردد و نوبت‌دهی ناوگان جاده‌ای در پایانه‌های مرزی تصویب شد.	روز گذشته، رئیس‌جمهوری در نشست با رئیس، معاونین و مدیران بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی، با قدردانی از تلاش‌ها و اقدامات انجام شده و در دستور کار این بنیاد در راستای خدمت به مردم به‌ویژه در مناطق محروم و مرزی کشور، خاطرنشان کرد: «باید امکانات و خدمات خود را در مناطق محروم متمرکز کنیم، زیرا این اقدام هم موجب توسعه این مناطق خواهد شد و هم از توسعه نامتوازن و بدون برنامه و مشکل‌ساز تهران و دیگر استان‌های مرکز کشور جلوگیری خواهد کرد و مانع از مهاجرت به سمت این استان‌های توسعه‌یافته‌تر می‌شود.»	رئیس‌جمهوری افزود: «در کنار اقدامات انجام شده و در دستور کار این بنیاد، باید مشکلات ناشی از تحریم‌های آمریکا و رژیم صهیونیستی، وضعیت سوخت کشور مناسب است و هم محصولات کشاورزی و دامی با ارائه شقوق‌ها کلید خورد	کشور را باید به‌گونه‌ای تأمین و تجهیز کنیم که آموزش‌دهندگان در مدارس دغدغه‌ای جز انجام وظیفه خود که همان آموزش و تربیت درست و عادلانه به فرزندان این کشور است، نداشته باشند.»	وی با بیان اینکه امیدواریم با اقدامات و تلاش‌های انجام شده و با وحدت و انسجام ملی با سربلندی از شرایط سخت امروز کشور خارج شویم، گفت: «سربلندی و موفقیت بدون از بین بردن چهل و بی‌سوادی ممکن نیست، همه ما باید تلاش کنیم فرزندان و آینده‌سازان کشور ما بهترین و برترین باشند و در این مسیر به کمک شما و همراهی همه مردم نیاز داریم.»	در ابتدای این نشست، رئیس‌بنیاد مستضعفان و جمعی از مدیران این بنیاد گزارشی از وضعیت این مجموعه و اقدامات انجام شده و در دستور کار در حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی با هدف کمک به دولت در حل مشکلات کشور و مردم ارائه کردند. حسین دهقان، رئیس‌بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی با تأکید بر اینکه در طول یک سال گذشته به‌رغم همه مشکلات و موانع ناشی از تهاجم نظامی دشمن و جنگ‌های	رئیس‌بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی تلاش برای چابک‌سازی مجموعه و کاهش شرکت‌های زیان‌ده و غیرضرور، مردمی‌سازی فعالیت‌ها و ورود مجموعه‌های تولیدی به بازار بورس را از برنامه‌های آتی این بنیاد عنوان کرد.
نوسانات قیمت از جمله پیامدهایی بود که مورد توجه سران و نمایندگان کشورهای حاضر قرار گرفت.	تدبیرهای صادرکننده گاز در بنیانه پایانی قاطعانه با تحریم‌های یکجانبه مخالفت کردند	فرصتی برای پیشبرد همزمان دیپلماسی سیاسی و انرژی	کشورهای صادرکننده گاز در بنیانه پایانی قاطعانه با تحریم‌های یکجانبه مخالفت کردند	سوی دیگر، بهره‌گیری از ظرفیت‌های مشترک دو کشور در صنعت نفت و گاز و بازارهای بین‌المللی انرژی، اگرچه جزئیات مستقلاً از توافق‌های حاصل در دیدار رؤسای جمهوری در اخبار منتشرشده ارائه نشده است، نقش برگزاری این دیدار در سطح عالی و همزمانی آن با مذاکرات تخصصی انرژی، نشان‌دهنده اهمیت استمرار رابرتی‌های دو کشور برای پیشبرد همکاری‌های مشترک است.	سرمایه‌گذاری روسیه در ایران، بویژه در توسعه صنایع نفت و گاز، افزایش خواهد یافت. این موضوع از آن جهت اهمیت دارد که توسعه ظرفیت‌های تولیدی و زیرساخت‌های انرژی، به منابع مالی، فناوری و همکاری‌های پایدار نیازمند است. روسیه می‌تواند زمینه‌تازهای برای پیشبرد پروژه‌های مشترک فراهم کند. البته تحقق این ظرفیت به چگونگی اجرای توافق‌ها، رفع موانع موجود و تبدیل تقاهم‌های سیاسی به برنامه‌های اجرایی وابسته خواهد بود. براساس توضیحات سرپرست وزارت نفت، دو طرف همچنین برای حل مشکلات پروژه‌های مشترک و تبادل حامل‌های انرژی به توافق‌هایی دست یافته‌اند. این توافق‌ها نشان می‌دهد که همکاری تهران و مسکو در حوزه انرژی صرفاً به مبادلات مقطعی محدود نیست و امکان گسترش آن در بخش‌های مختلف	زنجیره تولید، انتقال و تجارت انرژی وجود دارد. براساس توضیحات بورد طرح انتقال گاز روسیه به ایران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ طرحی که در صورت تحقق، می‌تواند به یکی از محورهای مهم همکاری انرژی میان دو کشور تبدیل شود. در همین چارچوب در مسکو نشست سه‌جانبه وزیران انرژی ایران، روسیه و جمهوری آذربایجان برگزار شد. بورد از نتایج مثبت این نشست در تعاملات سه‌جانبه خبر داد، اما درباره عملیاتی شدن انتقال گاز از طریق خطوط لوله موجود تأکید کرد که بررسی‌های فنی همچنان ادامه دارد و نتایج آن در هفته‌های آینده مشخص خواهد شد.	پاسخ بورد به پست: فکر وضعیت سوخت در کشور خود باشید	حمید بورد، سرپرست وزارت نفت، در واکنش به اظهارات وزیر خزانه‌داری آمریکا درباره	اجلاس گازی: همکاری در برابر تحریم و بی‌ثباتی بازار	بخش دیگر اهمیت سفر پرشکبان به مسکو، حضور در هشتمین اجلاس سران

نوسانات قیمت از جمله پیامدهایی بود که مورد توجه سران و نمایندگان کشورهای حاضر قرار گرفت.

تدبیرهای انرژی: از ظرفیت سیاسی دستاورد اقتصادی

رابطی‌های هیأت ایرانی در حاشیه اجلاس به مذاکرات با روسیه محدود نماند. دیدارهای دوجانبه با وزیران انرژی قطر، وزیر نفت و گاز لیبی و وزیر نفت و انرژی سنگال، رابرتی با وزیر نفت ونزوئلا و گفت‌وگو با مدیرعامل شرکت دولتی گازپروم روسیه، بخشی از برنامه دیپلماتیک ایران در مسکو بود. گستره این دیدارها نشان می‌دهد که تهران در پی حفظ و توسعه ارتباطات خود با مجموعه‌ای از تولیدکنندگان و صادرکنندگان انرژی است. این تعاملات، در صورت پیگیری مستمر، می‌تواند فرصت‌هایی برای همکاری‌های فنی، سرمایه‌گذاری و گسترش مبادلات ایجاد کند.

مجمع کشورهای صادرکننده گاز بود؛ مجمعی که اعضای آن در مجموع حدود ۷۰ درصد ذخایر اثبات‌شده گاز طبیعی جهان را در اختیار دارند. این ظرفیت، جهان به بستری مهم برای گفت‌وگو درباره آینده بازار گاز، امنیت عرضه و تقاضا و سازوکارهای همکاری میان تولیدکنندگان تبدیل می‌شود. افزود: «با وجود مشکلات ناشی از تجاوز نظامی آمریکا و رژیم صهیونیستی، وضعیت سوخت کشور مناسب است و هم محصولات کشاورزی و دامی با ارائه شقوق‌ها کلید خورد

وضعیت سوخت ایران در زمستان پیش‌رو گفت: «مقام‌های آمریکایی به جای اظهارنظر درباره وضعیت سوخت ایران، به شرایط کشور خود و قیمت نزنن و گازوئیل رسیدگی کنند.» وی با تأکید بر اینکه تأمین سوخت و نیازمندی‌های کشور با جدیت دنبال می‌شود، افزود: «با وجود مشکلات ناشی از تجاوز نظامی آمریکا و رژیم صهیونیستی، وضعیت سوخت کشور مناسب است و هم محصولات کشاورزی و دامی با ارائه شقوق‌ها کلید خورد

اجلاس گازی: همکاری در برابر تحریم و بی‌ثباتی بازار

بخش دیگر اهمیت سفر پرشکبان به مسکو، حضور در هشتمین اجلاس سران



معاون بهداشت وزیر بهداشت در گفت وگو با «ایران» با اشاره به وضعیت تأمین مواد غذایی در کشور:

با کمبود مواد غذایی مواجه نیستیم

گزارش

سمیه افشین‌فر

گروه اجتماعی

نان‌های مانده و کپک زده، برنجی که بیشتر از نیاز پخته شده، میوه‌هایی که در پنج‌سال از یاد رفته‌اند و باقی‌مانده غذاهایی که دیگر کسی سراغشان نمی‌رود، همه این مواد غذایی راهی سطل زباله می‌شوند. این تصویر آشنای بسیاری از آشپزخانه‌های ایرانی است که به اقتصاد خانواده، امنیت غذایی، محیط‌زیست و حتی فرهنگ مصرف جامعه گره خورده است. در شرایطی که هزینه تأمین مواد غذایی سهم قابل‌توجهی از درآمد خانوار را به خود اختصاص می‌دهد، دورریز غذا بیش از هر زمان دیگری نیازمند توجه است. براساس آمارهای مطرح شده از سوی فعالان حوزه سلامت، حدود ۳۰ درصد مواد غذایی در جهان به هدر می‌رود و دست‌کم ۱۴ درصد نیز در سفره خانوارهای ایرانی دور ریخته می‌شود. این ارقام، ضرورت بازنگری در شیوه خرید، نگهداری، پخت و مصرف غذا را یادآوری می‌کند؛ موضوعی که اگرچه در نگاه اول به رفتار فردی و خانوادگی مربوط می‌شود، اما ریشه‌های آن را باید در مجموعه‌ای از عوامل جست‌وجو کرد.

آغاز دورریز از فروشگاه

دورریز غذا همیشه از لحظه جمع کردن سفره آغاز نمی‌شود. گاهی ماجرا از زمانی شروع می‌شود که فهرست خریدی در کار نیست و خانواده تحت تأثیر تخفیف‌ها، تبلیغات یا نگرانی از گران‌تر شدن کالاها، بیش از نیاز خود خرید می‌کند. بخشی از مواد غذایی در یخچال باقی می‌ماند، برخی اقلام تاریخ مصرفشان را از دست می‌دهند و میوه‌ها و سبزی‌ها پیش از آنکه مصرف شوند، کیفیت خود را از دست می‌دهند. در سوی دیگر، نبود برنامه مشخص برای وعده‌های غذایی، پخت بیش از اندازه و آشنایی ناگافی با روش‌های نگهداری مواد غذایی، احتمال دورریز را افزایش می‌دهد. در بسیاری از خانواده‌ها، باقی‌مانده غذا، نه به‌عنوان ساده غذایی قابل استفاده، بلکه به‌عنوان چیزی کم‌ارزش تلقی می‌شود، در حالی که با برنامه‌ریزی برای وعده بعدی یا نگهداری صحیح، می‌توان از هدررفت بخشی از آن جلوگیری کرد. البته همه دورریزها را نمی‌توان به رفتار مصرف‌کننده نسبت داد. از دست رفتن محصولات در مراحل تولید، برداشت، حمل‌ونقل، انبارداری و توزیع نیز بخشی از مسأله است.

علیرضا رئیس، معاون بهداشت وزیر بهداشت با تأکید بر ضرورت ارتقای سواد سلامت و اصلاح الگوی مصرف مواد غذایی به «ایران» می‌گوید: «حجم زیاد غذا و دریافت کالری بالا به معنای سلامتی نیست، بلکه مصرف متناسب مواد غذایی و رعایت تعادل در

دریافت کربوهیدرات، چربی و پروتئین، نقش مهمی در حفظ سلامت افراد دارد.»

رئیس با اشاره به ضرورت کاهش ضایعات و دورریز مواد غذایی توضیح می‌دهد: «بر اساس آمارهای جهانی، حدود ۳۰ درصد مواد غذایی در جهان دور ریخته می‌شود و دست‌کم ۱۴ درصد نیز در سفره خانواده‌ها به هدر می‌رود. این در حالی است که بیش از ۳۰ درصد جمعیت جهان با ناامنی غذایی مواجه هستند.»

او با بیان اینکه کاهش دورریز غذا باید به یکی از اولویت‌های خانواده‌ها تبدیل شود، می‌گوید: «این موضوع فقط به مسائل اقتصادی و توان مالی خانوارها

توصیه اخلاقی کافی نیست

دورریز مواد غذایی مسأله‌ای نیست که بتوان آن را تنها با توصیه‌های اخلاقی یا تذکر به خانواده‌ها حل کرد. بخشی از راه‌حل به تغییر عادت‌های روزمره و بخش دیگر به اصلاح فرآیندهای تولید، توزیع و عرضه غذا مربوط است. سیاست‌گذاری مؤثر در این حوزه باید بر پایه آمارهای دقیق، شناسایی نقاط اصلی هدررفت و تقسیم مسئولیت میان دستگاه‌های مختلف انجام شود. وزارت بهداشت نیز از مسیر ارتقای سواد سلامت و آموزش الگوی تغذیه سالم می‌تواند در اصلاح رفتارهای مصرفی نقش داشته باشد. طراحی الگوی مناسب بشقاب غذایی و آگاه‌سازی خانواده‌ها درباره مقدار مورد نیاز گروه‌های مختلف غذایی، از جمله اقداماتی است که می‌تواند به انتخاب آگاهانه‌تر مواد غذایی کمک کند. با این حال، اثربخشی این آموزش‌ها زمانی بیشتر خواهد شد که با برنامه‌های مستمر، اطلاع‌رسانی عمومی و ارزیابی نتایج همراه باشد. خانواده‌ها هم می‌توانند با تنظیم فهرست خرید، توجه به تاریخ مصرف، نگهداری صحیح مواد غذایی، پخت متناسب با تعداد افراد و استفاده از باقی‌مانده غذا، سهم خود را در این مسیر افزایش دهند. اما مسئولیت اصلی تنها بر دوش مصرف‌کنندگان نیست. تولیدکنندگان، فروشگاه‌ها، مراکز عرضه غذا، نهادهای مسئول در حوزه کشاورزی و دستگاه‌های متولی سلامت و محیط‌زیست نیز باید در کاهش ضایعات نقش فعال داشته باشند. بهبود زیرساخت‌های نگهداری و حمل‌ونقل، مدیریت موجودی فروشگاه‌ها، تسهیل اهدای ایمن مواد غذایی مازاد و آموزش شیوه‌های صحیح مصرف، می‌تواند بخشی از راه‌حل باشد.



برش

سراب «دیپلم دلاری» در بن بست ارزشیابی

طبق اعلام آموزش و پرورش، مدارس آنلاین هیچ مجوزی ندارند

و مدارک‌شان در داخل کشور فاقد هرگونه اعتبار است

گزارش

ملیحه محمود خواجه

گروه اجتماعی

گسترش ابزارهای ارتباطی و تحولات آموزش در بستر وب پس از همه‌گیری کرونا، الگوهای سنتی تدریس را دستخوش دگرگونی‌های جدی کرده است. با این حال، در سایه نبود آگاهی و عطش روزافزون برخی خانواده‌ها برای فراهم کردن ورود فرزندان‌شان به دانشگاه‌های مطرح جهان، پدیده‌ای نوظهور و نگران‌کننده به نام «مدارس آنلاین بین‌المللی» در فضای مجازی قد علم کرده است. مراکزی که با الهام از مدل «آموزش در خانه و با وعده اعطای مدرک معتبر کشورهای نظیر کانادا و بریتانیا بدون نیاز به ترک خاک کشور»، خانواده‌ها را به پرداخت شهریه‌های سنگین و نجومی دلاری ترغیب می‌کنند. اراقی که در سال تحصیلی جاری گاه از مرز ۸ تا ۷ هزار دلار، یعنی بیش از یک میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان عبور می‌کند؛ هزینه‌ای گزاف که در نهایت خروجی آن چیزی جز سراب و بی‌اعتباری در نظام آموزش رسمی جمهوری اسلامی ایران نیست.

تب تند مهاجرت تحصیلی بدون اخذ ویزا

یک جست‌وجوی ساده در موتورهای جست‌وجو و شبکه‌های اجتماعی، دریچه‌ای از تبلیغات پرزرق‌وبرق را پیش روی مخاطب باز می‌کند: «تحصیل در دبیرستان‌های معتبر کانادا از خانه»، «بدون نیاز به ویزا و هزینه‌های سرسام‌آور اقامت، دیپلم بین‌المللی بگیرید» و «پلی مطمئن برای ورود تضمینی به دانشگاه‌های تراز اول جهان». در این شیوه، خانواده با این تصور که دیگر نیازی به پرداخت صدها هزار دلار هزینه اسکان، شهریه حضوری دانش‌آموزی در خارج از کشور و پذیرفتن خطرات دوری و غربت فرزند در سنین حساس نوجوانی نیست، قریب حذف هزینه‌های سفر و اقامت را می‌خورد. سیستم مالی این مؤسسات به دو شیوه عمل می‌کند: برخی تمام شهریه سالانه را یک‌جا مطالبه می‌کنند و برخی دیگر براساس «تعداد درس‌های انتخابی» صورت حساب دلاری تنظیم می‌کنند. برای مثال، در مدارس آنلاین منتسب به کانادا، هزینه تحصیل سالانه حدود ۸ تا ۷ هزار دلار است؛ مبلغی که از یک‌ونیم میلیارد تومان فراتر می‌رود. اما سؤال بنیادین این است: پشت پرده این درگاه‌های مجازی چیست و

دورریز غذا به معنای هدررفت مجموعه‌ای از منابع است که تأمین آنها برای کشور اهمیت دارد.

این مسأله در کشوری که با محدودیت منابع آب و ضرورت مدیریت مصرف انرژی روبه‌رو است، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. محصولی که به زباله تبدیل می‌شود، پیش از رسیدن به سطل زباله، بخشی از منابع طبیعی و اقتصادی کشور را نیز مصرف کرده است. ناپسند بودن دورریز غذا زمانی آشکارتر می‌شود که آن را در کنار مسأله ناامنی غذایی قرار دهیم. در جهان، میلیون‌ها نفر برای دسترسی مستمر به غذای کافی و مغذی با مشکل مواجه‌اند. در چنین شرایطی، هدررفت بخشی از مواد غذایی پرسشی جدی درباره شیوه تولید، توزیع و مصرف منابع غذایی ایجاد می‌کند. البته کاهش دورریز به‌تنهایی به معنای حل گرسنگی یا ناامنی غذایی نیست، چون دسترسی به غذا علاوه بر میزان تولید، به درآمد خانوار، قیمت‌ها، زیرساخت‌های توزیع و سیاست‌های حمایتی نیز وابسته است. با این حال، جلوگیری از هدررفت غذا می‌تواند بخشی از فشار بر منابع را کاهش دهد و در کنار سیاست‌های مناسب توزیع و حمایت اجتماعی، به استفاده کارآمدتر از ظرفیت‌های موجود کمک کند. نکته مهم در این زمینه فرهنگ مصرف است. در جامعه‌ای که از یک سو دورریز غذا در برخی موقعیت‌ها، رفتاری عادی تلقی می‌شود، آموزش عمومی درباره ارزش غذا و پیامدهای هدررفت آن ضرورتی اجتماعی است. اما کاهش دورریز مواد غذایی به مجموعه‌ای از اقدامات هماهنگ نیاز دارد؛ اقداماتی که وزارت بهداشت در قالب برنامه‌های سواد سلامت آن را دنبال می‌کند.

معاون بهداشت وزیر بهداشت با اشاره به اقدامات این معاونت در زمینه خودمراقبتی و ارتقای سواد سلامت می‌گوید: «وزارت بهداشت در این حوزه برنامه‌های متعددی را دنبال می‌کند و در همین راستا، برای اولین‌بار در کشور، به جای هرم غذایی، «بشقاب غذایی» طراحی شده است.»

رئیس توضیح می‌دهد: «بشقاب غذایی نشان می‌دهد هر یک از گروه‌های غذایی از جمله کربوهیدرات‌ها، چربی‌ها و پروتئین‌ها باید چه سهمی در الگوی تغذیه‌ای داشته باشند. هدف از این اقدام، کمک به اصلاح الگوی مصرف و آگاهی بخشی درباره میزان مناسب دریافت مواد غذایی است.»

او با تأکید بر اینکه کاهش دورریز غذا، هم از نظر اقتصادی و هم از منظر سلامت و محیط‌زیست اهمیت دارد، می‌گوید: «هدرفت مواد غذایی علاوه بر آسیب به محیط‌زیست، به معنای از دست رفتن منابعی است که می‌توانند برای تأمین نیازهای غذایی افراد مورد استفاده قرار گیرند. بنابراین، خانواده‌ها باید متناسب با نیاز خود غذا تهیه و مصرف کنند تا از دورریز مواد غذایی جلوگیری شود.»

معاون بهداشت وزیر بهداشت با اشاره به تأکید سازمان ملل متحد بر ضرورت کاهش ضایعات غذایی می‌گوید: «این موضوع در سطح بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته و در کشور ما نیز بر اصلاح الگوی مصرف و جلوگیری از هدررفت مواد غذایی تأکید می‌شود.» رئیس با اشاره به وضعیت تأمین مواد غذایی در کشور بیان می‌کند: «در حال حاضر با کمبود مواد غذایی و هم از منظر سلامت و محیط‌زیست مواجه نیستیم، هرچند ممکن است افزایش قیمت‌ها وجود داشته باشد اما خوشبختانه کمبود مواد غذایی گزارش نمی‌شود.»



آموزش و پرورش دریافت نکرده‌اند.» سلیمی درباره وضعیت ثبت‌نام این دانش‌آموزان در سیستم آموزشی کشور می‌گوید: «تکنه‌ای که والدین باید بدانند این است که دانش‌آموزان این مدارس در هیچ‌کدام از سامانه‌های رسمی آموزش و پرورش ایران، از جمله «سناد» یا «سپدا»، ثبت‌نام نمی‌شوند. در واقع از دیدگاه آموزشی، ثبت‌نام از این دانش‌آموزان در سیستم آموزش رسمی کشور وجود ندارد و این افراد در عمل در وضعیت باتکلیف آموزشی قرار می‌گیرند.»

اخیراً شاهد

فعالیت
مراکزی
تحت عنوان
مدارس
آنلاین
خارجی
هستیم که با
الگوپردازی از
سیستم‌های
آموزش در
خانه اقدام
به جذب
دانش‌آموزان
می‌کنند.
این مراکز
هیچ‌گونه
وجاهت
قانونی در
نظام تعلیم
و تربیت
جمهوری
اسلامی ایران
ندارند و
فعالیت آنها
کاملاً غیرمجاز
است

هیچ رأیی برای این مدارک صادر نمی‌شود
بزرگ‌ترین شوک به والدینی وارد می‌شود که گمان می‌کنند با در دست داشتن یک مدرک خارجی، کار تمام است. سلیمی در بخش دیگری از گفت‌وگو آب پاکی را روی دست خانواده‌ها می‌ریزد و می‌گوید: «بسیاری از این مراکز با وعده صدور مدرک تحصیلی معتبر، خانواده‌ها را ترغیب به ثبت‌نام می‌کنند، اما این مدارک به‌دلیل عدم تبعیت از استانداردهای آموزشی، نظارتی و حقوقی جمهوری اسلامی ایران در داخل کشور هیچ‌گونه اعتباری ندارند. مدارک صادره توسط این مدارس فاقد رأی از سوی کمیسیون ارزشیابی مدارک تحصیلی خارجی است و مدارک صادره از این مراکز تأثیری به هیچ عنوان مورد بررسی و ارزشیابی قرار نخواهد گرفت.»

او توضیح می‌دهد: «با این اوصاف پرونده تحصیلی این دانش‌آموزان برای ادامه تحصیل در دانشگاه‌های کشور یا ورود به مقاطع بالاتر با این بست جدی مواجه خواهد بود.»

شگردهای زیرزمینی؛ شرکت غیررسمی در امتحانات داخلی و توصیه‌نامه‌های پولی
گستره فعالیت این مجموعه‌ها صرفاً به یک سایت ختم نمی‌شود. گزارش‌های واصله حکایت از شکل‌گیری یک شبکه واسطه‌گری خطرناک در داخل کشور دارد. براساس گزارش‌های موجود، برخی مؤسسات و افراد با استفاده از ارتباطات خود در مدارس، زمینه ثبت‌نام دانش‌آموزان مسلط به زبان‌های خارجی را در مدارس آنلاین کشورهای دیگر فراهم می‌کنند. در این میان، برخی دانش‌آموزان با توافق‌هایی غیررسمی با بدون خبر فعال در مدارس ایران، صرفاً در امتحانات شرکت می‌کنند تا مدرک تحصیلی داخلی، دریافت کنند. آتلاین خارجی تشویق می‌شوند و در ازای پرداخت مبالغی، گواهینامه به توصیه‌نامه‌هایی برای استفاده در فرآیندهای احتمالی بورسیه دریافت می‌کنند؛ در حالی که داشتن یک مدرک مدرسه آتلاین لزوماً به معنای پذیرش در دانشگاه خارجی نیست و اگر خانواده‌ای بخواهد از این مدرک برای ادامه تحصیل در ایران استفاده کند، با بن بست ارزشیابی روبه‌رو خواهد شد.

اجتماعی

اخبار

کاهش ۳.۵ میلیون نفری

جمعیت دانش آموزی تا سال ۱۴۱۲



سخنگوی وزارت آموزش و پرورش با اشاره به پیش‌بینی کاهش جمعیت دانش‌آموزی کشور تا سال ۱۴۱۲، این روند را ناشی از کاهش زاد و ولد دانست و گفت: «جمعیت دانش‌آموزی کشور در سال گذشته حدود ۱۶ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر بود که این رقم در سال جاری به حدود ۱۶ میلیون و ۱۰۰ هزار نفر می‌رسد. همچنین تعداد دانش‌آموزان ورودی پایه اول ابتدایی امسال نزدیک به ۱۰۰ هزار نفر نسبت به سال گذشته کاهش یافته است.»

علی‌فرهادی با ابراز نگرانی از تداوم روند کاهش جمعیت دانش‌آموزی گفت: «پیش‌بینی می‌شود تا سال ۱۴۱۲ بیش از سه میلیون و ۵۰۰ هزار نفر از جمعیت دانش‌آموزی کشور کاسته شود و شمار دانش‌آموزان به حدود ۱۲.۵ میلیون نفر برسد.» به گفته او، سیاست‌گذاری مناسب در حوزه جمعیت می‌تواند به کنترل این روند کمک کند.

به گزارش ایرنا، سخنگوی وزارت آموزش و پرورش با اشاره به ادامه روند ثبت‌نام مدارس گفت: «با وجود آغاز سال تحصیلی و تشکیل کلاس‌های درس، آموزش و پرورش همچنان پذیرای دانش‌آموزانی است که برای ادامه تحصیل مراجعه می‌کنند و روند ثبت‌نام متوقف نشده است.»

فرهادی تأکید کرد: «این وزارتخانه برای جلوگیری از بازماندن کودکان از تحصیل، پیگیری‌های قانونی را دنبال می‌کند و با قوه قضائیه در زمینه الزام والدین به ثبت‌نام فرزندان در سن تحصیل همکاری دارد.»

او درباره کاهش هفت هزار نفری جمعیت دانش‌آموزی تهران نیز گفت: «این کاهش لزوماً به معنای ثبت‌نام نکردن دانش‌آموزان نیست و تغییرات جمعیتی و کاهش زاد و ولد از عوامل مؤثر در این روند به شمار می‌روند.»

فرهادی بار د شایعات مربوط به غیرحضوری شدن سراسری مدارس توضیح داد: «مدارس کشور به‌صورت حضوری فعالیت می‌کنند و برنامه‌ای برای تعطیل شدن سراسری مدارس وجود ندارد. در صورت ضرورت تجلیز یا تغییر شیوه فعالیت مدارس به دلیل آلودگی هوا یا برخورد هوا، تصمیم‌ها به‌صورت رسمی اعلام خواهد شد.»

او از خانواده‌ها خواست اخبار مربوط به فعالیت مدارس را از مراجع رسمی وزارت آموزش و پرورش بپیکری کنند. سخنگوی این وزارتخانه همچنین درباره احتمال برگزاری آزمون استخدا می جدید معلمان گفت: «جذب نیروی انسانی از طریق دانشگاه فرهنگیان و دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی انجام می‌شود و برگزاری آزمون استخدامی از مسیر ماده ۲۸، به بررسی نیازها و ظرفیت‌های این دو دانشگاه و هماهنگی با سازمان اداری و استخدامی کشور و سازمان برنامه و بودجه بستگی دارد. برگزاری آزمون استخدامی جدید برای امسال هنوز قطعی نیست و پس از ارزیابی نیازهای آموزش و پرورش درباره آن تصمیم‌گیری خواهد شد.»

فرهادی با اشاره به ساماندهی نیروی انسانی مدارس گفت: «در حال حاضر هیچ کلاس درسی بدون معلم نیست و سازماندهی نیروها در همراه با سرعت بیشتری انجام شده است.» او توضیح داد: «بخشی از نیاز مدارس از طریق تدریس اضافی معلمان شاغل و بخشی با همکاری معلمان بازنشسته تأمین می‌شود. دانشگاه فرهنگیان و دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی نیز از مسیرهای اصلی تأمین نیروی انسانی مورد نیاز آموزش و پرورش هستند.»

هشدار وزارت بهداشت درباره کلاهبرداری

با وعده پذیرش بدون آزمون پزشکی

معاونت آموزشی وزارت بهداشت درباره کلاهبرداری برخی افراد و گروه‌های سودجو با وعده پذیرش تضمینی و فروش صندلی در رشته‌های پزشکی و دندانپزشکی اعلام داد و از داوطلبان خواست اطلاعات پذیرش را تنها از مراجع رسمی بپیکری کنند. معاونت آموزشی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی اعلام کرد برخی افراد با ادعای برخورداری از سهمیه ویژه، ارتباط با دانشگاه‌ها یا امکان پذیرش خارج از ضوابط رسمی، اعتماد داوطلبان و خانواده‌های آنان را جلب می‌کنند و در ازای وعده پذیرش بدون آزمون، مبالغ هنگفتی مطالبه می‌کنند. برخی سودجویان با تبلیغات فریب‌دهنده و وعده تضمین قبولی در رشته‌های علوم پزشکی، متقاضیان را به پرداخت مبالغ کلان ترغیب می‌کنند؛ در حالی که پذیرش در این رشته‌ها تابع ضوابط و مقررات رسمی است و ادعاهای مطرح‌شده درباره فروش صندلی یا پذیرش خارج از چارچوب قانونی باید با احتیاط جدی بررسی شود.

در همین زمینه، مرکز حراست وزارت بهداشت اعلام کرده است که موضوع فعالیت این افراد از طریق مراجع قانونی و قضایی در حال پیگیری است.

وزارت بهداشت با تأکید بر ضرورت هوشیاری داوطلبان و خانواده‌ها توصیه کرد از اعتماد به تبلیغات غیرمعتبر و پرداخت وجه به اشخاص یا مؤسسات فاقد مجوز خودداری کنند. همچنین اطلاعات مربوط به شرایط پذیرش و ثبت‌نام در رشته‌های علوم پزشکی باید صرفاً از طریق مراجع رسمی، از جمله وزارت بهداشت، سازمان سنجش آموزش کشور، مرکز سنجش آموزش پزشکی و دانشگاه‌های مربوطه دریافت شود.

بر اساس این توصیه، داوطلبانی که با موارد مشکوک یا پیشنهادهای غیرقانونی مواجه می‌شوند، باید مستندات و مدارک مربوط را نگهداری کرده و موضوع را برای بررسی به مراجع قانونی گزارش دهند.

مقابله با کلاهبرداری در زمینه پذیرش دانشگاهی، علاوه بر جلوگیری از تحمیل خسارت مالی به خانواده‌ها، در صیانت از عدالت آموزشی و حفظ اعتبار نظام آموزش علوم پزشکی کشور اهمیت دارد. به همین دلیل آگاهی از ضوابط رسمی پذیرش و پرهیز از اعتماد به وعده‌های خارج از چارچوب قانونی می‌تواند نقش مهمی در پیشگیری از سوءاستفاده از داوطلبان داشته باشد.



چرا با وجود برقراری آتش بس، جنگ‌ها پایان نمی‌یابند؟

مقتضیات و الزامات صلح در حقوق بشر دوستانه

یادداشت

عباس شیرزی

استاد و رئیس دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

«خشونت‌های بی‌صدا» برای اشاره به همین لایه‌های کمتر شناخته‌شده به کار می‌رود؛ آسیب‌هایی که به دلیل فقدان نشانه‌های فیزیکی آشکار، ممکن است کم‌اهمیت تلقی شوند، درحالی که پیامدهای آنها می‌تواند در زندگی فردی و جمعی استمرار یابد. برای مثال، ممکن است فرد آسیب‌دیده علاوه بر تحمل فقدان یا خسارت، با انکار تجربه خود نیز مواجه شود. چه‌بسا رنج او در روایت‌های رسمی یا اجتماعی بازتاب نیابد یا از او خواسته شود برای بازگشت آرامش، سکوت کند و از مطالبات خود صرف‌نظر کند. در چنین وضعیتی، آسیب نه‌تنها در نتیجه رفتار خشونت‌آمیز، بلکه بار دیگر از طریق به‌رسمیت‌نشاختن رنج و تجربه فرد

تداوم پیدا می‌کند. از این منظر، مسأله صرفاً چگونگی وقوع خشونت نیست؛ بلکه نحوه شناسایی آسیب، شنیده شدن صدای آسیب‌دیده و مواجهه جامعه با پیامدهای آن نیز اهمیت دارد. توجه به این ابعاد، زمینه را برای درک نقش عدالت ترمیمی در رسیدگی به آسیب‌های پنهان و بازسازی روابط اجتماعی فراهم می‌کند.

منازعه در ایران و ضرورت بازاندیشی در مفهوم صلح

ضرورت توجه به ابعاد انسانی و اجتماعی جنگ، در شرایط کنونی و بویژه با توجه به حملات نظامی آمریکا و اسرائیل علیه ایران و پیامدهای این درگیری، اهمیت عینی پیدا می‌کند. در مواجهه با جنگ، توجه عمومی غالباً به تحولات میدانی، اهداف نظامی، توان قدرت و نتایج سیاسی معطوف می‌شود. این مسائل بخشی از واقعیت منازعه‌اند، اما نمی‌توان واقعیت انسانی جنگ را به آنها محدود کرد.

پشت هرآمار، زندگی انسانی قرار دارد؛ پشت هر خانه تخریب‌شده، خاطرات و روایاتی وجود دارد و پشت هر فقدان، خانواده‌ای قرار دارد که باید با پیامدهای آن زندگی کند. آسیب‌های جنگ نیز تنها به تلفات انسانی و خسارت‌های مادی محدود نمی‌شوند. سوگ، اضطراب، احساس ناامنی، گسست روابط خانوادگی، نگرانی درباره آینده و تضعیف اعتماد اجتماعی، از دیگر پیامدهایی هستند که می‌توانند زندگی انسان‌ها و مناسبات اجتماعی را تحت تأثیر قرار دهند. بخشی از این آسیب‌ها بلافاصله قابل مشاهده‌اند، اما بخش دیگری در سکوت زندگی روزمره استمرار می‌یابند و ممکن است در ارزیابی‌های صرفاً نظامی و سیاسی از منازعه کمتر مورد توجه قرار گیرند.

ازاین‌رو، بررسی پیامدهای انسانی جنگ باید در کنار تحلیل ابعاد نظامی و سیاسی آن قرار گیرد. توجه به این آسیب‌ها به معنای نادیده گرفتن ابعاد حقوقی و سیاسی جنگ نیست؛ بلکه شناسایی واقعیت انسانی منازعه باید با بررسی مسئولیت‌ها، رعایت قواعد حقوق بین‌الملل و ضرورت حمایت از غیرنظامیان همراه باشد. اگر حمله‌ای ناقض قواعد حقوق بین‌الملل باشد، توقف جنگ نباید به معنای پایان پرسش درباره مسئولیت آن تلقی شود. در عین حال، مسئولیت‌پذیری و رسیدگی به آسیب‌ها نیز نباید بهانه‌ای برای تداوم نامحدود خشونت و گسترش چرخه انتقام

شود. در غیر این صورت، ممکن است درگیری در میدان پایان یابد، اما آثار آن در حافظه جمعی، روابط اجتماعی و مناسبات میان جوامع همچنان باقی بماند. اولویت دادن به صلح، صرفاً یک آرمان اخلاقی نیست، بلکه با اصل حل‌وفصل مسالمت‌آمیز اختلافات در حقوق بین‌الملل ارتباط دارد. دبیرکل سازمان ملل متحد نیز در بیانیه ۲۸ فوریه ۲۰۲۶، با ابراز نگرانی از تشدید اقدام نظامی علیه ایران و پیامدهای منطقه‌ای آن، خواستار توقف فوری مخاصمات و بازگشت طرف‌ها به میز مذاکره شد.

در همین راستا، حقوق بشردوستانه بین‌المللی حتی در شرایط جنگ احتیاطی، بر ضرورت محدود کردن آثار خشونت‌های برای حفاظت از انسان‌ها مقرر می‌کند. اصولی مانند تفکیک میان اهداف نظامی و غیرنظامیان، تناسب و اتخاذ اقدامات احتیاطی، بر ضرورت محدود کردن آثار مخاصمه بر غیرنظامیان تا حد امکان تأکید دارند.

باین حال، مسأله به توقف درگیری‌ها محدود نمی‌شود. حتی پس از پایان مخاصمات، آسیب‌های انسانی، خانوادگی و اجتماعی ممکن است همچنان باقی بمانند. ازاین‌رو، توقف جنگ، حفاظت از غیرنظامیان، رسیدگی به مسئولیت‌ها و ترمیم آسیب‌ها را باید ابعادی مرتبط، اما متمایز از تلاش برای تحقق صلح پایدار دانست.

در اینجا، پرسشی بنیادین مطرح می‌شود: چگونه می‌توان هم بر حقوق آسیب‌دیدگان و ضرورت پاسخگویی تأکید کرد و هم مانع از آن شد که جنگ و خشونت به زمینه‌ای برای گسترش خشونت‌های بیشتر تبدیل شوند؟ پاسخ به این پرسش، مستلزم بازاندیشی در مفهوم صلح است.

صلح را نمی‌توان صرفاً به معنای توقف موقت درگیری یا نبود خشونت آشکار تعریف کرد. تحقق صلح پایدار مستلزم توجه به زمینه‌هایی است که خصومت، احساس بی‌عدالتی، طرد و بی‌اعتمادی را تداوم می‌بخشد. در غیر این صورت، ممکن است جنگ در میدان متوقف شود، اما زمینه‌های پابرجا بمانند.

عدالت ترمیمی و جایگاه آن در مطالعات صلح

عدالت ترمیمی از این جهت اهمیت دارد که زاویه نگاه به منازعه و پیامدهای آن را تغییر می‌دهد. در رویکردهای متعارف عدالت کیفری، پرسش‌های اصلی غالباً به نقض قانون، مسئولیت کیفری و مجازات مربوط می‌شوند. این پرسش‌ها ضروری‌اند، اما برای مواجهه با همه ابعاد آسیب، بویژه در منازعات گسترده، به‌تنهایی کافی نیستند.

عدالت ترمیمی در کنار این پرسش‌ها، بر ابعاد دیگری نیز تأکید می‌کند: «چه کسانی آسیب دیده‌اند و این آسیب‌ها چه پیامدهایی برای آنان داشته‌اند؟ چه اشخاص و نهادهایی در قبال این آسیب‌ها مسئولیت دارند؟ نیازهای آسیب‌دیدگان چیست و چه اقداماتی برای جبران خسارت و جلوگیری از تکرار آسیب ضرورت دارد؟»

از این منظر، سه ظرفیت عدالت ترمیمی برای مطالعات صلح اهمیت ویژه‌ای دارد.

نخستین ظرفیت، شنیده‌شدن صدای آسیب‌دیدگان و به‌رسمیت‌شناختن آسیب‌های واردشده است. آسیب‌دیدگان نباید صرفاً موضوع تصمیم‌گیری دیگران باشند، بلکه تجربه‌ها و نیازهای آنان نیز باید در فرآیندهای رسیدگی، جبران و بازسازی مورد توجه قرار گیرد. به‌رسمیت‌شناختن آسیب به معنای پذیرش بی‌چون‌وچرای هر ادعا نیست؛ بلکه بر شنیدن منصفانه، بررسی مسئولانه و رهبریزد تحقیر یا انکار رنج انسان‌ها دلالت دارد.

دومین ظرفیت، مسئولیت‌پذیری و جبران آسیب‌ها است. ترمیم زمانی معنا پیدا می‌کند که آسیب‌های واردشده صرفاً ثبت نشوند، بلکه درباره مسئولیت‌ها و اقدامات لازم برای پاسخگویی و جبران نیز تصمیم‌گیری شود. این اقدامات می‌توانند متناسب با ماهیت آسیب و چارچوب حقوقی مربوط، از جبران خسارت و حمایت از آسیب‌دیدگان تا بازسازی خدمات، اصلاح رویه‌ها و ارائه تضمین‌هایی برای عدم تکرار را دربر گیرد.

سومین ظرفیت، بازسازی روابط اجتماعی و تقویت اعتماد است. جنگ و خشونت می‌توانند اعتماد را تضعیف کنند و فاصله میان افراد و جوامع را افزایش دهند. بازسازی اعتماد، فرآیندی زمان‌بر است و صرف اعضای توافقی یا اعلام پایان درگیری نمی‌تواند تحقق آن را تضمین کند. عدالت ترمیمی می‌تواند به این فرآیند کمک کند؛ زیرا توجه را به پیامدهای انسانی منازعه و مسئولیت در قبال آنها معطوف می‌سازد.

البته عدالت ترمیمی به‌تنهایی نمی‌تواند جایگزین توقف مخاصمات، دیپلماسی، سازوکارهای رسمی پاسخگویی یا رسیدگی‌های حقوقی شود. نقش این رویکرد را باید در کنار گذاشتن مسئولیت‌ها یا واداشتن آسیب‌دیدگان به صرف‌نظر کردن از حقوق خود به بهای بازگشت آرامش ظاهری نیست.

صلح خواهی به معنای انکار حق دفاع مشروع در چارچوب حقوق بین‌الملل، چشم‌پوشی از مسئولیت نقض قانون یا بی‌اعتنایی به رنج قربانیان نیست. همچنین، تأکید بر صلح نباید به یکسان‌انگاری مسئولیت همه طرف‌ها در تمامی رویدادها بینجامد. مسئولیت هر رفتار باید بر اساس شواهد، قواعد حقوقی و بررسی منصفانه تعیین شود.

در عین حال، باید میان مطالبه عدالت و تداوم جنگ تمایز قائل شد. رسیدگی به مسئولیت‌ها و جبران آسیب‌های واردشده، ضروری مستلزم از ادامه مخاصمات است و نباید تحقق آن به تداوم خشونت

وایسته شود. به همین ترتیب، پایان جنگ نیز نباید بهانه‌ای برای نادیده گرفتن حقوق آسیب‌دیدگان یا مختومه تلقی کردن پرسش‌های مربوط به مسئولیت باشد.

پاسخ به خشونت ضرورتاً نباید به بازتولید آن بینجامد و مطالبه عدالت نیز نباید با ضرورت پایان دادن به رنج انسان‌ها در تعارض قرار گیرد. جنگ، حتی اگر با ادعای دستیابی به امنیت یا حل یک اختلاف آغاز شود، می‌تواند پیامدهایی به همراه داشته باشد که مهار آنها از کنترل آغازکنندگان و طرف‌های درگیر خارج شود. گسترش منازعه، افزایش تلفات غیرنظامیان، تخریب زیرساخت‌ها و تعمیق خصومت، هزینه‌هایی هستند که آثار آنها به میدان نبرد محدود نمی‌ماند.

ازاین‌رو، اولویت دادن به صلح به معنای ساده‌انگاری تعارض‌ها یا نادیده گرفتن واقعیت‌های سیاسی نیست؛ بلکه مستلزم پذیرش این مسئولیت اخلاقی و انسانی است که همه ظرفیت‌های ممکن برای توقف خشونت و دستیابی به راه‌حل‌های پایدار به کار گرفته شوند. صلح در این معنا، انتخابی منفعلانه نیست، بلکه به اراده سیاسی، رعایت حقوق بین‌الملل، پاسخگویی، حمایت از غیرنظامیان و تلاش مستمر برای بازسازی اعتماد نیاز دارد.

همچنین، نمی‌توان صلح پایدار را بر بستر تحمیل سکوت به آسیب‌دیدگان یا نادیده گرفتن مطالبات مشروع آنان بنا کرد.

صلحی که بر فراموشی اجباری استوار باشد، ممکن است صرفاً فاصله میان دو دوره خشونت را طولانی‌تر کند؛ در مقابل، صلحی که با عدالت، پاسخگویی و ترمیم همراه باشد، ظرفیت بیشتری برای گسستن چرخه منازعه خواهد داشت.

در فراموشی اجباری استوار باشد، ممکن است صرفاً فاصله میان دو دوره خشونت را طولانی‌تر کند؛ در مقابل، صلحی که با عدالت، پاسخگویی و ترمیم همراه باشد، ظرفیت بیشتری برای گسستن چرخه منازعه خواهد داشت.

در فراموشی اجباری استوار باشد، ممکن است صرفاً فاصله میان دو دوره خشونت را طولانی‌تر کند؛ در مقابل، صلحی که با عدالت، پاسخگویی و ترمیم همراه باشد، ظرفیت بیشتری برای گسستن چرخه منازعه خواهد داشت.

در فراموشی اجباری استوار باشد، ممکن است صرفاً فاصله میان دو دوره خشونت را طولانی‌تر کند؛ در مقابل، صلحی که با عدالت، پاسخگویی و ترمیم همراه باشد، ظرفیت بیشتری برای گسستن چرخه منازعه خواهد داشت.

در فراموشی اجباری استوار باشد، ممکن است صرفاً فاصله میان دو دوره خشونت را طولانی‌تر کند؛ در مقابل، صلحی که با عدالت، پاسخگویی و ترمیم همراه باشد، ظرفیت بیشتری برای گسستن چرخه منازعه خواهد داشت.

در فراموشی اجباری استوار باشد، ممکن است صرفاً فاصله میان دو دوره خشونت را طولانی‌تر کند؛ در مقابل، صلحی که با عدالت، پاسخگویی و ترمیم همراه باشد، ظرفیت بیشتری برای گسستن چرخه منازعه خواهد داشت.

در فراموشی اجباری استوار باشد، ممکن است صرفاً فاصله میان دو دوره خشونت را طولانی‌تر کند؛ در مقابل، صلحی که با عدالت، پاسخگویی و ترمیم همراه باشد، ظرفیت بیشتری برای گسستن چرخه منازعه خواهد داشت.

در فراموشی اجباری استوار باشد، ممکن است صرفاً فاصله میان دو دوره خشونت را طولانی‌تر کند؛ در مقابل، صلحی که با عدالت، پاسخگویی و ترمیم همراه باشد، ظرفیت بیشتری برای گسستن چرخه منازعه خواهد داشت.

است مسئولیت‌ها بر اساس شواهد و در چارچوب‌های حقوقی مربوط بررسی شوند و افراد متأثر از منازعه نیز، متناسب با شرایط و بی‌ارعایت حقوقشان، در فرآیندهای مرتبط با رسیدگی به آسیب‌ها مشارکت داشته باشند. چنین مشارکتی نباید به معنای انتقال بار مسئولیت به آسیب‌دیدگان یا نادیده گرفتن حقوق آنان باشد.

گام چهارم، جبران و ترمیم آسیب‌هاست. این مرحله می‌تواند اقداماتی از جبران خسارت و حمایت از آسیب‌دیدگان تا بازسازی خدمات و روابط اجتماعی را دربر گیرد. جبران و ترمیم زمانی معنا پیدا می‌کند که شناسایی آسیب‌ها و بررسی مسئولیت‌ها به اقداماتی متناسب با نیازهای آسیب‌دیدگان منجر شود. ماهیت این اقدامات به نوع آسیب، شرایط افراد متأثر و امکانات موجود بستگی دارد. باین حال، هدف آنها باید کاهش پیامدهای آسیب، حمایت از آسیب‌دیدگان و فراهم کردن زمینه بازگشت امنیت و ثبات به زندگی آنان باشد. در این چارچوب، ترمیم صرفاً به معنای جبران مادی خسارت نیست، بلکه می‌تواند ابعاد اجتماعی و انسانی آسیب‌ها را نیز در بر گیرد.

گام پنجم، پیشگیری از تکرار آسیب است. در این مرحله، شرایطی بررسی می‌شوند که زمینه استمرار خشونت، تبعیض، طرد و بی‌اعتمادی را فراهم می‌کنند. ترمیم آسیب‌های گذشته، اگر عامل و توجه به عواملی که زمینه‌ساز وقوع یا تداوم آنها بوده‌اند همراه نباشد، ممکن است نتواند از تکرار تجربه‌های مشابه جلوگیری کند. ازاین‌رو، شناسایی این عوامل و توجه به شرایطی که خشونت و بی‌عدالتی را بازتولید می‌کنند، بخش مهمی از فرآیند عدالت ترمیمی به شمار می‌رود. پیشگیری از تکرار آسیب، در این معنا، مستلزم توجه به پیامدهای خشونت‌های گذشته و تلاش برای فراهم کردن شرایطی است که امکان استمرار خشونت و نقض حقوق انسان‌ها را کاهش دهد.

این فرآیند در سطح اجتماعی می‌تواند به بازسازی اعتماد بی‌بند در سطح نهادی، ضرورت اصلاح رویه‌ها و ایجاد سازوکارهای پاسخگویی را آشکار سازد و در سطح بین‌المللی، یادآور این نکته باشد که توافق‌های سیاسی و توقف درگیری‌ها، هرچند ضروری‌اند، اما باید با توجه به وضعیت انسان‌های آسیب‌دیده و الزامات حقوقی همراه شوند. به بیان دیگر، رسیدگی به پیامدهای انسانی منازعه نباید به مرحله‌ای فرعی یا کم‌اهمیت پس از پایان درگیری تقلیل یابد، بلکه باید در کنار تلاش‌های سیاسی و حقوقی برای پایان دادن به مخاصمات مورد توجه قرار گیرد.

البته این پنج گام، الگویی تحلیلی و ارزشی‌اند و نباید آنها را صرفاً فرمولی یکسان شده دانست. در بسیاری از شرایط هر منازعه، ماهیت آسیب‌های زمینه‌های سیاسی و اجتماعی آن، بر چگونگی طراحی و اجرای سازوکارهای ترمیمی تأثیر می‌گذرانند. در منازعات مسلحانه، سازوکارهای ترمیمی باید با رعایت حقوق بین‌الملل، ضرورت پاسخگویی و ملاحظات امنیتی و انسانی طراحی شوند. این سازوکارها همچنین نباید به ابزار برای اعمال فشار بر قربانیان به منظور بخشش یا آشتی تبدیل شوند؛ زیرا ترمیم واقعی نمی‌تواند بر نادیده گرفتن تجربه آسیب‌دیدگان یا محدود کردن اختیار آنان استوار باشد.

در برخی شرایط نیز بازسازی رابطه با عامل آسیب نه‌ممکن است و نه ضرورت دارد. ترمیم الزاماً به معنای ازسرگیری رابطه میان آسیب‌دیده و عامل آسیب یا بازگشت به وضعیت پیش از وقوع منازعه نیست. در چنین شرایطی، ترمیم می‌تواند به معنای بازسازی امنیت، جبران خسارت، تضمین عدم تکرار یا فراهم کردن شرایطی باشد که افراد بتوانند بدون ترس، زندگی خود را از نو سامان دهند. بنابراین، باید میان ترمیم آسیب‌ها و الزام به آشتی تمایز قائل شد؛ چراکه ممکن است رسیدگی به آسیب‌ها و حمایت از حقوق افراد، بدون برقراری مجدد رابطه میان طرف‌ها امکان‌پذیر باشد.

بنابراین، هدف عدالت ترمیمی الزاماً بازگشت به روابط پیشین نیست؛ بلکه ایجاد وضعیتی عادلانه‌تر و امن تر پس از وقوع آسیب است. ارزش این رویکرد در آن است که ضمن به‌رسمیت‌شناختن رنج آسیب‌دیدگان و تأکید بر ضرورت بازگشت به روابط پیشین نیست؛ بلکه ترمیم آسیب‌ها و الزام به آشتی تمایز قائل شد؛ چراکه ممکن است رسیدگی به آسیب‌ها و حمایت از حقوق افراد، بدون برقراری مجدد رابطه میان طرف‌ها امکان‌پذیر باشد.

بنابراین، هدف عدالت ترمیمی الزاماً بازگشت به روابط پیشین نیست؛ بلکه ترمیم آسیب‌ها و الزام به آشتی تمایز قائل شد؛ چراکه ممکن است رسیدگی به آسیب‌ها و حمایت از حقوق افراد، بدون برقراری مجدد رابطه میان طرف‌ها امکان‌پذیر باشد.

بنابراین، هدف عدالت ترمیمی الزاماً بازگشت به روابط پیشین نیست؛ بلکه ترمیم آسیب‌ها و الزام به آشتی تمایز قائل شد؛ چراکه ممکن است رسیدگی به آسیب‌ها و حمایت از حقوق افراد، بدون برقراری مجدد رابطه میان طرف‌ها امکان‌پذیر باشد.

آغازین به پایان می‌برم: آیا پایان جنگ، الزاماً به معنای تحقق صلح است؟ پاسخ این است که پایان جنگ، شرطی اساسی برای تحقق صلح به شمار می‌رود؛ اما به‌تنهایی نمی‌تواند همه الزامات صلح پایدار را تأمین کند. توقف درگیری‌های نظامی، گامی ضروری برای پایان دادن به رنج انسان‌هاست، باین حال، تحقق صلح پایدار مستلزم توجه به پیامدهای انسانی و اجتماعی جنگ، رسیدگی به آسیب‌های واردشده و فراهم کردن زمینه‌هایی است که از تداوم خشونت و بازتولید منازعه جلوگیری کنند. در شرایطی که جامعه ایران آثار حملات نظامی و پیامدهای انسانی منازعه را تجربه می‌کند، تأکید بر صلح به معنای نادیده گرفتن آسیب‌ها، چشم‌پوشی از مسئولیت‌ها یا صرف‌نظر کردن از حقوق آسیب‌دیدگان نیست. برعکس، ضرورت توقف خشونت باید با توجه جدی به حقوق انسان‌ها، حفاظت از غیرنظامیان، رسیدگی منصفانه به مسئولیت‌ها و حمایت از کسانی همراه باشد که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم با پیامدهای جنگ آسیب دیده‌اند. صلح زمانی می‌تواند مبنایی برای آینده‌ای امن‌تر باشد که با عدالت، کرامت انسانی و به‌رسمیت‌شناختن رنج آسیب‌دیدگان پیوند داشته باشد.

در عین حال، نباید اجازه دهیم رنج ناشی از جنگ، افق آینده را به چرخه‌ای بی‌پایان از انتقام و خشونت محدود کند. تجربه منازعات نشان می‌دهد که تداوم خصومت و بازتولید خشونت، نه‌تنها به ترمیم آسیب‌های گذشته کمکی نمی‌کند، بلکه می‌تواند زمینه‌ساز خشونت تازه و عمیق‌تر شود. ازاین‌رو، ضرورت دارد میان مطالبه عدالت و تداوم خشونت تمایز قائل شود و امکان رسیدگی به مسئولیت‌ها و جبران آسیب‌ها را از ادامه مخاصمات جدا بدانیم.

وظیفه اندیشه صلح، نادیده گرفتن تعارض‌ها یا ساده‌سازی واقعیت‌های سیاسی نیست؛ بلکه یافتن راه‌هایی است که از طریق آنها بتوان اختلاف‌ها را بدون گسترش رنج انسانی مدیریت کرد، مسئولیت‌ها را به شیوه‌ای منصفانه مورد رسیدگی قرار داد و امکان همزیستی را حفظ کرد. چنین رویکردی مستلزم آن است که صلح نه صرفاً به عنوان پایان رویارویی نظامی، بلکه به‌منابه فرآیندی برای کاهش زمینه‌های خشونت، بازسازی اعتماد و تقویت روابط اجتماعی در نظر گرفته شود.

از این منظر، عدالت ترمیمی می‌تواند به ما یادآوری کند که صلح پایدار تنها با خاموش شدن صدای سلاح‌ها تحقق نمی‌یابد؛ بلکه به شنیده شدن صدای آسیب‌دیدگان، به‌رسمیت‌شناختن رنج آنان، پاسخگویی در قبال آسیب‌های واردشده، جبران خسارت‌ها و تلاش برای جلوگیری از تکرار خشونت نیز نیاز دارد. ترمیم، در این معنا، نه جایگزینی برای عدالت و پاسخگویی، بلکه تلاشی برای پیوند دادن این الزامات با نیازهای انسانی و اجتماعی پس از منازعه است.

در پرتو این ملاحظات، تأکید بر سه نکته برای فهم نسبت میان صلح، عدالت و کرامت انسانی ضروری است. نخست، صلح بر جنگ اولویت دارد؛ زیرا هیچ راه‌حل سیاسی یا نظامی نباید رنج انسان‌ها را به امری بی‌اهمیت تبدیل کند. توقف خشونت باید در کنار تلاش‌ها برای حل منازعه قرار گیرد.

صلح پایدار بدون عدالت و پاسخگویی آسیب‌پذیر است؛ اما عدالت خواهی نیز نباید به توجیهی برای تداوم نامحدود خشونت تبدیل شود. رسیدگی به مسئولیت‌ها و جبران آسیب‌ها ضرورتی مستقل از ادامه مخاصمات است و نباید تحقق آن به استمرار خشونت وابسته باشد. و سوم، ترمیم واقعی زمانی آغاز می‌شود که آسیب دیده و صدای آسیب‌دیده شنیده شود و اراده‌ای جدی برای جبران و جلوگیری از تکرار آسیب شکل بگیرد. این فرایند به معنای فراموش کردن گذشته یا الزام آسیب‌دیدگان به بخشش نیست؛ بلکه مستلزم به‌رسمیت‌شناختن تجربه آنان و تلاش برای فراهم کردن شرایطی عادلانه‌تر و امن‌تر برای آینده است.

امید من این است که اندیشه و عمل در حوزه صلح و حل منازعه بتوانند به شکل‌گیری جهانی کمک کنند که در آن، اختلاف‌ها به جای جنگ، از طریق گفت‌وگو، دیپلماسی و سازوکارهای حقوقی حل‌وفصل شوند؛ حقوق و کرامت انسان‌ها محترم بماند و هیچ جامعه‌ای برای دستیابی به امنیت و آینده‌ای بهتر، ناگزیر از تحمل چرخه‌ای بی‌پایان از خشونت و رنج نباشد.

صلح به معنای فراموش کردن رنج نیست؛ به معنای تلاش برای پایان دادن به رنج، بدون بازتولید آن است.

«ایران» ابعاد تصمیم پکن در اعزام فرستاده ویژه به غرب آسیا را بررسی می کند

نظم منطقه‌ای با الگوی چینی



AP-عس

تحلیل

علیرضا حجتی

دبیر گروه بین الملل

در بحبوحه شرایط خاص منطقه، چین از اعزام یک فرستاده ویژه به غرب آسیا خبر داد. این موضوع روز گذشته از سوی سخنگوی وزارت امور خارجه چین بیان شد. گوئو جیاکون در نشست خبری خود با اشاره به اینکه پکن به شدت نگران درگیری‌ها در خاورمیانه و مناطق اطراف آن است، اعلام کرد چین در آینده نزدیک فرستاده‌ای را به کشورهای مرتبط اعزام خواهد کرد. این دیپلمات چینی از طرف‌های دیگر خواست اختلافات خود را از طریق گفت‌وگو و مذاکره حل و فصل کنند و نسبت به سرایت درگیری‌های خاورمیانه به شاخ آفریقا و منطقه دریای سرخ ابراز نگرانی کرد. گوئو

پس از جنگ سوریه که سال ۲۰۱۱ بعد از بهار عربی آغاز شد، پکن با انتصاب فرستاده ویژه برای سوریه، دیپلمات چینی، شی شیائوایان را به‌عنوان فرستاده ویژه منصوب کرد که از سال ۲۰۱۶ در این سمت خدمت کرده است. دولت چین طرح چهار ماده‌ای خود را در سال ۲۰۱۲، طرح «پنج ماده‌ای» را در سال ۲۰۱۴ و طرح سیاست‌های آشفته و ناپذیرانه دولت ترامپ، آمریکا را در باتلاق سیاست‌های شخصی و ترجیحات نتانیاهو گرفتار کرده و به تبع آن، جهان را در آستانه یک بحران بزرگ قرار داده است.

این هدفگذاری در سیاست خارجی چین البته اتفاق بدیع و نوظهوری نیست. پایه‌گذاری سمت فرستاده ویژه یا نماینده خاص برای منطقه غرب آسیا به بیش از ۲ دهه قبل بازمی گردد. در سال ۲۰۰۲ چین این سمت را با تمرکز اولیه بر بحران ریشه‌دار منطقه یعنی فلسطین ایجاد کرد. به تدریج در سال‌های بعد، حوزه فعالیت این سمت به مسائل گسترده‌تری مانند بحران سوریه، جنگ یمن و دیگر بحران‌های منطقه‌ای که مورد متأخر آن جنگ آمریکا و اسرائیل با ایران است گسترش یافت.

پس از جنگ سوریه که سال ۲۰۱۱ بعد از بهار عربی آغاز شد، پکن با انتصاب فرستاده ویژه برای سوریه، دیپلمات چینی، شی شیائوایان را به‌عنوان فرستاده ویژه منصوب کرد که از سال ۲۰۱۶ در این سمت خدمت کرده است. دولت چین طرح چهار ماده‌ای خود را در سال ۲۰۱۲، طرح «پنج ماده‌ای» را در سال ۲۰۱۴ و طرح سیاست‌های آشفته و ناپذیرانه دولت ترامپ، آمریکا را در باتلاق سیاست‌های شخصی و ترجیحات نتانیاهو گرفتار کرده و به تبع آن، جهان را در آستانه یک بحران بزرگ قرار داده است.

این هدفگذاری در سیاست خارجی چین البته اتفاق بدیع و نوظهوری نیست. پایه‌گذاری سمت فرستاده ویژه یا نماینده خاص برای منطقه غرب آسیا به بیش از ۲ دهه قبل بازمی گردد. در سال ۲۰۰۲ چین این سمت را با تمرکز اولیه بر بحران ریشه‌دار منطقه یعنی فلسطین ایجاد کرد. به تدریج در سال‌های بعد، حوزه فعالیت این سمت به مسائل گسترده‌تری مانند بحران سوریه، جنگ یمن و دیگر بحران‌های منطقه‌ای که مورد متأخر آن جنگ آمریکا و اسرائیل با ایران است گسترش یافت.

پس از جنگ سوریه که سال ۲۰۱۱ بعد از بهار عربی آغاز شد، پکن با انتصاب فرستاده ویژه برای سوریه، دیپلمات چینی، شی شیائوایان را به‌عنوان فرستاده ویژه منصوب کرد که از سال ۲۰۱۶ در این سمت خدمت کرده است. دولت چین طرح چهار ماده‌ای خود را در سال ۲۰۱۲، طرح «پنج ماده‌ای» را در سال ۲۰۱۴ و طرح سیاست‌های آشفته و ناپذیرانه دولت ترامپ، آمریکا را در باتلاق سیاست‌های شخصی و ترجیحات نتانیاهو گرفتار کرده و به تبع آن، جهان را در آستانه یک بحران بزرگ قرار داده است.

پس از جنگ سوریه که سال ۲۰۱۱ بعد از بهار عربی آغاز شد، پکن با انتصاب فرستاده ویژه برای سوریه، دیپلمات چینی، شی شیائوایان را به‌عنوان فرستاده ویژه منصوب کرد که از سال ۲۰۱۶ در این سمت خدمت کرده است. دولت چین طرح چهار ماده‌ای خود را در سال ۲۰۱۲، طرح «پنج ماده‌ای» را در سال ۲۰۱۴ و طرح سیاست‌های آشفته و ناپذیرانه دولت ترامپ، آمریکا را در باتلاق سیاست‌های شخصی و ترجیحات نتانیاهو گرفتار کرده و به تبع آن، جهان را در آستانه یک بحران بزرگ قرار داده است.

ایران از چین انتقاد کرده‌اند که باید نقش مسئولانه‌ای در خاورمیانه ایفا کند، اما پکن روش متفاوتی برای مسئولیت‌های خود تعریف کرده است . رفتارشناسی چین نشان می‌دهد در مسائل امنیتی منطقه‌ای، چین بر امنیت مشارکتی و پایدار تأکید دارد. شکست مدل آمریکایی برای مداخله مستقیم نظامی -امنیتی در منطقه از طریق صادرات امنیت، بعد از جنگ ۲۰ روزه احتمالاً چینی‌ها را در جهت‌گیری سیاست همیشگی خودشان مصمم‌تر کرده است. فصل شود و قدرت‌های فرامنطقه‌ای مثل چین صرفاً می‌توانند کشورهای منطقه را با استفاده از اهرم اقتصادی و سیاسی به سمت گفت‌وگو سوق دهند .

ایران از چین انتقاد کرده‌اند که باید نقش مسئولانه‌ای در خاورمیانه ایفا کند، اما پکن روش متفاوتی برای مسئولیت‌های خود تعریف کرده است . رفتارشناسی چین نشان می‌دهد در مسائل امنیتی منطقه‌ای، چین بر امنیت مشارکتی و پایدار تأکید دارد. شکست مدل آمریکایی برای مداخله مستقیم نظامی -امنیتی در منطقه از طریق صادرات امنیت، بعد از جنگ ۲۰ روزه احتمالاً چینی‌ها را در جهت‌گیری سیاست همیشگی خودشان مصمم‌تر کرده است. فصل شود و قدرت‌های فرامنطقه‌ای مثل چین صرفاً می‌توانند کشورهای منطقه را با استفاده از اهرم اقتصادی و سیاسی به سمت گفت‌وگو سوق دهند .

ایران از چین انتقاد کرده‌اند که باید نقش مسئولانه‌ای در خاورمیانه ایفا کند، اما پکن روش متفاوتی برای مسئولیت‌های خود تعریف کرده است . رفتارشناسی چین نشان می‌دهد در مسائل امنیتی منطقه‌ای، چین بر امنیت مشارکتی و پایدار تأکید دارد. شکست مدل آمریکایی برای مداخله مستقیم نظامی -امنیتی در منطقه از طریق صادرات امنیت، بعد از جنگ ۲۰ روزه احتمالاً چینی‌ها را در جهت‌گیری سیاست همیشگی خودشان مصمم‌تر کرده است. فصل شود و قدرت‌های فرامنطقه‌ای مثل چین صرفاً می‌توانند کشورهای منطقه را با استفاده از اهرم اقتصادی و سیاسی به سمت گفت‌وگو سوق دهند .

ایران از چین انتقاد کرده‌اند که باید نقش مسئولانه‌ای در خاورمیانه ایفا کند، اما پکن روش متفاوتی برای مسئولیت‌های خود تعریف کرده است . رفتارشناسی چین نشان می‌دهد در مسائل امنیتی منطقه‌ای، چین بر امنیت مشارکتی و پایدار تأکید دارد. شکست مدل آمریکایی برای مداخله مستقیم نظامی -امنیتی در منطقه از طریق صادرات امنیت، بعد از جنگ ۲۰ روزه احتمالاً چینی‌ها را در جهت‌گیری سیاست همیشگی خودشان مصمم‌تر کرده است. فصل شود و قدرت‌های فرامنطقه‌ای مثل چین صرفاً می‌توانند کشورهای منطقه را با استفاده از اهرم اقتصادی و سیاسی به سمت گفت‌وگو سوق دهند .

ایران از چین انتقاد کرده‌اند که باید نقش مسئولانه‌ای در خاورمیانه ایفا کند، اما پکن روش متفاوتی برای مسئولیت‌های خود تعریف کرده است . رفتارشناسی چین نشان می‌دهد در مسائل امنیتی منطقه‌ای، چین بر امنیت مشارکتی و پایدار تأکید دارد. شکست مدل آمریکایی برای مداخله مستقیم نظامی -امنیتی در منطقه از طریق صادرات امنیت، بعد از جنگ ۲۰ روزه احتمالاً چینی‌ها را در جهت‌گیری سیاست همیشگی خودشان مصمم‌تر کرده است. فصل شود و قدرت‌های فرامنطقه‌ای مثل چین صرفاً می‌توانند کشورهای منطقه را با استفاده از اهرم اقتصادی و سیاسی به سمت گفت‌وگو سوق دهند .

نظم بین‌المللی نیز پیوند دارد. در نتیجه، چین می‌کوشد نشان دهد که مدیریت بحران‌های منطقه‌ای نباید صرفاً به قدرت نظامی آمریکا یا ائتلاف‌های تحت رهبری واشنگتن وابسته باشد و دیپلماسی چندجانبه و میانجی‌گری نیز باید جایگاهی محوری داشته باشند.

جهت‌گیری چین در چندماه گذشته و بعد از تحولات مرتبط با تنگه هرمز نشان دهنده این است که پکن می‌خواهد نفوذ خود بر شکل‌گیری نظم امنیتی خاورمیانه را افزایش دهد، اما این هدف با پذیرش مسئولیت کامل تأمین امنیت منطقه تفاوت دارد. گزارش انستیتو خاورمیانه (MEI) که اواخر سپتامبر منتشر شده اشاره می‌کند که پکن همچنان به عدم مداخله، پرهیز از اتحادهای نظامی رسمی و محدود نگه داشتن تعهدات امنیتی بلندمدت در خارج از مرزهای خود پایبند است. توانایی نظامی چین برای عملیات دوربرد در حال افزایش است، اما این کشور هنوز با محدودیت‌هایی در تأمین امنیت پایدار در محیط پرتنش خلیج فارس روبه‌روست.

اندیشکده چتم‌هاوس نیز چند ماه قبل در مه ۲۰۲۶ درباره پیامدهای جنگ علیه ایران تحلیل کرد که چین می‌تواند در ایجاد چارچوب امنیتی جدید و تسهیل گفت‌وگو میان ایران و کشورهای خلیج فارس نقش ایفا کند.

در نهایت، اعزام فرستاده ویژه چین به خاورمیانه در بستر بحران کنونی را می‌توان در چارچوب تداوم راهبرد خاورمیانه‌ای چین و به‌روزرسانی آن با تحولات جدید ارزیابی کرد.

از نظر راهبردی، بحران کنونی در منطقه منافع مستقیم چین را تهدید می‌کند. گسترش درگیری می‌تواند پیامدهایی برای تجارت، انرژی و امنیت اقتصادی چین داشته باشد. با وجود این پکن مایل نیست آمریکا در این مناقشه دست برتر را داشته باشد و در عین حال می‌خواهد جایگاه خود را به‌عنوان قدرتی مؤثر در مدیریت بحران‌های بین‌المللی تثبیت کند. از نظر ترتیبات امنیتی، از نگاه ناظران، راهبرد چین بیش‌تر می‌تواند تمرکز روی افزایش نقش دیپلماسی و سازوکارهای منطقه‌ای باشد تا پذیرش فوری مسئولیت امنیتی مشابه سیاست آمریکا.

اینکه چین می‌تواند منطقه غرب آسیا را دیپلماسی بحران محور به مشارکت مستمر در ایجاد یک سازوکار امنیتی منطقه‌ای عبور دهد، پرسشی است که به زودی نتایج آن و میزان موفقیت آن در سطوح سیاسی و امنیتی منطقه نمایان خواهد شد.

نمایش قدرت اعراب اسرائیل

باختری و غزه و هم به‌خاطر سیاست‌هایی که از نظر آنها با اعراب رفتار می‌کند. در واقع، نتانیاهو در سراسر کارزار انتخاباتی خود آشکارا به راستگرایان و پیشداوری‌های ضدرعب دامن زد تا حمایت بیشتری جلب کند.

از میان دو حزب عربی که روز سه‌شنبه عملکرد خوبی داشتند، تنها حزب رعم در گذشته به یک دولت ائتلافی پیوسته است. این اتفاق در سال ۲۰۲۱ رخ داد؛ زمانی که این حزب به ائتلاف ضدنتانیاهوی اسرائیل با نسل فلسطینیانی هستند که در جریان اشغال فلسطین در سال ۱۹۴۸، از خانه‌های خود باقی ماندند. امروز، آنها عمدتاً در شهرها و مناطق مسکونی جدا از اشغالگران زندگی می‌کنند و با خشونت و سیاست‌های تبعیض‌آمیز در زمینه مسکن روبه‌رو هستند. در طول ده‌ها، اختلاف نظرهای گوناگون، از جمله اختلاف بر سر ماهیت اشغالگری اسرائیل باعث شده که بسیاری از رأی‌دهندگان عرب از شرکت در انتخابات خودداری کنند.

این هفته، بسیاری از رأی‌دهندگان عرب گفتند که در بنیامین نتانیاهو به شدت خشمگین‌اند؛ هم به‌دلیل نحوه برخورد او با فلسطینیان در کرانه

نمایش قدرت اعراب اسرائیل

باختری و غزه و هم به‌خاطر سیاست‌هایی که از نظر آنها با اعراب رفتار می‌کند. در واقع، نتانیاهو در سراسر کارزار انتخاباتی خود آشکارا به راستگرایان و پیشداوری‌های ضدرعب دامن زد تا حمایت بیشتری جلب کند.

از میان دو حزب عربی که روز سه‌شنبه عملکرد خوبی داشتند، تنها حزب رعم در گذشته به یک دولت ائتلافی پیوسته است. این اتفاق در سال ۲۰۲۱ رخ داد؛ زمانی که این حزب به ائتلاف ضدنتانیاهوی اسرائیل با نسل فلسطینیانی هستند که در جریان اشغال فلسطین در سال ۱۹۴۸، از خانه‌های خود باقی ماندند. امروز، آنها عمدتاً در شهرها و مناطق مسکونی جدا از اشغالگران زندگی می‌کنند و با خشونت و سیاست‌های تبعیض‌آمیز در زمینه مسکن روبه‌رو هستند. در طول ده‌ها، اختلاف نظرهای گوناگون، از جمله اختلاف بر سر ماهیت اشغالگری اسرائیل باعث شده که بسیاری از رأی‌دهندگان عرب از شرکت در انتخابات خودداری کنند.

این هفته، بسیاری از رأی‌دهندگان عرب گفتند که در بنیامین نتانیاهو به شدت خشمگین‌اند؛ هم به‌دلیل نحوه برخورد او با فلسطینیان در کرانه

فرزنده‌ای از منتقدان معتقدند نتانیاهو با متحد شدن با راست افراطی که از تصرف خشونت‌آمیز زمین‌ها در کرانه باختری حمایت می‌کنند، جایگاه بین‌المللی این رژیم را تضعیف کرده است. به گفته منتقدان، حمایت او از یهودیان فوق‌ارتدوکس که در برابر خدمت سربازی مقاومت می‌کنند به افزایش شکاف در جامعه اسرائیل دامن زده است.

بسیاری از کسانی که خواهان تغییر این وضعیت هستند، به بلوک رهبری گادی آیزنکوت پیوسته‌اند؛ ژنرال پیشین ارتش رژیم و سیاستمداری که بر اساس نظرسنجی‌های نهایی این هفته، با اختلافی اندک از نتانیاهو پیشی گرفته بود. بلوک تغییر، از آیزنکوت تا نفتالی بنت، نخست‌وزیر پیشین اسرائیل که زمانی مدیریت یک شورای شهرک‌سازی در کرانه باختری را بر عهده داشت،

بسیاری از کسانی که خواهان تغییر این وضعیت هستند، به بلوک رهبری گادی آیزنکوت پیوسته‌اند؛ ژنرال پیشین ارتش رژیم و سیاستمداری که بر اساس نظرسنجی‌های نهایی این هفته، با اختلافی اندک از نتانیاهو پیشی گرفته بود. بلوک تغییر، از آیزنکوت تا نفتالی بنت، نخست‌وزیر پیشین اسرائیل که زمانی مدیریت یک شورای شهرک‌سازی در کرانه باختری را بر عهده داشت،

بسیاری از کسانی که خواهان تغییر این وضعیت هستند، به بلوک رهبری گادی آیزنکوت پیوسته‌اند؛ ژنرال پیشین ارتش رژیم و سیاستمداری که بر اساس نظرسنجی‌های نهایی این هفته، با اختلافی اندک از نتانیاهو پیشی گرفته بود. بلوک تغییر، از آیزنکوت تا نفتالی بنت، نخست‌وزیر پیشین اسرائیل که زمانی مدیریت یک شورای شهرک‌سازی در کرانه باختری را بر عهده داشت،

بسیاری از کسانی که خواهان تغییر این وضعیت هستند، به بلوک رهبری گادی آیزنکوت پیوسته‌اند؛ ژنرال پیشین ارتش رژیم و سیاستمداری که بر اساس نظرسنجی‌های نهایی این هفته، با اختلافی اندک از نتانیاهو پیشی گرفته بود. بلوک تغییر، از آیزنکوت تا نفتالی بنت، نخست‌وزیر پیشین اسرائیل که زمانی مدیریت یک شورای شهرک‌سازی در کرانه باختری را بر عهده داشت،

ویدیویی منتشر کرد و مدعی شد یک حزب عربی در حال رشوه دادن به رأی‌دهندگان است. سپس، بعدازظهر همان روز، تصویری از زنانی با حجاب منتشر کرد که بیرون یک مرکز رأی‌گیری در جنوب اسرائیل منتظر بودند. او در جریان کارزار انتخاباتی خود نیز بارها در تبلیغات تلویزیونی و آنلاین هشدار داد که آیزنکوت دولتی با مشارکت شهروندان عرب‌تبار و نیروهای چپ‌گرا تشکیل خواهد داد و اسرائیل را به آشوب خواهد کشاند. این مواضع بار دیگر نشان داد که نتانیاهو چگونه با برجسته کردن تهدیدهای ادعایی و دامن زدن به شکاف‌ها حتی در داخل سرزمین‌های اشغالی می‌کوشد رأی هوادارانش را بسیج کند و مشارکت سیاسی شهروندان عرب را به عاملی برای ایجاد نگرانی در میان رأی‌دهندگان یهودی تبدیل کند.

ویدیویی منتشر کرد و مدعی شد یک حزب عربی در حال رشوه دادن به رأی‌دهندگان است. سپس، بعدازظهر همان روز، تصویری از زنانی با حجاب منتشر کرد که بیرون یک مرکز رأی‌گیری در جنوب اسرائیل منتظر بودند. او در جریان کارزار انتخاباتی خود نیز بارها در تبلیغات تلویزیونی و آنلاین هشدار داد که آیزنکوت دولتی با مشارکت شهروندان عرب‌تبار و نیروهای چپ‌گرا تشکیل خواهد داد و اسرائیل را به آشوب خواهد کشاند. این مواضع بار دیگر نشان داد که نتانیاهو چگونه با برجسته کردن تهدیدهای ادعایی و دامن زدن به شکاف‌ها حتی در داخل سرزمین‌های اشغالی می‌کوشد رأی هوادارانش را بسیج کند و مشارکت سیاسی شهروندان عرب را به عاملی برای ایجاد نگرانی در میان رأی‌دهندگان یهودی تبدیل کند.

ویدیویی منتشر کرد و مدعی شد یک حزب عربی در حال رشوه دادن به رأی‌دهندگان است. سپس، بعدازظهر همان روز، تصویری از زنانی با حجاب منتشر کرد که بیرون یک مرکز رأی‌گیری در جنوب اسرائیل منتظر بودند. او در جریان کارزار انتخاباتی خود نیز بارها در تبلیغات تلویزیونی و آنلاین هشدار داد که آیزنکوت دولتی با مشارکت شهروندان عرب‌تبار و نیروهای چپ‌گرا تشکیل خواهد داد و اسرائیل را به آشوب خواهد کشاند. این مواضع بار دیگر نشان داد که نتانیاهو چگونه با برجسته کردن تهدیدهای ادعایی و دامن زدن به شکاف‌ها حتی در داخل سرزمین‌های اشغالی می‌کوشد رأی هوادارانش را بسیج کند و مشارکت سیاسی شهروندان عرب را به عاملی برای ایجاد نگرانی در میان رأی‌دهندگان یهودی تبدیل کند.

ویدیویی منتشر کرد و مدعی شد یک حزب عربی در حال رشوه دادن به رأی‌دهندگان است. سپس، بعدازظهر همان روز، تصویری از زنانی با حجاب منتشر کرد که بیرون یک مرکز رأی‌گیری در جنوب اسرائیل منتظر بودند. او در جریان کارزار انتخاباتی خود نیز بارها در تبلیغات تلویزیونی و آنلاین هشدار داد که آیزنکوت دولتی با مشارکت شهروندان عرب‌تبار و نیروهای چپ‌گرا تشکیل خواهد داد و اسرائیل را به آشوب خواهد کشاند. این مواضع بار دیگر نشان داد که نتانیاهو چگونه با برجسته کردن تهدیدهای ادعایی و دامن زدن به شکاف‌ها حتی در داخل سرزمین‌های اشغالی می‌کوشد رأی هوادارانش را بسیج کند و مشارکت سیاسی شهروندان عرب را به عاملی برای ایجاد نگرانی در میان رأی‌دهندگان یهودی تبدیل کند.

ویدیویی منتشر کرد و مدعی شد یک حزب عربی در حال رشوه دادن به رأی‌دهندگان است. سپس، بعدازظهر همان روز، تصویری از زنانی با حجاب منتشر کرد که بیرون یک مرکز رأی‌گیری در جنوب اسرائیل منتظر بودند. او در جریان کارزار انتخاباتی خود نیز بارها در تبلیغات تلویزیونی و آنلاین هشدار داد که آیزنکوت دولتی با مشارکت شهروندان عرب‌تبار و نیروهای چپ‌گرا تشکیل خواهد داد و اسرائیل را به آشوب خواهد کشاند. این مواضع بار دیگر نشان داد که نتانیاهو چگونه با برجسته کردن تهدیدهای ادعایی و دامن زدن به شکاف‌ها حتی در داخل سرزمین‌های اشغالی می‌کوشد رأی هوادارانش را بسیج کند و مشارکت سیاسی شهروندان عرب را به عاملی برای ایجاد نگرانی در میان رأی‌دهندگان یهودی تبدیل کند.

تورم نقطه به نقطه با کاهش ۱.۱ واحد درصدی به ۸۸.۷ درصد رسید

تصویر مهر ماه از تغییر قیمت‌ها

گزارش ●

گزارش تازه مرکز آمار ایران نشان می دهد، تورم نقطه به نقطه در اولین ماه پیاپی ۱۴۰۲ حدود درصد کاهش یافت و به ۸۸.۷ درصد رسیده و بخش مهمی از این تغییرات با پیاپی آمدن تورم نقطه ای خوراکی ها، اسامینی ها و خانایات همراه بوده است. به گفته مرکز آمار، شاخص قیمت مصرف کننده در گروه خوراکی ها، اسامینی ها و خانایات، از ۱۲۱.۸ درصد در شهریور به ۱۱۳.۴ درصد در مهر رسیده است. کاهش تورم نقطه ای در هر دو منطقه شهری و روستایی و افت قیمت ماهانه برخی اقلام خوراکی، از دیگر نکات قابل توجه گزارش است. با این حال، تورم ماهانه با اندکی افزایش به ۴۰۴ درصد رسیده و تورم سالانه نیز همچنان صعودی است. این تصویری است که از کاهش آهنگ رشد سالانه قیمت ها در بخش از بار کهایت دارد، اما برای قضاوت درباره ماندگاری آن باید آمار ماه های آینده را دنبال کرد.

گزارش مرکز آمار ایران، شاخص مصرف کننده خانوارها که کشور در مهرماه ۱۴۰۲ به عدد ۶۱.۸ رسیده و متوسط

قیمت کالاهای خدمات مصرفی نسبت به شهرویان اسمال ۲۰ درصد و نسبت به مهر سال گذشته ۸۸۰ درصد افزایش یافته است. نرخ تورم سالانه نیز که تغییر میانگین شاخص در دوازده ماه از اندازه می گیرد، با افزایش ۳۰۲ واحد درصدی نسبت به شهرویان، به ۷۶۰ درصد رسیده است.

کاهش محسوس تورم نقطه‌ای خوراکی‌ها

مهم‌ترین تغییر کاهشی در گزارش مهر ماه به گروه خوراکی‌ها، آتسمایندگی دکانیات مربوط است. این گروه نزدیک به ۲۹۰ درصد از وزن سید شاخص قیمت مصرف کننده را تشکیل می دهد و تغییرات آن در هزینه تورم‌زورمه خانوارها اهمیت دارد. تورم نقطه‌ای این گروه در یک ماه ۸۰۴ واحد درصد پایین آمده است. این کاهش در شهرها و روستاها نیز دیده می شود. تورم نقطه‌ای گروه خوراکی‌ها، آتسمایندگی‌ها و دکانیات برای خانوارها اهمیت شهری از ۱۰۲۰ به ۱۱۲ درصد و برای خانوارهای روستایی از ۱۲۸۰۶ به ۱۱۹۰۵ درصد رسیده است. بنابراین کاهش این شاخص محدود به یک منطقه جغرافیایی نبوده است.

البته مقایسه ماهانه، روایت متفاوتی دارد. متوسط قیمت این گروه در مهر نسبت به شهریور ۲۴ درصد افزایش یافته، در حالی که افزایش ماهانه آن در شهریور ۲۳ درصد بود. به این ترتیب، کاهش تورم نقطه‌ای را باید به معنای کمتر شدن رشد قیمت نسبت به ماه مشابه سال قبل دانست، نه کاهش عمومی قیمت خوراکی‌ها در فاصله دو ماه.

کاهش محسوس تورم نقطه‌ای خوراکی‌ها

مهم‌ترین تغییر کاهشی در گزارش مهر ماه به هوش خوراکي‌ها، آسالمي‌ها و دناخيائ مربوط است. اين گروه نزديک ۲۹.۴ درصد از وزن سبد شاخص قيمت مصرف کننده را تشکيل مي دهد و تغييرات آن در هزينه خريد روزمره خانوارها اهميت دارد. نقطه‌اي آيين گروه در يك ماه ۸.۴ واحد درصد پايين آمده است.

اين کاهش در شوهرا و روستاها نيز ديده مي شود. نورم نقطه‌اي گروه خوراکي‌ها، آسالمي‌ها و دناخيائ براي خانوارهاي شوهري از ۱۲۰.۲ و درصدد و ۱۱۹.۵ خانوارهاي روستايي از ۱۲۸.۶ و ۱۱۸.۱ درصد رسيده است. بنا بر اين، کاهش اين شاخص محدود به يك منطقه جغرافيايي نبوده است.

افت قیمت میوه

و بخشی از گروه گوشت

جزئیات گزارش نشان می دهد همه اقلام خوراکی در مهر مسیر یکسانی نداشته اند. متوسط قیمت گروه میوه و خشکبار نسبت به شهریور ۱.۵ درصد کاهش یافته و در زیرگروه گوشت قرمز و گوشت سبزیجات ۰.۴ درصدی ثبت شده است. همچنین افزایش ماهانه قیمت در گروه سردتره تر گوشت قرمز، سفید و فرآورده های آنها به ۰.۲ درصد محدود بوده است.

در گروه های اختصاصی نیز تورم ماهانه خوراکی های تازه ۱.۴ درصد گزارش شده که کمتر از تورم ۲.۲ درصدی کل خوراکی ها و افزایش ۳.۳ درصدی سایر خوراکی ها است. این تفاوت نشان می دهد



همه اقلام
خوراکی در
مهرمسیر
یکسانی
نداشته اند

متوسط قیمت
گروه میوه
و خشکبار
نسبت به
شهریور
۱.۵ درصد
کاهش یافته
و در زیر گروه
گوشت قرمز و
گوشت ماکیان
نیز افت ۰.۴
درصدی ثبت
شده است

بخشی از اقلام غذایی در مهر، تغییر قیمت محدودتری داشته‌اند.

در مقابل، برخی گروه‌ها از جمله سبزیجات و حبوبات افزایش بیشتری را تجربه کرده‌اند. در نتیجه، کاهش قیمت چند قلم یا زیرگروه، به معنای یکسان بودن شرایط در تمام بازار مواد غذایی نیست؛ اما همین جزئیات، تصویری دقیق‌تر از عدد کلی تورم به دست می‌دهد.

تورم ماهانه کل نیز از ۴.۲ درصد در شهریور به ۴.۴ درصد در مهر رسیده است. با وجود این افزایش، نرخ مهر ماه همچنان پایین‌تر از ارقام ثبت‌شده در فروردین، اردیبهشت و خرداد امسال است که به‌ترتیب، ۸.۸ و ۵.۹ درصد بود. این مقایسه از فاصله گرفتن تورم ماهانه با جهش این شاخص در اردیبهشت حکایت دارد، هرچند مسیر ماه‌های اخیر پیوسته نزولی نبوده است.

کاهش تورم نقطه‌ای در شهر و روستا

تورم نقطه‌ای خانوارهای شهری در مهر
 واحد درصد کاهش به ۸۵.۵ درصد
 رسیده است. این شاخص برای خانوارهای
 روستایی نیز ۱.۹ واحد درصد پایین آمده
 و ۱۰.۷ درصد ثبت شده است. در نتیجه،
 تورم نقطه‌ای شهر و روستا از ۲۲.۴
 واحد درصد کاهش یافته است.
 فاصله تورم سالانه دهک‌های هزینه‌ای نیز
 اندکی کمتر شده و از ۱۱.۱ واحد درصد
 به ۱۰.۷ واحد درصد رسیده است.
 به‌شهری‌ها به ۱۱.۲ واحد درصد رسیده
 است. با این حال، تورم سالانه دهک دوم،
 در ۸۵.۵ درصد، همچنان بالاتر از سایر
 دهک‌هاست و دهک دهم با ۷۴.۸ درصد
 کمترین نرخ را دارد.

کانون افزایش ماهانه

تورم چیست؟

در همراه، تورم ماهانه کالاها یا غیرکالاهای خدمات ۴٫۸ درصد بوده است که در شهریورماه هم همین عدد ثبت شده بود. این گروه با سهم حدود ۷۰۶ درصدی در سبد شاخص، وزن بیشتری از خوراکی‌ها دارد و افزایش قیمت آن بر تورم کل اثر قابل توجهی می‌گذارد.

حاصل‌وتقل با افزایش ۱۰۷ درصدی تورم و تفریح و فرهنگ با رشد ۹۱ درصدی، از گروه‌های دارای افزایش بالاتر از متوسط بوده‌اند. در مقابل، تورم ماهانه اجاره ۲۵ درصد و آب، برق و سوخت ۰۷ درصد ثبت شده است.

جایگاه مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران
مشاور و مجری کلیه خدمات چاپی
چاپ اقسط ۲ ورقى ۴ رنگ
پلیت ستر ۵ / ۴ ورقى / برش و تاکنى روزنامه
۷-۸۴۷۱۱۵۰۵ ☎
◀ آدرس دفتر: تهران، خیابان قنبرزاده، ابتدای خیابان خرمشهر، پلاک ۲۰۸
◀ آدرس چاپخانه: چهار دانگه، انتهای خیابان سینجرگاز

آگهی تغییرات شرکت سهامی خاص
سیدگرایان آسفال

به شناسه ملی ۷۰۸۶۲۱۶۶ و به شماره ثبت ۵۳۱۹۸۱ به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۴۰۴/۱۰/۰۶ و مجوز شماره ۱۳۲/۲۰۶۵۲ مورخ ۱۴۰۵/۱۶/۱۶ سازمان بورس و اوراق بهادار و مجوز شماره ۱۳۲/۲۰۵۴۴ مورخ ۱۴۰۵/۷/۲۹ سازمان بورس و اوراق بهادار تصمیمات ذیل اتخاذ شد: سرمایه شرکت از مبلغ ۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال به مبلغ ۱۵۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال منقسم به ۱۵۰۰۰۰۰۰ سهم ۱۰۰۰۰ ریالی با نام عادی که تماماً از طریق مطالبات حال شده و نقدی و سود انباشته افزایش یافت و مبلغ ۱۱۹۶۳۰۶۳۳۲۶۳۱۰۹۶۳ ریال به موجب گواهی شماره ۱۱۸۲ مورخ ۱۴۰۵/۷/۱۴ بانک ملت شعبه مستقل مرکزی پرداخت گردیده است و ماده مربوطه در اساسنامه اصلاح و ذیل ثبت از لحاظ افزایش سرمایه در تاریخ فوق الذکر تکمیل و امضا گردیده است.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
 اداره ثبت شرکت ها و مؤسسات غیرتجاری تهران

شناسه
 ۳۳۱۴۴۱۴

آگهی مناقصه عمومی
تأمین فیلتر کارتریج
شرکت فولاد کاوه جنوب کیش (سهامی عام)



شرکت فولاد کاوه جنوب کیش
 South Kaveh Steel Co.

آگهی شماره T-1405136710

بند اول

شرکت فولاد کاوه جنوب کیش (سهامی عام) در نظر دارد جهت تأمین فیلتر کارتریج ۵ میکرون ۴۰ اینچ به قطر ۱۶۵ میلیمتر (مطابق موارد مندرج در اسناد) از طریق مناقصه عمومی دو مرحله‌ای از تأمین کنندگان واجد شرایط و توانمند دعوت نماید. متقاضیان می‌توانند برای اطلاع از شرایط مناقصه و خرید اسناد مناقصه از تاریخ چاپ آگهی تا پایان وقت اداری روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۸/۱۲ به وب‌سایت شرکت فولاد کاوه جنوب کیش به نشانی WWW.SKSCO.IR (قسمت خرید و فروش بخش مناقصه‌های جاری) مراجعه نمایند. ۱۴۰۵/۲۴۴

جدول زمانی انجام مناقصه:

تاریخ شروع فروش اسناد	تاریخ پایان فروش اسناد	آخرین مهلت تحویل پاکت‌های مناقصه
۱۴۰۵/۰۸/۰۷	۱۴۰۵/۰۸/۱۲	۱۴۰۵/۰۸/۱۲

روابط عمومی شرکت فولاد کاوه جنوب کیش (سهامی عام)

نوبت دوم

آگهی تجدید مزایده فروش

سازمان عمران و باز آفرینی فضاهای شهری شهرداری کرمانشاه



سازمان عمران و باز آفرینی فضاهای شهری شهرداری کرمانشاه

در نظر دارد مزایده عمومی یک مرحله ای فروش تعدادی از املاک متعلق به سازمان (به صورت سرقفلی و مالکیت) را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید.

زمان بازگشایی پاکات: ساعت ۱۰ تا ۱۶ ریخ ۱۴۰۵/۰۹/۰۱

اطلاعات تماس دستگاه مزایده گزار جهت دریافت اطلاعات بیشتر در خصوص اسناد مزایده و ارائه پاکت (الف):

آدرس: کرمانشاه، خیابان سدرس، خیابان حاج آخوند، سازمان عمران و باز آفرینی فضاهای شهری شهرداری کرمانشاه

تلفن: ۳۷۲۷۴۶۴۸، ۳۷۲۷۴۶۴۸، فکس: ۳۷۲۷۴۶۴۸، کدپستی ۶۷۱۴۸۱۵۶۸۱

اطلاعات تماسی سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه:

مرکز تماس: ۱۴۵۶

کلیه مراحل بر گزاری مزایده از دریافت اسناد مزایده تا ارائه پیشنهاد مزایده گران و باز گشایی پاکت از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت سامانه ستاد به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مزایده گران در صورت عدم عضویت قبلی مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مزایده محقق سازند.

تاریخ انتشار مزایده در سامانه: ۱۴۰۵/۰۸/۰۶

مهلت زمانی دریافت اسناد مزایده در سامانه: تا تاریخ ۱۴۰۵/۰۸/۱۸

مهلت زمانی ارائه پیشنهاد در سامانه: تا تاریخ ۱۴۰۵/۰۸/۲۰

رسول جبری مدیر سازمان عمران و باز آفرینی فضاهای شهری شهرداری کرمانشاه



آگهی فراخوان عمومی ارزیابی کیفی مناقصه گران

مناقصه شماره م.ع.ب/۱۱/۰۵/۱۴۰۰

به شماره سامانه ستاد: ۰۰۵۵۰۹۱۶۴۵۰۰۰۸۱



شرکت پایانه های نفتی ایران (سهایی خاص): در نظر دارد انجام خدمات موضوع مناقصه را یا در نظر گرفتن شرایط کلی زیر و از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد)، به صورت فراخوان عمومی ارزیابی کیفی مناقصه گران به مناقصه گروا در شرایط واگذار نماید:

(الف) کلیه مراحل برگزاری فراخوان از دریافت و تحویل اسناد فراخوان تا تهیه فهرست مناقصه گران دارای صلاحیت، ارائه پیشنهاد مناقصه گران و بازگشایی پاکت ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی اعضا الکترونیکی را جهت شرکت در فراخوان محقق سازند. خاطر نشان می سازد به موجب بخشنامه وزارت صمت امکان ثبت نام بر خط رایگان در این سامانه جهت تهیه مناقصه گران فراهم می باشد.

شماره تماس سامانه ستاد در تهران جهت انجام مراحل عضویت در سامانه ۰۲۱۴۵۶۰۲۱۴۵۶ و اطلاعات تماس دفاتر ثبت نام در سایر استان ها، در سایت سامانه (www.setadiran.ir) بخش ثبت نام / پروقایل تأمین کننده/ مناقصه گر موجود است.

(ب) نوع فراخوان: مناقصه عمومی توأم با ارزیابی کیفی جهت انتخاب مناقصه گروا در شرایط به منظور انجام خدمات موضوع مناقصه (دو مرحله ای)

(ج) نام و نشانی دستگاه مناقصه گران: تهران، خیابان پاسداران / بالاتر از برج سفید - خیابان شهید حجت سوری (نیستان هفتم) پلاک ۱۱- شرکت پایانه های نفتی ایران (سهایی خاص)

(د) موضوع مناقصه: استفاده از خدمات یک فروند یکدک گران عملیاتی آتشخوار از نوع ASD به صورت ۲۴ ساعته

(ه) شرح مختصر خدمات: شرکت در عملیات بستن و باز کردن نفت کش ها، جابه جایی نقرات شامل راهنما، کارمند اسناد، تعویض شلیت کارکنان مستقر بر روی بدک کش ها و گوی های شناور، ارائه خدمات پشتیبانی و آماده باش در کنار گوی شناور، شرکت در عملیات پاکسازی و رفع آلودگی در دریا، توانایی ارائه خدمات جابه جایی بارچ در منطقه عملیاتی جاسک، بار ۱۲ یا خدمات میعانات گازی سولویه و پایانه نفتی خارگ جابه جایی شناورها در بین مناطق عملیاتی و داک، ارائه خدمات اطفای حریق و ارائه دیگر خدماتی که به تشخیص مناقصه گران در محدوده توانایی این شناور باشد.

(و) نوع و مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار: تضمین انجام تعهدات و حسن انجام کار، ارائه تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار به مبلغ ۱۱۹,۰۵۸ (یکصد و نوزده هزار و پنجاه و هشت) میلیون ریال (۲۳,۹۰۳,۹۷۲,۶۰۰ (دویست و چهل و پنج میلیارد و سیصد و نود و هشت میلیون و هفتصد و سی و هفت هزار و شصتد) ریال حسب آیین نامه شماره ۲/۱۳۳۴-۲ ه- ۶۵۹۹-۵ مورخ ۱۳۹۲/۰۹/۲۳ هیأت محترم وزیران و همچنین تضمین انجام تعهدات در صورت برنده شدن به میزان ده درصد نرخ پیشنهادی برنده مناقصه؛ ضمناً تضمین صارد به می بایست مطابق فرمت های نمونه پیوست آئین نامه مذکور ارائه گردد؛ لذا مناقصه گران از پذیرش تضمینی که فاقد شرایط فوق باشد معذور بوده و هیچ گونه مسؤولیت و تعهدی در این خصوص، نخواهد داشت. شایان ذکر می باشد پس از انعقاد قرارداد، به میزان ده درصد از هر صورت وضعیت مناقصه گر برنده به عنوان تضمین حسن انجام کار کسر می گردد، **نام محل، مدت زمان اجرای خدمات و برآورد مناقصه گران:** محل اجرای خدمات واقع در جزیره خارک، بندر ماهشهر، سولویه، جاسک و سایر بندر خلیج فارس و دریای عمان و دریای آزاد و سایر ترمینال های سیار و ثابت در حوزه خلیج فارس، مدت انجام خدمات ۳ (سه) سال شمسی و برآورد مناقصه گران برابر با ۵۷,۰۰۰,۰۰۰ ریال (شش میلیون و هفتاد هزار) یورو می باشد.

(ح) مدت اعتبار پیشنهاد: مدت اعتبار پیشنهاد از تاریخ ارائه پیشنهاد مالی به مدت ۱۸۰ روز می باشد.

(ط) گواهی، مجوزها و مدارک مورد نیاز:

(۱-ط) ارائه مستندات مبنی بر مالکیت یا ارائه تفاهم نامه یا قرارداد اجاره بلند مدت به نحوی که کل مدت زمان پیمان و مدت زمان تعدید شده احتمالی را پوشش دهد یا ارائه پروانه کار یا گواهی نامه فعالیت از سازمان بنادر و دریانوردی یا درج انجام فعالیت های دریایی در اساسنامه شرکت پیمانکاری

(۲-ط) ارائه برون شخصیت حقوقی

(۳-ط) ارائه شناسه ملی حسب ماده ۱۶ آیین نامه اختصاص شناسه ملی به کلیه اشخاص حقوقی ایرانی

(۴-ط) ارائه تصویر مصدق کد اقتصادی شرکت و کد ملی صاحبان مجاز اعضا

(۵-ط) ارائه صورت های مالی حسابرسی شده توسط سازمان حسابرسی و با اعضای جامعه حسابداران رسمی

ی- زمان، مهلت و نشانی دریافت اسناد ارزیابی کیفی:

۱- ی: با عنایت به ابلاغیه شماره ۱۳۹۵/۱۱/۱۴ مورخ ۱۳۹۵/۰۵/۱۱ دبیر محترم کارگروه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) و بخش نامه شماره ۳/۱۳۴۱۹/۲ ه- ۵۵۲۸۹ مورخ ۱۳۹۵/۱۱/۲۵ هیأت وزیران و تأکید موبد بر الزام به کارگیری اعضای الکترونیکی اسناد پاکت های (ب) و (ج) و اسناد اسناد کیفی (با لحاظ شرایط مندرج در فرم اسناد ارزیابی کیفی مناقصه گران) و عدم پذیرش نسخ فیزیکی و اسناد فاقد امضای الکترونیکی (دارای مهر گران)، کلیه مناقصه گران موظف می باشند تمامی اسناد پاکت های (ب) و (ج) و ارزیابی کیفی مناقصه را با امضای الکترونیکی و در موعد مقرر در اسناد مناقصه از طریق سیستم سامانه ستاد بازگردانی نمایند در غیر اینصورت مناقصه گران از پذیرش نسخه فیزیکی اسناد پیش گفته معذور خواهد بود.

۲- ی: کلیه مناقصه گران واجد شرایط می توانند به مدت ۷ روز از زمان درج آگهی نوبت دوم نسبت به دریافت اسناد و معیارها و فرم اسناد ارزیابی کیفی مناقصه گران از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) اقدام و ظرف مهلت ۱۴ روز پس از انقضای مهلت دریافت اسناد، ضمن تکمیل، مهر و امضای آن ها و الصاق مستندات مربوطه به همراه سایر اسناد، مدارک و گواهی نامه های ذکر شده در آگهی نسبت به تقدیم اسناد پیش گفته در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) اقدام نمایند. همچنین مناقصه گران می توانند جهت دریافت آگهی به سایت های WWW.SHANA.IR، WWW.ITOTCO.IR و TETS.MPORG.IR مراجعه نمایند.

۳- ی: مناقصه گران در رد یا قبول مدارک در تمام مراحل مطابق قانون برگزاری مناقصات و آیین نامه های اجرایی آن مختار خواهد بود.

روابط عمومی

شماره ۰۲۱۴۵۶۰۲۱۴۵۶


IRAN DAILY
 **1877**
www.newspaper.iran-daily.com


رصد هفتگی بازار اقلام اساسی

پیامدهای افزایش ۷۰ هزار تومانی قیمت مصوب مرغ در بازار

گزارش

حدیث حدادی
گروه اقتصادی

بررسی های میدانی بازار اقلام اساسی و کالا های پرمصرف نشان می دهد که این محصولات در هفته جاری نسبت به هفته گذشته ترکیبی از ثبات نسبی، موج های گرانی ناشی از تغییر نرخ مصوب و جابه جایی های فصلی

را تجربه کرده اند. در این میان مهم ترین تحول بازار متعلق به بخش پروتئینی و به ویژه بازار مرغ بود که به دنبال افزایش ۷۰ هزار تومانی قیمت مصوب موجی از گرانی را به ثبت رساند؛ به طوری که اقلامی نظیر مغز ران مرغ با جهشی کم سابقه از مرز ۱.۲ میلیون تومان گذشت و سینه بی استخوان نیز رشد چشمگیری را تجربه کرد.

از سوی دیگر در بازار گوشت قرمز نیز نوسانات نامتعادلی مشاهده می شد و ران گوسفندی با استخوان با کاهشی چشمگیر به ۲ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان رسید، اما در نقطه مقابل ران بدون استخوان با صعودی چشمگیر از مرز ۳ میلیون تومان عبور کرد و سر دست پاک شده نیز با رشد ۱۲۰ هزار

تومانی به ۳ میلیون و ۶۰۰ هزار تومان رسیده است. با این حال بازار آبریان فضایی آرام و کم نوسان داشت و اقلامی چون قزل آلا و استیک ماهی شیر ثبات قیمتی خود را حفظ کردند. همچنین بخش های مهمی نظیر لبنیات، تخم مرغ، روغن های خوراکی، ماکارونی و قند و شکر، هفته ای آرام و با ثبات صدر صدی را پشت سر گذاشتند و قیمت ها بدون تغییر نسبت به هفته قبل تثبیت شد. در بازار حبوبات و برنج نوسانات جزئی و کاهشی یا افزایشی در برخی ارقام دید شد و در بخش میوه و تره بار، با پایان فصل میوه های تابستانی انواعی چون انگور و گلابی جهش قیمت داشتند و لیموشیرین تازه وارد بازار شد.

بازار مرغ در هفته جاری تحت تأثیر افزایش ۷۰ هزار تومانی قیمت مصوب، موجی از گرانی را تجربه کرد. به طوری که مغز ران با جهشی کم سابقه از مرز ۱.۲ میلیون تومان گذشت و سینه بی استخوان نیز رشد چشمگیری ثبت کرد تا فشار سنگینی بر هزینه خرید خانوارهای مصرف کننده وارد شود.

محصول	قیمت این هفته (تومان)
سینه بی استخوان مرغ ۱۸۰۰ گرمی	۱,۵۰۹,۳۰۰
سینه مرغ بی پوست ۱۸۰۰ گرمی	۱,۱۴۵,۷۰۰
مغز ران ۱۸۰۰ گرمی	۱,۲۰۹,۰۰۰
ران بی پوست ۱۸۰۰ گرمی	۷۸۱,۶۳۲

بازار ماکارونی و فرآورده های آن در هفته جاری ثبات کاملی را تجربه کرد. تمامی مدل های رشته ای، فرمی، پروانه ای، پفکی و پنه بدون کوچک ترین تغییر قیمتی نسبت به هفته گذشته عرضه شدند و آرامش و تعادل بر این بخش حاکم بود.

محصول	قیمت این هفته (تومان)
ماکارونی رشته ای ۳.۱ غنی شده ۵۰۰ گرمی	۹۹,۰۰۰
۲.۸ غنی شده ۵۰۰ گرمی	۹۴,۰۵۰
فرمی پروانه ای ۵۰۰ گرمی	۸۰,۷۵۰
پفکی ۵۰۰ گرمی	۷۴,۱۰۰
پنه ریگانه ۵۰۰ گرمی	۷۲,۲۰۰
پیگولی ۵۰۰ گرمی	۷۲,۲۰۰
۱.۴ – ۷۰۰ گرمی	۷۰,۰۰۰

بازار میوه و تره بار در این هفته با پایان فصل برخی سیفی جات و میوه های تابستانی مانند شلیل، طالبی و خربزه همراه شد. در این میان انگور رشد صد درصدی و گلابی جهش چشمگیری ثبت کردند لیموشیرین وارد بازار شد و سایر اقلام نوسانات محدودی را تجربه کردند.

محصول	قیمت این هفته (تومان)
موز	۳۷۰,۰۰۰
گلابی	۲۶۰,۰۰۰
هلو	۱۷۰,۰۰۰
سیب	۱۶۰,۰۰۰ تا ۹۵,۰۰۰
انار	۱۲۰,۰۰۰
بادمجان	۹۴۰۰۰ تا ۶۹۰۰۰
فلفل دلمه	۹۰,۰۰۰
انگور	۱۶۰,۰۰۰
کدو	۷۵,۰۰۰
سیب زمینی	۷۶,۰۰۰
هویج	۶۰,۰۰۰
نارنگی	۷۵,۰۰۰
پیاز	۷۱,۰۰۰
گوجه	۵۷,۰۰۰
خیار	۵۹,۰۰۰
لیموشیرین	۸۰,۰۰۰
قیمت میوه در میادین میوه و تره بار شهرداری تهران	

بازار آبریان در این هفته روندی آرام و با ثبات را تجربه کرد اکثر اقلام مانند فیله حلوا سیاه، استیک شیرو قزل آلا بدون تغییر قیمت نسبت به هفته گذشته عرضه شدند. در این میان تنها نوسان های جزئی و کاهشی محدود در برخی محصولات نظیر فیله گالیبت و میگو بلویی مشاهده شد و دو قلم کالا نیز فاقد قیمت جدید بودند.

محصول	قیمت (تومان)
فیله شوریده ۵۰۰ گرمی	۸۹۰,۰۰۰
فیله حلوا سیاه جنوب ۷۰۰ گرمی	۱,۶۲۶,۳۰۰
فیله شیر جنوب ۷۰۰ گرمی	۱,۵۳۳,۶۰۰
استیک شیر جنوب ۷۰۰ گرمی	۱,۵۳۳,۶۰۰
فیله اسکیت شیر ۷۰۰ گرمی	۱,۵۳۳,۶۰۰
فیله سنگسر طلایی ۷۰۰ گرمی	۱,۰۸۸,۱۰۰
فیله قزل آلا بدون استخوان ۵۰۰ گرمی	۱,۰۵۰,۰۰۰
قزل آلا ی سالمونی ۵۰۰ گرمی	۱,۰۷۵,۵۰۰
قزل آلا ی شکم خالی با سر ۱۰۰۰ گرمی	۱,۰۷۵,۵۰۰
فیله ماهی گالیبت بدون تیغ و استخوان ۵۰۰ گرمی	۷۹۹,۲۰۰
فیله حسون ۷۰۰ گرمی	۴۴۶,۴۰۰
میگو آماده طبع بدون پوست و رگ ۵۰۰ گرمی	۱,۰۸۹,۲۵۸
میگو سوخاری درشت ۳۲۰ گرمی	۱,۰۳۷,۷۰۰
میگو بلویی ۵۰۰ گرمی	۹۴۳,۶۵۰

بازار تخم مرغ در هفته جاری ثبات مطلق را تجربه کرد و تمامی بسته بندی های ۲۴، ۲۰، ۱۵ و ۹ عددی بدون هیچ گونه تغییر قیمتی دقیقاً مطابق نرخ های هفته گذشته عرضه شدند. این پایداری قیمت ها نشان دهنده آرامش نسبی و تعادل در عرضه و تقاضای این بخش است.

محصول	قیمت این هفته (تومان)
۲۴ عددی	۶۲۸,۵۶۰
۲۰ عددی	۵۲۳,۸۰۰
۱۵ عددی	۳۹۲,۸۵۰
۹ عددی	۲۳۵,۷۱۰

بازار چای در هفته جاری با نوسان صعودی در برخی برند های ممتاز همراه شد به طوری که جای ممتاز هندوستان و صبحانه انگلیسی افزایشی چشمگیر را ثبت کردند. در مقابل سایر مدل ها مانند چای کله مورچه ای، سیلان و قلمی بدون تغییر قیمت و با ثبات نسبت به هفته گذشته عرضه شدند.

محصول	قیمت این هفته (تومان)
ممتاز هندوستان ۵۰۰ گرمی	۱,۴۵۰,۰۰۰
صبحانه انگلیسی معطر ۵۰۰ گرمی	۱,۱۹۹,۹۰۰
کله مورچه ای ۴۵۰ گرمی	۷۶۴,۱۵۰
قلمی سیلان معطر هل ۲۵۰ گرمی	۶۲۵,۶۰۵
قلم ۴۵۰ گرمی ایرانی	۵۳۹,۱۰۰

بازار لبنیات در هفته جاری آرام و کاملاً با ثبات بود. تمامی محصولات اعم از پنیر، ماست و شیر در همه بسته بندی ها و برندها بدون هیچ تغییری دقیقاً مطابق قیمت های هفته گذشته عرضه شدند. این ثبات کامل قیمت ها در کالاهای پرمصرف لبنی نشان دهنده آرامش بازار و تعادل عرضه و تقاضاست.

محصول	قیمت این هفته (تومان)
پنیر سفید ۴۰۰ گرمی	۱۶۷,۷۸۰
ماست سبو پروبیوتیک ۸۰۰ گرمی	۱۶۶,۳۲۰
پنیر کم چرب ۴۰۰ گرمی	۱۵۸,۴۰۰
ماست کم چرب ۱.۵٪ ۹۰۰ گرمی	۱۵۳,۰۸۰
پنیر سفید ۳۰۰ گرمی	۱۴۶,۸۵۰
پنیر پروبیوتیک ۲۱۰ گرمی	۱۴۶,۵۱۰
پنیر پنچ ستاره کلاسیک ۲۰۰ گرمی	۱۳۹,۸۴۰
شیر کم چرب ۹۴۶ میلی لیتری	۱۲۲,۷۸۴
ماست کم چرب ۹۰۰ گرمی	۱۱۶,۳۸۹
شیر بدون لاکتوز کم چرب ۹۴۶ میلی لیتری	۱۰۱,۲۰۰
شیر پاستوریزه کم چرب ۹۴۶ میلی لیتری	۹۰,۱۶۰
شیر کم چرب ۸۰۰ میلی لیتری	۶۸,۵۴۴
ماست کم چرب غنی شده ویتامین D۳ ۵۰۰ گرمی	۶۷,۷۹۵
پنیر سفید ۱۰۰ گرمی	۵۶,۰۵۶
پنیر سفید ایرانی ۱۰۰ گرمی	۴۷,۱۷۰

بازار حبوبات در هفته جاری نوسانات متفاوتی داشت؛ در حالی که لوبیا چیتی با کاهشی چشمگیر به ۴۷۷ هزار تومان رسید و عدس و لپه نیز روندی نزولی ثبت کردند، برخی اقلام مانند لوبیا قرمز با رشد قیمت روبه رو شدند و نخود و سایر برندها نوسانات رفت و برگشتی را تجربه کردند.

محصول	قیمت این هفته (تومان)
لوبیا قرمز ۹۰۰ گرمی	۴۱۵,۰۰۰
لپه ۹۰۰ گرمی	۳۲۶,۶۷۵
لپه ۹۰۰ گرمی	۳۵۹,۹۱۰
لوبیا چشم بلبلی ۹۰۰ گرمی	۳۵۵,۵۰۰
عدس ۹۰۰ گرمی	۳۰۶,۰۰۰
لوبیا قرمز ۹۰۰ گرمی	۳۷۳,۵۰۰
لوبیا چشم بلبلی ۹۰۰ گرمی	۳۵۵,۵۰۰
عدس ۹۰۰ گرمی	۲۹۱,۶۰۰
نخود ۹۰۰ گرمی	۳۰۶,۰۰۰
نخود ۹۰۰ گرمی	۲۵۰,۰۰۰
نخود ۹۰۰ گرمی	۲۹۷,۴۹۱
لوبیا چیتی ۹۰۰ گرمی	۴۷۷,۹۰۰
عدس ۴۵۰ گرمی	۱۸۰,۵۷۴
لوبیا چشم بلبلی ۴۵۰ گرمی	۲۰۶,۹۱۰
عدس ۴۵۰ گرمی	۱۸۰,۵۷۴

بازار قند و شکر در هفته جاری ثبات کامل را تجربه کرد. تمامی اقلام از جمله قند شکسته در بسته بندی های مختلف و شکر سفید بدون هیچ تغییری دقیقاً مطابق قیمت های هفته گذشته عرضه شدند و آرامش بر این بخش حاکم بود.

محصول	قیمت این هفته (تومان)
قند شکسته ۳ کیلویی	۵۴۷,۹۲۸
قند شکسته ۲ کیلویی	۵۳۲,۴۹۶
شکر سفید ۱ کیلویی	۱۲۵,۰۰۰
قند خرد شده ۴۵۰ گرمی	۱۰۹,۸۹۰

بررسی بازار گوشت در هفته جاری حاکی از نوسانات نامتعادل است. به طوری که ران گوسفندی با استخوان با کاهشی چشمگیر به ۲ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان رسید اما در مقابل ران گوسفندی بدون استخوان با جهشی کم سابقه از مرز ۳ میلیون تومان گذشت. سر دست پاک شده نیز با رشد ۱۲۰ هزار تومانی به ۳ میلیون و ۶۰۰ هزار تومان رسید.

محصول	قیمت (تومان)
سر دست گوسفندی پاک شده ۱ کیلو	۳,۶۰۰,۰۰۰
ران گوسفندی با استخوان ۱ کیلوگرم	۲,۲۰۰,۰۰۰
ران گوسفندی بدون استخوان ۱ کیلوگرم	۳,۰۰۶,۲۵۰
سر دست گوسفندی با استخوان ۱ کیلو	۲,۰۴۰,۰۰۰
چرخ کرده مخلوط ۱ کیلویی	۱,۵۸۷,۶۰۰
گوشت چرخ کرده گوساله ۱ کیلویی	۱,۵۸۷,۶۰۰

بازار برنج در این هفته روندی نسبتاً با ثبات و آرام را ثبت کرد؛ برنج هاشمی ممتاز و معمولی نوسان محدودی داشتند و برنج هاشمی آستانه اشرفیه با رشد جزئی همراه شد. در این میان برنج فجر ۱۰ کیلویی در فهرست قیمت های این هفته عرضه نشد.

محصول	قیمت این هفته (تومان)
ایرانی فجر ۱۰ کیلوگرمی	۳,۷۰۰,۰۰۰
هاشمی ۵ کیلویی	۲,۷۸۹,۵۳۵
ایرانی هاشمی ممتاز ۵ کیلویی	۲,۸۴۱,۵۱۰
هاشمی گیلان آستانه اشرفیه ۵ کیلویی	۲,۸۹۷,۵۰۰

بازار روغن های خوراکی و ذرت در هفته جاری ثبات صدر صدی را تجربه کرد. تمامی اقلام از جمله روغن های سرخ کردنی، آفتابگردان، کانولا و ذرت در تمامی حجم ها و وزن ها، بدون هیچ گونه تغییر قیمتی نسبت به هفته گذشته عرضه شدند و آرامش بر این بخش حاکم بود.

محصول	قیمت این هفته (تومان)
ذرت پخت و پز ۱۵۰۰ گرمی	۱,۳۹۸,۴۰۰
مایع سرخ کردنی ۳۰۰۰ گرمی	۱,۱۹۴,۴۴۶
آفتابگردان پالایش شده ۳۰۰۰ گرمی	۱,۰۸۱,۷۱۷
سرخ کردنی بدون پالم ۱۳۵۰ گرمی	۶۰۴,۵۱۶
کانولا ۱.۵ لیتری	۵۵۴,۲۰۰
غنی شده ویتامین D۳ گرمی ۱۵۰۰ آفتابگردان	۵۴۳,۰۸۹
سرخ کردنی بدون پالم ۸۱۰ گرمی	۳۶۱,۲۷۳
آفتابگردان ۹۰۰ گرمی	۳۳۴,۹۸۶
کانولا امگا ۳ و ۶ پخت و پز / سالاد ۹۰۰ گرمی	۳۳۳,۲۰۰
مایع سرخ کردنی ۸۱۰ گرمی	۳۲۸,۸۳۴
ذرت پخت و پز ۱۵۰۰ گرمی	۱,۳۹۸,۴۰۰
مایع سرخ کردنی ۳۰۰۰ گرمی	۱,۱۹۴,۴۴۶
آفتابگردان پالایش شده ۳۰۰۰ گرمی	۱,۰۸۱,۷۱۷
سرخ کردنی بدون پالم ۱۳۵۰ گرمی	۶۰۴,۵۱۶
کانولا ۱.۵ لیتری	۵۵۴,۲۰۰

چرا توجه به سلامت روان و نیازهای زنان، گامی اساسی برای ساختن خانواده‌های سالم و تاب‌آور است؟

قرار نیست همیشه قوی باشیم

گزارش

مرجان قندی

گروه گزارش

همیشه کسی هست که در روزهای سخت، شرایط خانه را آرام می‌کند؛ کسی که اضطرابش را بی‌روزی نمی‌دهد و لبخند می‌زند تا آب در دل کسی تکان نخورد. نقش این اسطوره فداکاری را اغلب زنان در خانواده ایفا می‌کنند. زنانی که زیر بار خستگی‌های نایبشسته شده، حتی از ساده‌ترین چکاپ پزشکی تا ابتدایی‌ترین نیازهای عاطفی‌شان را نادیده می‌گیرند. اما این مهندس بی‌دست‌مزد آرامش، تا کجا می‌تواند بار روانی یک خانه را به دوش بکشد بی‌آنکه ترک بردارد؟ در روزهایی که اضطراب و استرس به بخشی از زندگی بسیاری از آدم‌ها ضمیمه شده، موضوعی که شعار امسال هفته سلامت بانوان؛ «سلامت بانوان، انتخاب امروز، سرمایه فردا» هم بر ضرورت آن تأکید کرد.

بهناز ارتضایی، روان‌شناس، درباره اهمیت موضوع سلامت روان بانوان و نقش آنها در تاب‌آوری خانواده به ویژه در شرایط جنگی و پرچالش زندگی می‌گوید: «این موضوع همیشه اهمیت داشته، اما در شرایط پرچالش در زندگی اهمیت آن چند برابر می‌شود. وقتی جامعه با جنگ، و مشکلاتی برای افراد روبه رو باشد، طبیعی است که سطح اضطراب و نگرانی در خانواده‌ها بالا برود. در چنین شرایطی زنان اغلب علاوه بر نگرانی‌های شخصی خودشان، باید نگران فرزندان، همسر و والدینشان هم باشند؛ گاهی حتی احساس می‌کنند که اجازه ندارند بترسند یا خسته شوند، چون باید مراقب حال بقیه باشند.»

او با تأکید بر اینکه سلامت روان زنان را نباید صرفاً ابزاری برای حفظ آرامش خانواده دانست، توضیح می‌دهد: «زنان پیش از آنکه مادر یا همسر باشند، انسان‌هایی با نیازها، احساسات و محدودیت‌های خودشان هستند و سلامتشان به خودی خود اهمیت دارد. من معتقدم اگر می‌خواهیم خانواده‌های تاب‌آورتری داشته باشیم، باید به سلامت

زنان بیشتر توجه کنیم. قرار نیست یک زن به تنهایی بار تمام نگرانی‌های یک خانواده را به دوش بکشد. تاب‌آوری خانواده زمانی بیشتر می‌شود که اعضای آن بتوانند در شرایط دشوار کنار هم باشند و هر کدام به اندازه توانشان در مدیریت بحران سهم داشته باشند.»

ارتضایی درباره نقش زنان به عنوان لنگرگاه آرامش بدون فرسودگی درونی می‌گوید: «اول باید یک تصور اشتباه را اصلاح کنیم؛ لنگرگاه آرامش در خانواده به این معنا نیست که یک زن همیشه آرام باشد و هیچ‌وقت تنرشد یا گریه نکند. اتفاقاً گاهی چیزی که به خانواده کمک می‌کند این است که زن بتواند صادقانه بگوید من هم نگرانم و به حمایت نیاز دارم. وقتی در خانواده بحران اتفاق می‌افتد، همه اعضا ممکن است بترسند و نگران شوند. در چنین شرایطی توانایی گفت‌وگو، شنیدن یکدیگر و مدیریت هجنان‌ها اهمیت زیادی پیدا می‌کند. زنی که می‌تواند احساساتش را بشناسد، به شیوه سالم بیان کند و از دیگران کمک بخواهد، به خودش و خانواده‌اش فرصت بیشتری برای عبور از بحران می‌دهد.

این روان‌شناس پیشنهاد می‌کند: «آموزش مهارت‌های زندگی را باید جدی بگیریم. مهارت‌هایی مثل شناخت احساسات، تنظیم هیجان، حل مسأله، گفت‌وگو سالم و درخواست کمک باید بخشی از آموزش عمومی ما باشند. یک زن لازم نیست برای آرام کردن فرزندش تمام ترس‌های خودش را پنهان کند؛ می‌تواند متناسب با سن فرزندش به او بگوید که من هم نگرانم، اما داریم تلاش می‌کنیم از خودمان مراقبت کنیم و قدم به قدم جلو برویم. آرامش واقعی از انکار ترس نمی‌آید، بلکه از این می‌آید که بتوانیم ترس را بشناسیم و برای مواجهه با آن از دیگران کمک بگیریم.»

هزینه سنگین سرکوب احساسات در زنان

ارتضایی درباره بازتاب فشارهای روانی بر سلامت‌روان و جسم‌زنان می‌گوید: «یکی از مشکلاتی که در تربیت بسیاری از دختران دیده‌ایم، این است که یاد

گرفته‌اند مراقب احساسات دیگران باشند، اما کمتر یاد گرفته‌اند با احساسات خودشان چه کنند. از کودکی ممکن است به یک دختر گفته شود «گریه نکن و قوی باش» یا به او بگویند «تو باید هوای مادرت را داشته باشی و مراقب باش دیگران ناراحت نشوند.» در بزرگسالی هم ممکن است همین الگو ادامه پیدا کند: زن ناراحت است اما چیزی نمی‌گوید، خسته است اما استراحت نمی‌کند، از همسرش دلخور است، اما به جای بیان دلخوری سکوت می‌کند تا مبادا دعوا شود.»

بهناز ارتضایی می‌گوید: «گاهی اولین قدم این است که به خودمان بگوییم سلامت به هم به اندازه سلامت بقیه اعضای خانواده مهم است و لازم نیست برای رسیدگی به آن احساس گناه کنیم.» این روان‌شناس درباره چرایی ترس از بیماری‌هایی مانند سرطان سینه یا آرتروز و تبدیل آن به انکار و فرار از چکاپ توضیح می‌دهد: «این مسأله از نظر روان‌شناختی قابل توجه است. گاهی افراد از بیماری می‌ترسند و به همین دلیل ترجیح می‌دهند اصلاً به آن فکر نکنند؛ مثلاً زنی متوجه تغییر غیرعادی در بدنش می‌شود، اما مراجعه به پزشک را به تعویق می‌اندازد چون می‌ترسد نتیجه معاینه یا آزمایش چیزی باشد که تحملش برای او دشوار است. ممکن است با خودش بگوید اگر به پزشک نروم، دست‌کم فعلاً مجبور نیستم با این نگرانی روبه‌رو شوم. این رفتار در کوتاه‌مدت ممکن است اضطراب را کمتر کند، اما مشکل را حل نمی‌کند و گاهی باعث می‌شود رسیدگی ضروری به تأخیر بیفتد.»

او عامل دیگری را هم در این زمینه دخیل می‌داند و می‌گوید: «برخی زنان سال‌ها یاد گرفته‌اند درد و ناراحتی خودشان را نادیده بگیرند؛ وقتی فرد همیشه نیازهای دیگران را مقدم می‌داند، ممکن است حتی علایم جسمی خودش را هم جدی نگیرد. البته گاهی موانع عملی مانند هزینه درمان، نداشتن وقت و دشواری دسترسی به خدمات پزشکی در این تعویق نقش دارند و بنابراین نباید همه چیز را فقط به ویژگی‌های روان‌شناختی فرد نسبت بدیم. از طرف دیگر، آگاهی درباره بدن و احساسات می‌تواند به فرد کمک کند زودتر متوجه تغییرات شود و برای رسیدگی به آنها اقدام



در شرایط حال حاضر جامعه اولین قدم این است که بی‌دیریم آرامش خانواده مسئولیت یک نفر نیست. قرار نیست مادر یا همسر خانواده به تنهایی همه را آرام و نگرانی‌های مدیریت کند. در شرایط بحرانی همه اعضای خانواده ممکن است بترسند و خسته شوند و اگر قرار باشد یک نفر تمام این فشارها را به تنهایی تحمل کند، احتمال فرسودگی او بیشتر می‌شود

کند، هرچند آگاهی‌هیچانی به تنهایی مانع بیماری‌های جسمی نمی‌شود و جایگزین غربالگری و معاینه پزشکی نیست. به نظر باید فرهنگ مراجعه به پزشک را از یک کار ترسناک به بخشی طبیعی از مراقبت از خود تبدیل کنیم. همان‌طور که برای سلامت فرزندان وقت می‌گذاریم، لازم است برای سلامت خودمان هم برنامه داشته باشیم. اگر از نتیجه یک آزمایش می‌ترسیم، می‌توانیم درباره این ترس با یک فرد قابل اعتماد صحبت کنیم یا از پزشک بخواهیم مراحل بررسی را برایشان توضیح دهد؛ گاهی دانستن اینکه قرار است چه اتفاقی بیفتد، از اضطراب ما کم می‌کند. مراقبت از خود یعنی حتی وقتی می‌ترسیم، بتوانیم یک قدم در جهت سلامت‌مان برداریم.»

نشانه‌های روزمره از خودکشنکی‌های فرساینده در زنان

این روان‌شناس درباره الگوهای رفتاری زنانی که نیازهای دیگران را در اولویت مطلق قرار می‌دهند، توضیح می‌دهد: «این الگو در زندگی روزمره خیلی ملموس است؛ مثل مادری که برای همه اعضای خانواده غذا آماده می‌کند، اما وقتی نوبت

به خودش می‌رسد همان باقی مانده غذا را می‌خورد، یا زنی که همه را به پزشک می‌برد اما سال‌هاست برای درد خودش وقت نگرفته است. مادری که فرزندش را در کلاس‌های مختلف ثبت‌نام می‌کند، اما وقتی صحبت از ورزش یا استراحت خودش می‌شود می‌گوید: وقت ندارم. مثال دیگر، زنی است که از رفتار همسرش ناراحت‌شده، اما به جای اینکه درباره ناراحتی‌اش حرف بزند، سکوت می‌کند تا فضای خانه متشنج نشود؛ یا زنی که



وجود خستگی شدید، باز هم مسئولیت میهمانی و رسیدگی به همه را به عهده می‌گیرد چون نگران است دیگران درباره او چه فکری کنند.»

ارتضایی با اشاره به اینکه این الگو در نسل‌های قدیمی‌تر پررنگ‌تر بوده، می‌گوید: «به نظر من در بسیاری از خانواده‌ها این الگو در نسل‌های قدیمی‌تر پررنگ‌تر بوده است، اما نمی‌توانیم درباره همه زنان یک حکم کلی بدهیم. بسیاری از زنان نسل‌های گذشته در شرایطی

فداکاری به چه قیمت؟

ارتضایی تأکید می‌کند که در همه مثال‌ها یک مسأله مشترک وجود دارد: «فرد به نیازهای دیگران توجه می‌کند، اما نیازهای خودش را با نمی‌بیند یا آنقدر کم‌اهمیت می‌داند که آنها را نادیده می‌گیرد. البته مراقبت از خانواده به خودی خود مشکل نیست؛ محبت و فداکاری می‌تواند بخش ارزشمندی از روابط باشند. مشکل زمانی شروع می‌شود که این مراقبت یک‌طرفه باشد و زن احساس کند برای دوست داشته شدن یا پذیرفته شدن باید همیشه از خودش بگذرد. گاهی هم زن از همسر یا فرزندان انتظار دارد خودشان متوجه خستگی او شوند و وقتی این اتفاق نمی‌افتد، دلخوری می‌شود؛ در حالی که اطرافیان ممکن است اصلاً متوجه نشده باشند که او به کمک نیاز دارد. این موضوع اهمیت بیان روشن نیازها را نشان می‌دهد؛ مثلاً به جای اینکه بگوییم «هیچ‌کس در این خانه به فکر من نیست»، می‌توانیم بگوییم «من امروز خیلی خسته‌ام و نیاز به کمک دارم.» نیاز داشتن ضعف نیست و درخواست کمک هم به معنای ناتوانی نیست.»



برش

اطلاعات ضروری مربوط به دستگاه خود، مانند مشخصات و شناسه‌های لازم برای شناسایی آن را در محل امنی نگهداری کنند.

واحدهای صنفی و اماکن؛ امنیت فقط به دوربین محدود نمی‌شود

واحدهای صنفی، فروشگاه‌ها، انبارها، کارگاه‌ها و سایر اماکن نیز باید به‌صورت دوره‌ای وضعیت حفاظتی خود را بررسی کنند.

گاهی تصور می‌شود نصب دوربین به معنای تأمین کامل امنیت است؛ در حالی که دوربین تنها یکی از اجزای سیستم حفاظتی است. روش‌نایی مناسب، استحکام درها و قفل‌ها، وضعیت کرکره، کنترل ورودی و خروجی، حفاظت از محل نگهداری اموال و بررسی نقاط گور نیز اهمیت دارند. دوربین‌ها نیز باید در محل مناسب نصب شده و به‌صورت دوره‌ای از عملکرد صحیح آنها اطمینان حاصل شود. صرف وجود یک دوربین غیرفعال یا دوربینی که نقطه مهمی را پوشش نمی‌دهد، نمی‌تواند جایگزین یک سیستم حفاظتی مناسب باشد. صاحبان واحدهای صنفی بهتر است در ساعات تعطیلی نیز وضعیت حفاظتی محل را بررسی کنند و در صورت مشاهده نقص، رفع آن را به تعویق نیندازند.

خودرو؛ چند دقیقه غفلت می‌تواند فرصت ایجاد کند

خودرو یکی از اموالی است که معمولاً در فضای عمومی و خارج از محیط حفاظت‌شده قرار می‌گیرد و به همین دلیل توجه به محل پارک و نحوه ترک خودرو اهمیت زیادی دارد.

بعضی شهروندان تصور می‌کنند اگر برای چند دقیقه خودرو را ترک کنند، نیازی به رعایت کامل نکات حفاظتی نیست؛ در حالی که همین توقف کوتاه می‌تواند فرصت ایجاد کند. بنابراین هنگام ترک خودرو باید از قفل شدن کامل درها و بسته بودن پنجره‌ها اطمینان حاصل کرد. موضوع دیگر، محتویات داخل خودرو است. کیف، لپ‌تاپ، تلفن همراه، مدارک، وجه نقد یا حتی یک وسیله ظاهرآ کم‌ارزش که در معرض دید قرار گرفته باشد، می‌تواند توجه افراد را جلب کند. بنابراین بهتر است وسایل بارازش در خودرو باقی نماند و در صورت ضرورت، در محلی خارج از دید قرار گیرند.

انتخاب محل پارک نیز اهمیت دارد. در صورت امکان، محل‌های روشن، پرت‌رود و دارای نظارت مناسب انتخاب شوند و از توقف طولانی در نقاط خلوت خود را در اختیار دیگران قرار دهند و کم‌رنگ‌ر نیز شهروند. در خصوص خودرو نیز نباید تنها به قفل درها اکتفا کرد؛ استفاده صحیح از تجهیزات ایمنی و بررسی دوره‌ای عملکرد آنها می‌تواند یک لایه حفاظتی دیگر ایجاد کند.



برش

بزرگ شده‌اند که نقش‌های جنسیتی محدودتری برایشان تعریف شده بود؛ از دختر انتظار می‌رفت مطیع و سازگار باشد و از همسر و مادر انتظار می‌رفت خانواده را در اولویت قرار دهد. گاهی مخالفت کردن یا درخواست کردن به معنای خودخواهی تلقی می‌شد. از طرف دیگر، بسیاری از زنان از نظر اقتصادی و اجتماعی استقلال کمتری داشتند و امکان انتخاب یا تغییر شرایط برایشان محدودتر بود. در چنین وضعیتی، گاهی سکوت و سازگاری راهی برای حفظ امنیت یا جلوگیری از تعارض بوده است. عامل مهم دیگر، شرم است؛ در بعضی از خانواده‌ها و بافت‌های فرهنگی، به دختران بیشتر از پسران آموزش داده می‌شود که مراقب قضاوت دیگران باشند. ممکن است دختری از کودکی بشنود که نباید دیگران را ناراحت کند، نباید از خودش تعریف کند یا نباید خواسته زیادی داشته باشد. این آموزش‌ها به مرور به باورهای درونی تبدیل می‌شوند.»

این روانشناس درباره تداوم این الگوها حتی در غیاب موانع بیرونی سخت توضیح می‌دهد: «یعنی فرد حتی وقتی دیگر مانع بیرونی جدی وجود ندارد، خودش را محدود می‌کند. البته باید توجه داشته باشیم که فرهنگ شرقی یکدست نیست و در همه خانواده‌ها هم این الگو وجود ندارد؛ ضمن اینکه بسیاری از زنان نسل‌های گذشته با وجود محدودیت‌ها بسیار توانمند بوده‌اند و برای خانواده‌هایشان تلاش کرده‌اند. مسأله این نیست که از نسل قبل انتقاد کنیم؛ مسأله این است که بفهمیم بعضی از الگوهای رفتاری در چه شرایطی شکل گرفته‌اند و آیا هنوز برای زندگی امروز ما مفید هستند یا نه. ما می‌توانیم از عشق و مسئولیت‌پذیری نسل‌های گذشته یاد بگیریم، اما لازم نیست رنج کشیدن و نادیده گرفتن خودمان را هم به عنوان بخشی از این میراث حفظ کنیم.»

این روان‌شناس به شرایط حال حاضر جامعه، بحران‌ها و افزایش استرس در خانواده‌ها اشار می‌کند و می‌گوید: «در این شرایط اولین قدم این است که بی‌دیریم آرامش خانواده مسئولیت یک نفر نیست. قرار نیست مادر یا همسر خانواده به تنهایی همه را آرام و نگرانی‌های همه را مدیریت کند. در شرایط بحرانی همه اعضای خانواده ممکن است بترسند و خسته شوند و اگر قرار باشد یک نفر تمام این فشارها را به تنهایی تحمل کند، احتمال فرسودگی او بیشتر می‌شود.»

سرقت‌های خشن؛ حفظ جان مهم‌تر از حفظ مال

در سرقت‌هایی که با تهدید یا خشونت همراه هستند، شرایط با یک سرقت عادی متفاوت است. در چنین وضعیتی مهم‌ترین اصل، حفظ جان و سلامت فرد است. اگر فرد با تهدید مستقیم مواجه شود، تلاش برای مقاومت یا درگیری فیزیکی ممکن است خطرآسب را افزایش دهد. بنابراین باید متناسب با شرایط، از اقداماتی که جان فرد را در معرض خطر قرار می‌دهد پرهیز کرد.

پس از پایان حادثه، در صورت امکان و بدون به خطر انداختن خود، اطلاعاتی مانند مشخصات ظاهری فرد، لباس، وسیله نقلیه، مسیر حرکت یا سایر ویژگی‌های قابل مشاهده می‌تواند برای گزارش حادثه مفید باشد. همچنین در صورت مشاهد ه یک موقعیت مشکوک، بهتر است شهروندان از تعقیب یا مواجهه مستقیم با افراد خودداری کنند و موضوع را از طریق مسیرهای قانونی اطلاع دهند.

فضای مجازی؛ پیشگیری از سرقت فقط به خیابان و خانه محدود نیست

بخش دیگری از آگاهی عمومی باید به مخاطرات فضای مجازی اختصاص داشته باشد. بسیاری از مردم برای خرید و فروش کالا، برقراری ارتباط یا انجام امور مالی از فضای مجازی استفاده می‌کنند و همین موضوع ضرورت توجه بیشتر به اصالت هویت طرف معامله و اعتبار اطلاعات ارائه‌شده را افزایش داده است.

در خریدهای اینترنتی، نباید صرفاً براساس قیمت پایین یا تصاویر جذاب تصمیم گرفت. بررسی هویت فروشنده، توجه به سابقه و اعتبار حساب یا فروشگاه، پرهیز از پرداخت وجه به حساب‌های نامرتبط و خودداری از ارسال اطلاعات حساس از اصول مهم احتیاط است.

همچنین شهروندان نباید رمزهای عبور، کدهای تأیید یا اطلاعات بانکی خود را در اختیار دیگران قرار دهند و نیاز است در صورت مشاهده موارد مشکوک، موضوع را از مسیرهای رسمی پیگیری کنند.

نقش آگاهی عمومی و مشارکت شهروندان در کاهش فرصت‌های وقوع سرقت

جرمی که پیشگیری از آن از آگاهی آغاز می‌شود



تلفن همراه امروزه فقط یک وسیله ارتباطی نیست. تصاویر، پیام‌ها، اطلاعات شخصی، حساب‌های کاربری، اطلاعات بانکی و بسیاری از داده‌های خصوصی افراد در آن نگهداری می‌شود. می‌شود. بنابراین با نگرانی سرقت

تلفن همراه علاوه بر خسارت مالی، تلفن همراه می‌تواند خسارت دیگری نیز داشته باشد. دیگر به آن دشوار باشد. هنگام استفاده از تلفن همراه نیز توجه به محیط اطراف اهمیت دارد. استفاده طولانی‌مدت و بی‌توجه به محیط، به خصوص در مکان‌های شلوغ یا هنگام تردد می‌تواند میزان توجه فرد به اطراف را کاهش دهد.

از سوی دیگر، اقدامات فنی نیز اهمیت زیادی دارند. قفل صفحه، رمز عبور مناسب، فعال‌سازی قابلیت ردیابی و تهیه نسخه پشتیبان می‌تواند در صورت سرقت از بخشی از خسارت‌ها جلوگیری کند. همچنین شهروندان بهتر است

در نگاه پیشگیرانه، این پرسش مطرح است که چه عواملی می‌توانند وقوع سرقت را برای مرتکب آسان‌تر کند و چگونه می‌توان این فرصت‌ها را کاهش داد؟ گاهی یک در بدون قفل، خودرویی که برای مدت کوتاهی بدون مراقبت رها شده، تلفن همراهی که در معرض دید قرار گرفته یا یک واحد صنفی فاقد حداقل‌های حفاظتی، می‌تواند شرایطی ایجاد کند که احتمال وقوع سرقت افزایش یابد.

از سوی دیگر، پیشگیری تنها به رفتار فردی شهروندان محدود نیست. محیط، طراحی شهری، وضعیت اماکن، روش‌نایی معابر، تجهیزات نظارتی، نحوه حفاظت از اموال، فعالیت واحدهای صنفی و حتی بازار خرید و فروش کالاهای دست‌دوم، همگی می‌توانند در کاهش یا افزایش فرصت‌های وقوع سرقت مؤثر باشند.

گزارش

ابوالفضل نیکوکار

معاون اجتماعی و پیشگیری

از وقوع جرم دادگستری تهران

سرقت از جمله جرایمی است که آثار آن فراتر از خسارت مالی مستقیم به فرد یا مجموعه‌ای که مال خود را در دست داده است، گسترش پیدا می‌کند. وقوع یک سرقت می‌تواند احساس امنیت را در میان اعضای خانواده، کارکنان یک مجموعه، ساکنان یک محله و حتی مشتریان و شهروندان یک منطقه تحت تأثیر قرار دهد. به همین دلیل، مواجهه با سرقت تنها به شناسایی مرتکب، کشف جرم و برخورد قانونی با سارق محدود نمی‌شود؛ بخش مهمی از مقابله با سرقت، پیشگیری از شکل‌گیری فرصت وقوع جرم است.



روایتی از همراهی و مواجهه با یوسف مجید زاده، در میان ترانشه های باستان شناسی جیرفت

جابه جایی قطب تمدنی جهان از بین النهرین به شرق ایران



گزارش

زهرانشوری

دبیر گروه زیست بوم

پروفسور یوسف مجیدزاده، سرپرست کاوش های باستان شناسی حوزه هلیل رود، وسط یکی از ترانشه‌ها ایستاده بود. صدایم زد. به سوش دویدم؛ ذوق زده از اینکه قرار است خبری دست‌اول از کاوش‌های گورستان موطوآباد در دل جیرفت به تهران مخابره کنم. آن روزها -از سال ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۶- اخبار کنارصندل و موطوآباد در صدر اخبار میراث فرهنگی کشور می‌نشست.

دستش را جلو آورد و شیء مفرغی کوچکی را نشانم داد؛ تندیس کوچکی یک حیوان. اوایل دهه هشتاد بود و من به‌تازگی خبرنگار میراث فرهنگی شده بودم؛ چشمم به دیدن جام‌ها و ظروف باشکوه سنگ صابونی عادت داشتم، برای همین خبرنگار میراث فرهنگی شده بودم؛

چشمم به دیدن جام‌ها و ظروف باشکوه سنگ صابونی عادت داشتم، برای همین خبرنگار میراث فرهنگی شده بودم؛ چشمم به دیدن جام‌ها و ظروف باشکوه سنگ صابونی عادت داشتم، برای همین خبرنگار میراث فرهنگی شده بودم؛

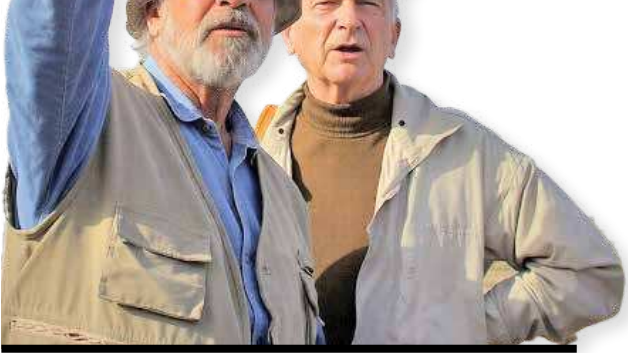
دستش با آن شیء کوچیک در هوا خشکید. کلامش برید. انتظار داشتم اثری عظیم از جنس کوریت (سنگ صابونی) پیش چشمم بگذارد؛ از آنها که نقش‌های را و عقاب رویشان در هم پیچیده، نه شیئی به اندازه بند یک انگشت. لبخندی تلخ و بهت‌زده روی لبش نشست. او منتظر بود دوربینم را بالا بیاورم و ثبتش کنم، اما من بی‌خبر بودم و خام؛ عکاس هم دورتر از ما داشتم از بلندی تپه کنارصندل عکاسی می‌کرد. حسرت سنگین آن لحظه و آن ناگاهی، تا همین امروز روی دلم مانده است؛ آن لحظه تکرارنشدنی باید ثبت می‌شد. برای او، ماندن در باستان‌شناس غیرآباد که مجیدزاده برای ردگیری و شناسایی هزاران شیء به تاراج‌رفته ساعت‌ها در آن به سر برده بود. داستان به سال ۱۳۷۹ برمی‌گشت؛ آن روزها آسمان جیرفت نمی‌بارید و خشکسالی، زمین‌های کشاورزی را برهوت کرده بود. بعد روز دیگر سه‌گانه خشکسالی، سیلابی ناگهانی سر رسید و خاکی را که سال‌های سال آرام گرفته بود، شست تا تاریخ پنج‌هزارساله ناگهان از دل زمین سر برآورد.

کلمات مجیدزاده پیش چشمم جان می‌گرفت؛ گویی خودم وسط آن باران ایستاده بودم. سیلاب داشت رسوب تاریخی را می‌شست و با خود می‌برد؛ خواب پنج‌هزارساله مردمی دوردست

برمی‌آشفتم و خاک چنان کنار می‌رفت تا زمان ناگهان به هزاره سوم پیش از میلاد عقب بنشیند. درست در همان دودودقیقه، رهگذری میان باران و گل ولای می‌گذشت که سیل، گلدانی سنگی با نقش‌ونگار ی ظریف و حیرت‌انگیز را درست پیش پای او انداخت. خبر چون آتشی در نی‌زار، هان‌به‌هان در روستاها پیچید. قدری آن روز، اهالی با بیل و کلنگ به گورستان موطوآباد هجوم آوردند تا کنج پنهان را از دل خاک بیرون بکشند؛ مردمی که دو سال خشکسالی بی‌امان، سهره‌هایشان را تپه و روزگارشان را تیره کرده بود. زمین بی‌رحمانه شکافته می‌شد؛ هزاران کوزه و ظرف سفالی بی‌ارزش پنداشته و با ضربه‌های سیخ فلزی خرد می‌شد تا ظرف‌ها و جام‌های سنگی با آن نقوش خیره‌کننده بیرون کشیده شوند.

مجیدزاده با حسرت می‌گفت: «بیش از دو هزار کور را شکافتند و تاراج کردند؛ تنها از دل یک گور، سسی شیء سنگی عجب‌انگیز بیرون کشیده شد که احتمالاً آرامگاه حاکم منطقه بود. حساب سفال‌هایی که شکستند و برای همیشه نابود شدند را هم خدا می‌داند.» اما بخش دردناک‌تر ماجرا بیرون از مرزها رقم می‌خورد. به روایت او، تنها دو هفته زمان کافی بود تا این اشیای بی‌مانند از مسیرهای قاچاق کابل، کوئته پاکستان و به‌ویژه شیخ‌نشین‌های خلیج فارس، به خراجی‌های معتبر و کلکسیون‌های خصوصی زاپس، اروپا و آمریکا سرازیر شوند. روایت مجیدزاده لحظه‌به‌لحظه تلخ‌تر می‌شد و حسرتی کهنه در عمق چشمانش موج می‌زد، وقتی گفت: «کار به جایی رسید که آثار را بار کامیون می‌کردند و از مرزها بیرون می‌بردند؛ آنقدر حجم اشیای غارت‌شده بالا رفت که قیمت عتیقه‌های پنج‌هزارساله در بازارهای اروپا و آمریکا شکست.»

نمی‌داند؛ سیخ‌های آهنی بلند را در عمق خاک فرو می‌کردند؛ اگر نوک سیخ به فلز یا سنگ سخت می‌خورد و صدا می‌داد، زمین را می‌شکافتند، و اگر به سفال برمی‌خورد و آن را خرد می‌کرد، رد می‌شدند. وسط حرف‌های او، یاد اشیای چیده‌شده در پایگاه میراث فرهنگی جیرفت افتادم. حالا زان آشنایی که اکثرشان سفال بود فاش شده بود؛ بیشتر آثار پایگاه، سفال‌هایی شکسته و هزارتکه بودند که بعدها با مصوری کارشناسان پندزه و مرمت شده بودند؛ سفال‌هایی که در روزگار هجوم تاراج‌گران، خریداری نداشتند و ارزش نگهداری نیافته بودند. اما ابعاد فاجعه فراتر از اینها بود. به گفته مجیدزاده، در آن برهه کسی به ارزش تمدنی خفته در دل زمین فکر



نمی‌کرد؛ حتی برخی مسئولان وقت محلی، این گنجینه بی‌کران را فرصتی برای التیام دردهای مردمی می‌دانستند

که خشکسالی و فقری سیاه امانشان را بریده بود: «در آن بلبشو، زمین‌های گورستان را قطعه‌بندی کرده بودند؛ هر خانواده قطعه‌ای شصت‌متری داده بودند و حتی برای رعایت عدالت، به هر گروه شش نفره از زنان بی‌سرپرست هم قطعه‌ای دادند تا در آن حفاری کنند!» مجیدزاده از فیلمی می‌گفت که خودش دیده بود؛ فیلمی که در آن فرمانداری وقت از روند تقسیم زمین‌ها و اشیای به‌دست‌آمده فیلمبرداری می‌کرد تا سندی باشد برای اثبات اینکه اشیای گنونه از دل زمین درآمده‌اند و فردا کسی فرمانداری را به دزدی متهم نکند. غارت کنارصندل و موطوآباد، پس از تاراج پشین‌غار گلماهر لرستان، به دومین کاپوس بزرگ و سیاه باستان‌شناسان ایران تبدیل می‌شد؛ غارتی که در همان سال‌ها آه از نهاد هر باستان‌شناسی که به کرمان می‌آمد، برمی‌آورد.

به کام قاچاقچی‌ها

آفتاب بالاتر می‌آمد و هوای داخل ترانشه لحظه‌به‌لحظه داغ‌تر می‌شد، اما داستان مجیدزاده هنوز به نهایت تلخی نرسیده بود: «گاهی با دادن یک خودکار ساده، اشیای سنگی را از چنگال کودکان می‌گرفتم تا به اسم جیرفت پنهان کنم و از کف نروند.» سود سرشار اما نصیب قاچاقچیان و دلالان بین‌المللی می‌شد؛ دلالی که شاهکارهای بی‌همتای تاریخ بشریت را با یک کیسه آرد از دست روستاییان درمی‌آوردند و در نهایت، دستخوش روستایی، شاید پولی بود که با آن ماشینی بخرد و نانی درآورد. از آن روز بارانی که سیلاب غارت را به جان گورستان موطوآباد انداخت، سه ماه گذشته بود که بالاخره نخستین نیروهای یگان حفاظت میراث فرهنگی برای مهار این غارت سراسری به منطقه اعزام شدند. پس از آن بود که یوسف مجیدزاده را برای کاوش صدا زدند. پیش از او، حمیده چوپک منطقه را بررسی کرده بود. چوپک متخصص دوره اسلامی بود، اما تاریخی که در دشت جیرفت به غارت رفته و تمدن هلیل‌رود را پدیدار کرده بود، در حیطه تخصص مجیدزاده قرار داشت

شروع کرد، نه از گورستان موطوآباد؛ نمی‌خواست مردم محلی که خود روزگاری فشار بودند، گمان کنند حالا نوبت دولت رسیده است که گنج‌ها را ببرد. او راهکار را در همدلی با مردم دید: «بهترین اهرم برای حفاظت، ایجاد حس تعلق در مردم منطقه بود. حتی کارگران تیم کاوش را از میان اهالی کنارصندل انتخاب کردیم.» فرهنگ‌سازی جواب داد. سپهر فرهنگی که او و همکارانش ساختند، از کنارصندل تا قلعه‌کوچک گسترده شد: «کار به جایی رسید که مردم خودشان شروع به بازگرداندن اشیای گم‌گرفته، نمی‌گویم هرچه در خانه‌ها بود بازگشت، اما موجی از بیداری راه افتاد؛ چنان‌که در یک اقدام، دانش‌آموزان یک مدرسه ۴۵ شیء پنج‌هزارساله را به پایگاه بازگرداندند.» جیرفت دیگر فقط یک جغرافیا نبود؛ شناسنامه مردم شده بود.

مویه زنی در شهر سلجوقی

در دهنم، زمان و مکان جابه‌جا می‌شود. از ترانشه موطوآباد به شهر قدیم سلجوقی جیرفت در آن سوی شهر پرت می‌شوم. سال‌ها گذشته؛ حالا دولت نهم یا دهم است و از آن حفاظت سفت و سخت خبری نیست. مجیدزاده به فرانسه بازگشته و کاوش‌ها از سال ۱۳۸۶ متوقف شده است. حتی نام او را از میدانی که به افتتاحش در جیرفت نامگذاری شده بود، برداشته‌اند. برای تهیه گزارش به «شهر قبیانوس» رفته‌ام؛ نامی که مردم محلی به اشتباه روی شهر قدیم جیرفت گذاشته بودند و حتی تلاش‌های حمیده چوپک هم هنوز نتوانسته بود این نام بی‌ربط به تاریخ جیرفت را از تابلوها پاک کند. تابلونوشته «دقیانوس» نقش زمین شای بود و گله‌ای کوسفند میان تکه‌های سفال سلجوقی می‌چریدند. دوزن با کودکاشان برای یادید آمده بودند. یکی از آنها زنی میاسال بود؛ می‌گویم میانسالی؛ چون آفتاب سوزان کوبر، خیلی دورتر از شناسنامه، بر چهره‌ها شیار پیری می‌کشد و تشخیص سن آدم‌ها را در کوبر دشوار می‌کند. زن دیدن گله بز، دستش را چون عزاداران تکان داد و با لهجه محلی شروع به مویه کرد. تصویر تلخی بود، سفال‌هایی یافت شده توسط تیم کاوش، زیر سم بزها پراکنده شده بودند. پرشش، او، جانش را می‌سوزاند: «چرا باید شهر تاریخی، چراگاه دام باشد؟» او یان چادر رنگ و رو رفته و دمپایی کهنه، خوب می‌فهمید که آن بزها در حال چرای شناسنامه و هویت او هستند. دشت در همین نقطه است که می‌توانی رد پای عمیق تلاش‌های مجیدزاده و حمیده چوپک را در جان مردم منطقه ببینی.

لرزه برتن بین النهرین

صدای مجیدزاده دوباره مرا به میان ترانشه بازگرداند؛ به روزگاری که اهمیت و ارزش میراث فرهنگی هنوز از اسب نیفتاده بود. گفت: «وقتی از وجود تمدنی ناشناخته در جنوب شرق ایران سخن گفتم، خیلی‌ها به من خندیدند.» اما کاوش‌ها پیش رفت تا به بنایی عظیم رسیدند؛ «قدیمی‌ترین سکوی پله‌ای جهان»؛ سازای شبیه زیگورات‌های بین‌النهرین. این می‌توانست آغاز هم‌آورد تمدنی در جنوب شرق ایران با بین‌النهرین باشد. البته مجیدزاده با وسواس علمی، همگان را از به کار بردن نام «زیگورات» برحذر می‌داشت؛ «ما نمی‌دانیم مردم ۵۰۰۰ سال پیش اینجا، معبد سخن از چه می‌نامیدند.» اما اسم این بنا، هر چه که بود، به گفته مجیدزاده و به استناد آزمایش‌های «گرین ۱۴» روی زغال‌های کشف‌شده تپه مرکزی «کنارصندل» در دانشگاه‌های آمریکا، یک تا سه قرن قدیمی‌تر از زیگورات، «اور» در بین‌النهرین بود. مخالفت‌ها با مجیدزاده بالا گرفت. فارس و کرمان دقیقاً همان هفت منزلگاه حماسه سومری بود. مجیدزاده کاوش‌ها را با تیمی از برجسته‌ترین باستان‌شناسان، انسان‌شناسان و گیاه‌شناسان ایران و جهان آغاز کرد. یاد آن روزها می‌افتاد که وقتی به کنارصندل رسید، هنوز سایه تهدید قاچاقچیان بر سر منطقه بود و اشیای دست‌به‌دست می‌شد. او هوشمندانه کاوش را از کنارصندل

زیست بوم

فتوحات و روزگار خویش را می‌نگاشته و برای آیندگان به یادگار می‌گذاشته است؛ دژ و پادشاه کنارصندل نیز از این قاعده مستثنا نبوده‌اند.»

میراث او

سال‌ها بعد وقتی روی تپه مرکزی کنارصندل قدم می‌زنم، می‌بینم که رد پای باستان‌شناسان بر آن کهنه شده و رد باد و باران بیشتر خودنمایی می‌کند. دیگر از کپرها زیبایی که قرار بود میزبان و جای حضور گردشگران باشند، خبری نیست؛ همان برنامه‌ای که مجیدزاده و تیمش چیده بودند تا جامعه روستایی، از رهگذر حضور گردشگر رفع ببرد. اما امروز از هیچ‌یک از آن برنامه‌ریزی‌ها اثری نیست و همه چیز هرا شده است؛ دیگر صدایی هم از آن گروه موسیقی که به استقبال گردشگران می‌آمد، شنیده نمی‌شود.

امسال نیز چند خبر نگران‌کننده از وضعیت قاچاق در کنارصندل به رسانه‌ها رسید؛ حشرات مسلح بودند، صدای باستان‌شناسان بلند شد و رسانه‌ها از غارت دوباره کنارصندل نوشتند. از آخرین کاوش مجیدزاده تا زمانی که او در فرانسه (از منصور سجادی) (سرپرست کاوش‌های شهر سوخته) خواست تا برای نجات بخشی و کاوش به کنارصندل برود، ۱۶ سال گذشت. سجادی پس از این سال‌ها، در کاوش‌های سال ۱۴۰۲، از ویرانی یافته‌های مجیدزاده خبر داد؛ او از تجاوز به عرصه و حریم این تپه‌ها سخن گفت و تأسف خود که چرا این آثار تاکنون حتی به ثبت رسمی نیز نرسیده‌اند!

کوچ ابدی یک میراث‌دار

اکنون که این گزارش را می‌نویسم، چند روزی بیشتر از کوچ ابدی پروفیسور یوسف مجیدزاده نمی‌گذرد؛ او و نقاب در خاک کشیده و به قول خیام: با «هفت هزار سالگان سرپه‌سر» شده است. به گفته همکارانش در کرمان، آن فرهنگ‌سازی و حساسیتی که او در میان مردم منطقه به وجود آورده بود، پس از دو دهه رها شدن کنارصندل، اکنون رخت برپسته است. چه تلخ است فرجام تلاش‌های مردی که کاوش‌هایش نظریه انحصاری مرکزیت بین‌النهرین را پدیدایش تمدن بشر را ابطال کرد؛ او ثابت کرد بین‌النهرین آگاه‌گر انحصاری تمدن بشری نیست. همان کسی که توانست ثابت کند اشیای سنگ صابونی در بازار اروپا و آمریکا متعلق به دشت جیرفت است. تالاشی‌های او با همکاران بین‌المللی‌اش باعث شد، اجازه ندهند حداقل در محوطه‌ای آشفته، حراج برسد؛ او آنها را به ایران بازگرداند. سید منصور سجادی، سرپرست کاوش‌های باستان‌شناسی شهر سوخته نیز براین حقیقت تأکید می‌کند. به گفته او، علاوه بر دستاوردهای جیرفت، کاوش‌های شهر سوخته، پیدایش آثار تمدنی غلیظ (از «دیلون» (بحرین (امروزی)، شبه‌جزیره عمان، مهرکره و میری‌کلات در پاکستان، موندیگاک و سعیدقلعه در افغانستان، نمازگاه و گنوتپه در ترکمنستان، سرازم در تاجیکستان و ده‌ها محوطه دیگر در شرق ایران، همگی برنادرستی نظریه مرکزیت انحصاری بین‌النهرین در شکل‌گیری تمدن صحه گذاشته‌اند.

حالا یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین پرسش‌های باستان‌شناسان پس از او، تطابق موقعیت و نام این شهر با «جاننام‌های سومری، یعنی شهرهای افسانه‌ای «آرت» و «مرهشی» است. اما در کنار این پرسش علمی، این سؤال تلخ نیز بر دل‌ها سنگینی می‌کند که آیا کنارصندل دوباره به روزگار پرشکوه و دوران طلایی زمان کاوش‌های مجیدزاده بازخواهد گشت؟ آیا نام این منطقه یک بار دیگر در جهان طنین‌انداز خواهد شد؟

کنارصندل یکی از مهم‌ترین نقاطی است که پس از انقلاب به جهان شناسانده شد؛ مناطق دیگر چون ماه‌لیک، سیلک، حصار و... همگی در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ شمسی به جهان معرفی شده بودند. جهان، هر چه امروز از ریشه‌های عمیق تاریخ ما می‌داند، نتیجه و دستاورد همان کاوش‌های بنیادین در جنوب شرق ایران است؛ یادگاری که امروز پیش از هر زمان دیگری به پاسداری نیازمند است.



خط شرق طلوع کرد

نتیجه مطالعات استاین‌کلر جنجال‌برانگیز شد. سال‌ها بود که دنیا بین‌النهرین را تنها مهد خط و تمدن می‌دانست، اما مطالعات او روی خط کشف‌شده از تاریخ و تمدن سخن از چه می‌نامیدند. «اما بین‌النهرین صاحب خط بوده است. استاین‌کلر پس از اتمام مطالعاتش اعلام کرد که نباید این خط را «عیالوی» بنامیم؛ خطی که تصور می‌شود زیر نفوذ تمدن بین‌النهرین است؛ بلکه با توجه به گستره کشف آن در شهداد، ملیان و جیرفت، باید از آن با عنوان «خط شرق» یاد کرد.

با این حال، باز هم مخالفان پا پیش گذاشتند و بهانه‌ای تازه تراشیدند؛ آنها گفتند چون هنوز این خط رمزگشایی نشده و خوانده نشده است، نمی‌توان چنین نظری داد. یوسف مجیدزاده در پاسخ به این گروه، به محل کشف کتیبه در دل یک دژ پادشاهی استناد کرد و گفت: «هر پادشاهی در دوران حکمرانی‌اش شرح

استاد خبر داد. جلیل گلشن، باستان‌شناس

و رئیس اسبق پژوهشگاه میراث فرهنگی، نیز در تشریح آن سال‌ها گفت: «پرونده او را با عنوان «عدم صلاحیت علمی» به هیأت تخلفات اداری فرستادند و بر اساس رأی صادرشده از دانشگاه اخراج شد. سرانجام حکم اخراج لغو شد، اما او دیگر بازگشت را نپذیرفت. او این اتفاق را نمونه‌ای تلخ از برخورد با چهره‌های علمی دانست. اسکندر مختاری، پژوهشگر میراث فرهنگی، از ایستادگی مجیدزاده در سال‌های دشوار جنگ تحمیلی گفت: «با آنکه امکان زندگی در خارج از کشور را داشت، اصرار کرد خانواده‌اش در تمام سال‌های جنگ در ایران بمانند.» او افزود که استاد تا واپسین روزهای عمر در غربت، منتظر دعوتی بود تا برای رونمایی کتاب‌هایش به ایران بیاید.



آپارتمان تأمین کند.» او با اشاره به دوران بازگشت مجیدزاده به عرصه میراث فرهنگی با تلاش‌های سیدمحمد بهشتی و جلیل گلشن، کاوش‌های جیرفت را کاری بزرگ و مایه افتخار ایرانیان دانست و از رونمایی کتاب سه‌جلدی جیرفت در مراسم چهلم

اندیشش از دانشگاه کنار گذاشته شد و نسل‌های بعدی دانشجویان از حضور او محروم ماندند. «زاری خاطره‌ای از شرایط دشوار زندگی استاد نیز نقل کرد: «روزی به من گفت مجموعه کتاب‌های دهخدا را فروخته تا سهم خود را برای آسفالت بام

تجلیل از میراث علمی باستان‌شناسی که نامش با جیرفت گره خورده

یادبود

آیین یادبود زنده‌یاد دکتر یوسف مجیدزاده، باستان‌شناس برجسته و پیشگام مطالعات پیش‌تاریخی ایران، عصرگنجینه سوم آن‌ماه با حضور جمعی از مسئولان، استادان، همکاران و شاگردان او در موزه ملی ایران برگزار شد. مجیدزاده دوشنبه

۲۷ مهرماه در فرانسه درگذشت و پیکر او به ایران بازگشت. در این مراسم جبرئیل نوکنده، رئیس موزه ملی ایران، با اشاره به بیش از شش دهه فعالیت علمی استاد فقید گفت: «مجیدزاده عمر خود را وقف میراث فرهنگی ایران کرد و در آموزش، پژوهش، کاوش‌های باستان‌شناسی و دفاع از حقوق میراث فرهنگی ایران در مجامع بین‌المللی چهره‌ای اثرگذار بود. او شناسایی زنجیره فلزکاری کهن در تپه

قبرستان، کاوش‌های تپه ازبکی و کشف قلعه مادی را از دستاوردهای شاخص او برشمرد و از آرزوی تحقق نیافته مجیدزاده برای تبدیل تپه ازبکی به مجموعه‌ای موزه‌ای یاد کرد. محمدابراهیم زارعی، رئیس پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، که از شاگردان مستقیم استاد بود، با تجلیل از سخاوت علمی او، با صراحت به تلخی‌های مسیر زندگی مجیدزاده نیز اشاره کرد: «او به دلایلی ناخواسته و به سبب صراحت و

قبض برق که باعث یک جنایت شد

گروه حوادث: مرضیه همایونی / زن میانسال با عصابی در دست و قدم‌هایی لرزان وارد حیاط اداره پلیس آگاهی تهران شد. بعد از چند سؤال و جواب از سربازان حاضر در محل به قسمت انتهای حیاط هدایت شد و با دیدن تابلوی اداره چهارم پلیس آگاهی در را باز کرد و وارد شد.

با دیدن افسر جوانی که پشت میز نشسته بود جلورفت و سلام کرد. مرد جوان سرش را بلند کرد و با دیدن وی جواب داد و گفت: چه امری داشتید؟ زن که نفس‌هایش به شماره افتاده بود گفت: «اجازه بدهید به کم نفس تازه کنم تا بگویم.» افسر جوان که سرهنگ صالح عبدی نژاد نام داشت از او خواست روی صندلی بنشیند و کمی استراحت کند و بعد بگوید کارش چیست. خودش نیز سرگرم مطالعه پرونده مرد جوانی شد که مدتی قبل ناپدید شده بود. دقایقی بعد زن میانسال گفت: «بهرم، دو دخترم و همسر ناپدید شده اند.» افسر پلیس که کمی تعجب کرده بود گفت: «هر چهار نفر با هم گم شده اند؟»

زن گفت: «بله، من یکی دو روز به مسافرت رفته بودم وقتی برگشتم از شوهر و بچه‌هایم خبری نبود.» مرد جوان پرسید: «باهم اختلاف داشتید؟ او پاسخ داد اختلاف که نه به آن صورت.» افسر پلیس که کنجکاو شده بود گفت: «یعنی چه نه به آن صورت؟» زن کمی مکث کرد و گفت: «شوهرم مدتی قبل سندن خانه را به نام دو دخترمان زد و از همان موقع بین پسر و شوهر و دخترانم اختلاف افتاد.»

-املاک دیگری هم داشتید؟ زن سرش را تکان داد و گفت: «نه همین خانه بود. وقتی هم از سفر برگشتم دیدم وسایل همسر و دو دخترم در خانه است ولی وسایل پسر نیست.» افسر پرونده با شنیدن این جملات از زن میانسال خواست با او همراه شود تا به خانه‌ای بروند که چهار عضو خانواده در آن ناپدید شده بودند. با هماهنگی و کسب اجازه قضایی راهی خانه‌ای ۱۶۵ متری در منطقه ولنجک شدند؛ آپارتمانی قدیمی اما گران قیمت. سرهنگ عبدی نژاد و تیم همراه شروع به واریسی خانه کرده و به دقت همه جا را بررسی کردند در این میان لکه‌ای بسیار کوچک از خون روی میل پیدا شد و روی قسمت قرنیز دیوار نیز شیشه خُرد افتاده بود. وقتی وارد حمام شدند آثار

در یک بیمارستان است که با حضور در محل او را دستگیر کردیم.»

اعتراف به ۳ جنایت

پسر جوان که به اتهام قتل ۳ عضو خانواده بازداشت شده بود ابتدا منکر جنایت بود و اظهارات ضد و نقیضی داشت اما بالاخره لب به اعتراف گشود و گفت: «خیلی پشیمانم. عذاب وجدان دارم حالم خوب نیست.» ولی این را می دانم که اگر پدر و مادرم بیشتر به فکر خانواده خود بودند این اتفاق نمی افتاد. از کودکی خیال می کردم که پدرم همیشه هوای خواهرانم را داشت و بین ما تفاوت می گذاشت. با اینکه من تنها پسر خانواده بودم. من خیلی تلاش می کردم مطابق میل پدر و مادرم رفتار کنم. درس خواندم، کار می کردم و تقریباً این بود که با دوستانم ورزش و طبیعت گردی کنم. اما ارتباط خوبی با خانواده ام نداشتم رابطه ما همیشه سرد بود زیاد با هم حرف نمی زدیم و به حرف های من گوش نمی کردند.»

چه شد که تصمیم به قتل گرفتی؟

وقتی فهمیدم پدرم خانه اش را به نام خواهرانم کرده عصبانی شدم. از آن بدتر این بود که چند بار از خواهرهایم شنیدم که می گفتند منتظریم پدرمان بمیرد و مادر و برادر را از خانه بیرون و خانه را تصاحب کنیم.

چطور متوجه شدی خانه را به نام آنها کرده است؟

تا ۱۰ ماهی از این ماجرا بی خبر بودم یعنی پنهان کرده بودند تا اینکه یک روز که در خانه بودم متوجه قبض برق شدم. وقتی قبض را نگاه کردم در اوج ناپاوری دیدم قبض به نام خواهرم است. آنجا بود که متوجه شدم خانه به نام آنها شده است. خیلی عصبانی شدم. فهمیدم پدرم خودش این ملک را به نام دو خواهرم انتقال داده و کینه او را به دل گرفتم. همان شب وقتی موضوع را گفتیم آنها گفتند پدرمان خودش خواسته خانه را به ما بدهد و این خانه حق ماست. به خواهرانم گفتیم با اندازه سهم من دو برابر سهم شمامت اما این مقدار را هم نمی خواهم نصف سهم خودتان را



مادر خانواده که در این پرونده شوهر و دو دختر جوانش را از دست داده بود در دادسرا از مجازات قصاص پسرش که عامل این جنایت ها بود گذشت کرد و چون اولیای دم پدر خانواده نیز شناسایی نشد متهم از جنبه عمومی جرم محاکمه خواهد شد



به من بدهید اما آنها مرا مسخره کردند. به آنها گفتم حق خواهر و برادری هیچ، سهم مساوی هم هیچ، اما حداقل یک درصد کمی از ازشم را به من برگردانید. خواهرم جواب داد ما زرتنگ بودیم و تو خنگ هستی. این حرفش خیلی مرا ناراحت کرد روزی که می خواستم او را بکشم به من گفت مرا نکش من خواهرت هستم گفتم تو خواهرم نیستی تو بچه زرتنگ هستی. این اواخر به من می گفتند چون در خانه ما زندگی می کنی باید اجاره خانه به ما بدهی همه این مسائل باعث فشار عصبی روی من و در نهایت منجر به این حادثه شد. من از آنها کینه به دل گرفته بودم.

پدرت تعمدی

سند را به نام خواهرهایت زد؟

پدرم نمی خواست اموالی به من و مادرم برسد. من در فکر خوردن حق کسی نبودم و حتی رفتم

نزد یکی از دوستانم و به او گفتم وقتی خانواده سرآدم کلاه بگذارد خیلی سخت است. عجیب بود که دوست و آشنا به من اعتماد داشتند و حق دادند اما خانواده ام به من اعتماد نداشتند.

مادرت اعتراضی نکرد؟

از این ماجرا خیلی ناراحت بود که این کار را کرده‌اند و می گفت خودم را آتش می زنم درصورتی که او نباید خودش را آتش می زد چون که حقش را خورده بودند.

در زمان قتل ها مادرت کجا بود؟

به مسافرت رفته بود و از این ماجرا روحتش هم خبر نداشت.

نقشه ات برای قتل چه بود؟

یک روز صبح که از خواب بیدار شدم تصمیم

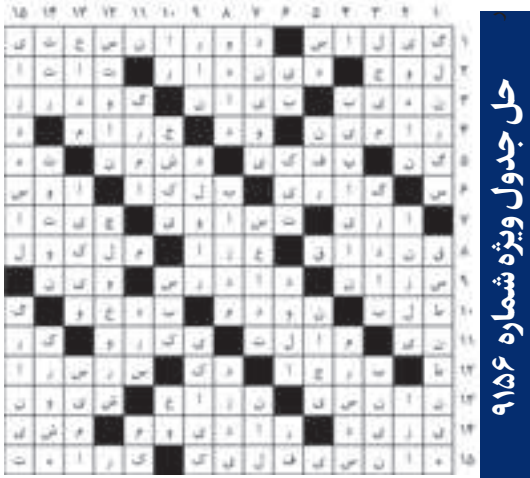
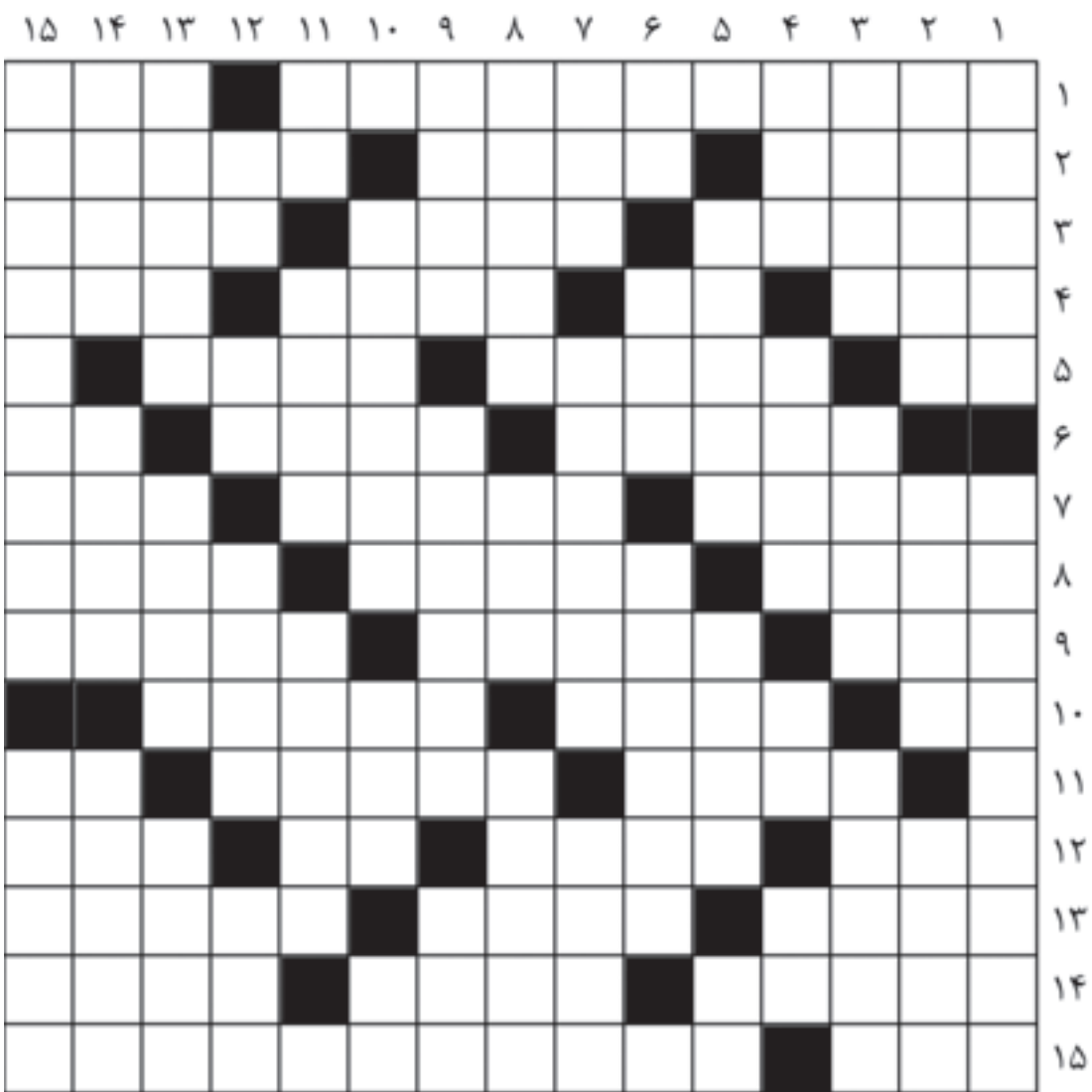
به قتل گرفتم. خواهر بزرگم دکترای ژنتیک داشت و خواهر کوچکترم در مزون کار می کرد. ابتدا خواهر کوچکم که خانه بود را به قتل رساندم. وقتی بیدارشد صبحانه بخورد او را در آشپزخانه به قتل رساندم. پدرم رفته بود پیاده روی وقتی از پیاده روی برگشت او را هم کشتم. بعد هم خواهرم که از سر کار آمد او را کشتم. اجساد را اول به حمام انتقال داده بودم بعد به خودروام بردم و به سمت فیروزکوه به راه افتادم. اول به مرغداری رفتم تا اجساد را از بین ببرم اما نشد و بعد آنها را در جاده فرعی رها کردم.

الان چه احساسی داری؟

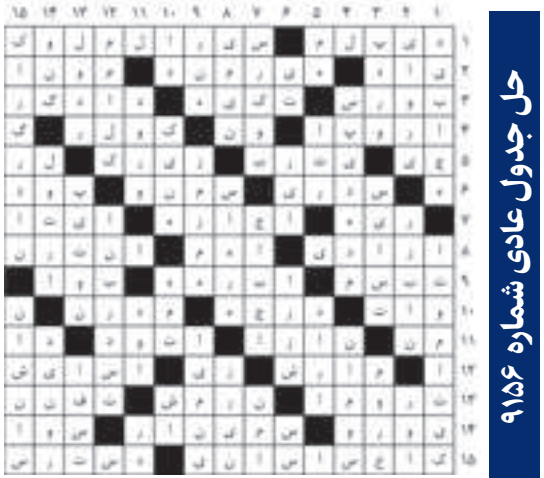
من دیگر نمی توانم با این شرایط جسمی و روحی زندگی کنم من یک خانواده را متلاشی کردم. البته این را بگویم من خیلی تلاش کردم مسالمت آمیز قضیه را حل کنم. خیلی اعتراض کردم ولی صدام به جایی نرسید.

اعتراض به نظریه پزشکی قانونی

بازپرس احسان شکیب نژاد، قاضی پرونده در این باره می گوید: «پس از اعترافات متهم، وی برای بررسی صحت روانی به پزشکی قانونی منتقل و سلامت روانی اش تأیید شد اما او به نظریه پزشکی قانونی اعتراض کرد و مدعی شد که در زمان قتل ها چون داشته است. متهم سابقه بستری شدن در بیمارستان را داشت اما بررسی های صورت گرفته نشان می داد که او در زمان قتل ها صحت روانی داشته است.» «باتوجه به اعتراض متهم که هیچ دلیل قاتل فرزندشان گذشت کرده است می گوید: «باتوجه به اعتراض متهم که هیچ دلیل جوان قاتل را که پسرش است بخشیده و اولیای دم پدر خانواده نیز شناسایی نشده‌اند و مراجعه نکرده‌اند، متهم با مجازات از جنبه عمومی جرم مواجه است. از آنجا که وی مرتکب سه قتل شده به زودی محاکمه می شود و به مجازات قانونی می رسد.»



حل جدول ویژه شماره ۹۱۵۶



حل جدول عادی شماره ۹۱۵۶

جدول عادی

عمودی

- راستی خبر - بازیگر فیلم «بی‌دار» (روی پرده سینماها)
- ابزار به‌راه افتادن بچه - کندن گیاه هرز - بخت و سرنوشت
- حرف مجهول ریاضی - کلام افسوس - باقوت سرخ
- از مکافات عمل غافل ثمره درخت - کوزه دهن تنگ - حرف مفعولی
- از تنقلات آب شدنی - پیششوند ضدیت فرنگی - گیاهی که از آب روید و از آن بوریا بافند
- مخفف مشت - مجلس شیوخ - سرودگوی
- همگانی - خجسته - درس نویسندگی
- متروک و دور افتاده - امید - مجسمه
- خواست، دعوی - رود پرآبی که به دریاچه هامون می‌ریزد - پرنده خوش اقبالی
- حرمان - حوضچه حمام - پول سامورایی‌ها
- تیر پیکان‌دار - عضو ورودی غذا - اجبار کردن شخصی توسط یک حکومت برای زندگی در یک محل خاص
- جواب مثبت فرنگی - خار سردیوار - رخت و قتر - یک مدل آشپزخانه
- از عناصر فلزی - به‌سبب - آکنده
- آرزوها - از مرکبات پُر ویتامین - جمع اجنبی
- ارتوپدی - حیات

جدول ویژه

عمودی

- به پایان رساندن - از آثار دیدنی استان چهارمحال و بختیاری
- واژگون - اچ‌آی‌وی ویروس این بیماری است - جمع حرف
- نوار و تار - باقیمانده - زمان‌ها
- مخفف هم او - فریاد - نوعی پروفیل پنجره - خمره بزرگ
- موظف و متصدی - منطقه تفریحی تهران - از لوازم آرایش
- مخفف نه از - نیکوپیش ماندنی است - وسایل تازه اختراع شده
- مساوی در شطرنج - عضو تیم ورزشی - زادگاه
- دوری از آسیب و گزند - بوم - کنایه از دوست بی‌ریا
- همیشه - نقاش - آینه مقعر
- پوشش سفت و سخت خیابان‌ها - عدد، شماره - مخفف بلکه
- نیم‌تنه مردانه - کج و مایل - سیارات بسیار کوچکی که از صخره و فلز ساخته شده‌اند
- برج فرانسه - تذکره - وقت و زمان - رودست خوردن
- همیشگی - ساحل - خمیده
- نامی برای هوو! - سرزمین - نام دخترانه
- سریال احمد کاوری - حساسیت شدید

افقی

- ژانری برای سریال - ضایعه پوستی
- عمل روپیدن - معشوق - رفتارش دلپسند نیست
- خاموش کردن فتنه - موی پیچیده - سیاست‌مدار
- شهری تاریخی در استان خراسان رضوی - چاشنی ادویه‌دار - پدر - واحد فشار برق
- عددتوحیدی - بیزار دل‌زده - هم‌بهره
- واحد پولی ۹ کشور دنیا - شمال ایران - دندان‌ها را مخفی می‌کند
- زمانی پهناورترین کشور جهان شناخته می‌شد - ابتیاع - وسط
- سن قانونی در ایران - گیاهی زینتی با برگ‌های بلند و نوک‌تیز - جاوید و همیشه
- کلمه ندایی شاعرانه! - هیکل - برابری
- ریشه - نیروی جسمانی - به ترتیب صف
- القاب خداوند متعال - تسلسل افکار - بیش طلبی
- بیماری - واحد نظامی - مظهر لاغری - ماسوله کویر ایران
- سمت چپ - ابزاری در مطبخ - نوشاد
- مرطوب - علم مواد - جانور درنده
- مرد برفی کوه‌های هیمالیا - یکی از استان‌های شرق ایران

افقی

- نویسنده ترکیه‌ای برندهٔ جایزه نوبل ادبیات سال ۲۰۰۶ - حاصل سوخت ناقص
- زمان و وقت - هرز - انتقال روح
- رایج - تلاقی - نرم شدن
- واژه شگفتی - صحنه نمایش - باران اندک - ایستگاه فضایی
- خودم - غیر حضوری - کیسه کنفی
- آسیب جسمی یا روحی - کراحت - لبه شمشیر
- ظرف مسی تکه‌گرد - تیم «دینامو» در این شهر کرواسی واقع شده - دین و آئین
- از مرکبات - کاشکی - بیمارستانی در تهران
- پارچه سائیده - نمک‌شناس - چه خبر دارد از اندوه پیاده؟
- میخوش - وسیله‌ای در خیاطی - اشک‌بار
- چیزها - مرض اختلال در کبد - چهارمین نت
- اسلوب - مجاز از آهسته و یواش یواش - شمار - مته برقی
- لباس درویش - جوش چرکین - عروق قلب
- فارسی «ایقون» - اثری از «پلوتوس» - تکنیک محبوب هنرمندان نوگرا در اوایل قرن بیستم
- تیم مسجد سلیمان - نوعی تردستی

گفت و گو

در این وضعیت قرار نگرفته‌اند؛ اما ساختارهای اقتصادی و اجتماعی نیز در شکل کلی موقعیت آنها نقش داشته‌اند. امروزه بارها به چالش‌های قبال هر بیرون زادننده‌نشین خانواده، چه زن، یکی از نشانه‌های این موضوع است. پدر و مادر از گذشته‌های حرف می‌زنند که در آن امکان زندگی در شهر از دست داده‌اند. حالا هم که می‌خواهند حرف بزنند با محدودیت‌های تازه‌ای مواجه‌اند.

در نسخه اولیه، این طرح اساسی توسط سردمدار بود و بخش‌های بیشتری از زندگی گذشته فیلم خانواده را می‌دیدیم. اما با توجه به زمان فیلم و ضرورت حفظ ریتم، بخش‌هایی از آن حذف شد. نسخه اولیه حدود ۱۱۲ دقیقه بود و در مراحل بعدی به نسخه‌ای کوتاه‌تر رسیدیم. در نسخه‌های جشنواره بین‌المللی فیلم تغییر کرد و در نهایت مدت زمان آن ۸۴ دقیقه شد.

مرتضی زراقی کریمی: به نظر من کوتاه‌تر شدن فیلم به ریتم آن کمک کرد. اما طبیعتاً است که با حذف بخش‌هایی از رزمیه‌ها، بعضی از اجزای اجتماعی نیز کمتر درمی‌شوند. با این حال، تلاش کردیم در مساهله فرصت میدهیم تا اینکه نشانه‌هایی از این سبک‌ها بیابند؛ این‌ها خانواده‌ها همیشه به‌تنباهای مسئول شرایط خودشان نیستند و گاهی با ساختارهایی مواجه‌اند که انتخاب‌هایشان را محدود می‌کند.

به‌نظری رسد اینجا با مسائل اخلاقی و پیچیده‌رو به‌رو هستیم. اگر کسی بخواهد زندگی اخلاقی داشته باشد، آن‌را هزینه‌ای بشود زندگیش چنان سنگین شود که امکان یک زندگی معصوم (راه را) بگیرد. از این جهت به‌مسائله‌ای اخلاقی تبدیل نمی‌شود؛ پیروزی‌ه‌وقتیه و ریتم آن موقعیت‌ساختارهای اقتصادی و اجتماعی، امکان‌پذیر و راه را برای بسیاری از افراد محدود کرده‌اند.

مرتضی زراقی کریمی: بحث بسیار پیچیده‌ای است. نمی‌توانیم همه چیز را به انتخاب‌های فردی تقلیل دهیم. گاهی خانواده‌ها و نسل‌ها هر دو قربانی شرایط هستند که آن‌ها توسعه و راه را خانواده گرفته‌اند. در فیلم به گذشته این خانواده

فیلم در شرایطی اکران می شود که جامعه همچنان با نگرانی های ناشی از جنگ اقتصادی مواجه است. از سوی دیگر، سینمای اجتماعی معمولاً در مقایسه با سینمای کمدی مخاطب کمتری دارد. به نظر می رسد چنین شرایطی، به هدفیابی ضعیف تر، برده شد چنین و نهادهای فرهنگی است؟

مرتضی زقاق کریمی: من به همه گونه های سینمایی اعتقاد دارم و فکر می کنم همه آنها باید امکان تولید داشته باشند. نمی توان صرفاً بر اساس میزان مخاطب تصمیم گرفت که کدام فیلم ساخته شود و کدام فیلم نه. سینمای کمدی جایگاه خودش را دارد و برده شد و نهادهای فرهنگی است؟

مصطفی خاکی کریمی: این بخش از داستان خواست نشان دهد که اراده فردی ممکن است تنها به تعیین کننده نیست. ممکن است اراده تلاش کند، دستکار باشد و تصمیم‌های استیجیه بگیرد، اما شرایط و خواسته‌های اجتماعی امکان تحقق بسیاری از خواسته‌های او را از بگیرد. البته در خواسته‌های اولیه فیلمانه، این موضوع مفصل تر بود و بخش هایی از قصه به شرایط اقتصادی تهران و گذشته‌های خانواده اختصاص داشت. اما در فرایند بازبینی و بدوین، بخشی از این خطوط فرعی حذف شد. فیلم از نظر زمان و زمان، انجم بندی و ریتمی را ندارد. در نتیجه، بخشی از این زمینه اجتماعی به شکل اشاره‌های کوتاه در فیلم باقی ماند.

می تواند به مخاطب سازی کمک کند. این کار فقط از طریق تولید انبوه نمی شود؛ خود برنامه آشنایی با افراد می تواند نیز می تواند مخاطب را با موضوعات و گسترش سلیقه فرهنگی داشته باشد، سیمینا نیز می تواند از نتایج آن بهره ببرد. اما این فرآیند به برنامه ریزی بلندمدت نیاز دارد. از سوی دیگر، برنامه های اجتماعی مانند در شرایط دشوار اقتصادی و فرهنگی تنها بماند. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، فرهنگ هنری و دیگر نهادهای فعال در حوزه فرهنگ باید به فیلم هایی توجه کنند که مسائل واقعی جامعه را مطرح می کنند؛ پوستر آثاری که به خانواده، روابط بین نسلی و بحران های اجتماعی می پردازند.

فهمندی دشوار تلاش کرده‌اند زندگی را محدودیت‌هایی روبرو شده‌اند که لزوماً حاصل تصمیم‌های شخصی آنها نبوده است. از طرف دیگر، نسل جوان نیز حق دارد پرسد چرا باید تمام عمرش را درگیرمکنی کند که در تمام عمرش این‌ها نقش داشته است. این تعارض را نمی‌توان با مقصر دانستن یک طرف حل کرد.

به نظر می‌رسد اینجا با مسئله‌ای اخلاقی روبرو شدیم و به هر چه کسی بخواهد زندگی اخلاقی داشته باشد، اما هزینه‌ای شیوه زندگی چنان سنگین شود که امکان یک زندگی معمولی را هم از او بگیرد. آیا خود این معصیت به مسئله‌ای ضد اخلاقی تبدیل نمی‌شود؟ بویژه وقتی در آن موقعیت ساختارهای اقتصادی و اجتماعی، امکان رشد و افرا برای بسیاری از افراد محدود گردد.

نست. نمی تواند قیلم همه مشکلات را به
انتخاب برای خودی تبدیل دهد. ماسک را به
خانواده‌ها و اسکن‌ها هر دو قربانی شرایطی
هستند که اسکن توسعه و رفاه در خارج از
دوره است. در قلم به گذشته این خانواده
شاره می شود. آنها حدود چهل سال قبل
تاهین تیرن تیرن کردند. این راه را در
نهارین شهر زندگی کرده است. این اشاره به
یک ظاهر شخصی نیست، بلکه به شرایط
مربوط می شود. عنوان درستی که زمانی تهران
توسط داشته و در طول سال‌ها با تغییر
شرایط، محدودیت‌های تازه‌ای را تجربه کرده
است. اما حالا پس از گذشت دهه دهه
یوواره با مسائله بازگشت به تهران مواجه
می شوند. این آرا به‌زیگست هم سادس نه است
ایبف کند که آیا با امکانات فعلی شان
توانند در شهر زندگی کنند یا ناچار خواهند
شد به فضای کوچکی بروند و شکل دیگری
زندگی را بی‌یپند.

مصطفی زاکری: این بخش از داستان، به‌نهایی تعیین‌کننده نیست، ممکن است فردی تلاش کند، دست‌ساز باشد و تصمیم‌های اسنچیده بگیرد، اما تحقق بسیاری از تصمیمات و اجناسی امکان تحقق سبب می‌شود. البته در خواسته‌هایش را از او بگیرد. البته در خواسته‌هایش، فیلمنامه، این موضوع مسئله‌تر بود و بخشی‌هایی از قصه به صورت اقتصادی تهران و گذشته این خانواده، بدون داشتن این خاطرات بازسازی می‌شود. بخشی از این خاطرات فرعی خط شد قبلم از نظرم و زمان، انعام بیشتر می‌باشد. در نتیجه، بخشی از این زمینه جدایی به شکل اشاره‌های کوتاه در فیلم باقی ماند.

از منظر جامعه‌شناسی، شاید بتوان
این نقد را مطرح کرد که قبلاً بیشتر
بر اختلاف‌های درون خانواده‌ها
متمرکز می‌شد و نقش ساختارهای
اقتصادی، سیاست‌گذاری و مدیریت
بر این در شکل‌گیری این وضعیت کمتر
دیده می‌شد. گاهی فرزندان، والدین
را مسئول شرایط فعلی خود می‌دانند،
در حالی که بخشی از مشکلات ممکن
است حاصل ساختارهای باشد که
امکان رشد و رفاه را محدود کرده‌اند.
آیا در این‌مناخه به این مسأله توجه
شده بود؟

مصطفی رزاق کریمی: بله، این مسأله در
سخن‌های اولیه پررنگ‌تر بود. می‌خواستیم
شان دهیم که بسیاری از خانواده‌ها و نسل‌ها
صرفاً به دلیل تصمیم‌های فردی خودشان

امیرات خانوادگی و چیزی را که طی سال ها ساخته شده، حفظ کند، و هر چه بدست آمده، به پدر و مادرش بدهد. او می خواهد چیزی که می کند می تواند به سوداگی گفت متفاوتی بیازد. می توان به سوداگی گفت چیزی درست می گوید و دیگری اشتباه می گوید. شخصیت درخت خروار، با بازی مریم مومن، نیز نماینده بخشی از انتظار سال جدید است. از نظر این شخصیت او نمی خواهد به اشتراک زندگی کند که امکانات اولیه و چشم انداز روشنی ندارد. می توان این خواسته را صرفاً به سطحی بودن یا نداشتن درخت نسبت داد. نسل جدید هم حق دارد در دربار آینده، کیفیت زندگی و امکانات خود، سوال کند.

[illegible]

یکی از لایه‌های مهم فیلم، مسأله اخلاق در شرایط ناخوشایند اقتصادی است. در بخشی از داستان، اختلاف نسل‌ها بر سر هزینه‌های زندگی و شیوه مواجهه با تورم آشکار می‌شود. مردم در حال پوین در آمدن و سوءاستفاده نکردن از جانش‌ها تأکیدی می‌کند، اما پس از نتیجه‌گیری شیوه زندگی ناراضی است. به نظر می‌رسد فیلم پرستش دشواری را مطرح می‌کند. اینکه آیا می‌توان در شرایطی که زندگی روزمره سخت‌تر می‌شود، همچنان به اصول اخلاقی پایبند ماند؟

مسئله قیام از کربلا: یکی از مهم ترین مسائل برای امت، اگر بخواهیم مفهومی را به عنوان موضوع اخلاقی آن معرفی کنیم، می توانیم از شریف زیست در دل بحران کربلا، زندگی، شخصیت مادر در موقعیت تاریخی آن، و همچنین تفاوت های شریف زیست، خاص، بر چالش و نیاز مردم سوءاستفاده کننده، رهبر شیعی، متوسل شد، اما پس در برابر این نگاه، رهبر شیعی مطرح می کند: حاصل این همه سال پایبندی به اصول چه بوده است؟ چرا با وجود این همه تلاش، خانواده هنوز در شرایط شوری زندگی می کنند؟ وقتی پرسش زنی می توان ناپدید گرفت، وقتی فردی تلاش می کند اخلاقی زندگی، نتیجه آن به حریمیت و محدودیت شدید، تعارضی واقعی روبروست در چنین شرایطی، مسئله این است که اخلاق چگونه می تواند در زندگی روزمره امکان تحقق پیدا کند.

هم‌زیستی زرافه گرمسیری: محنه درگیری پیدا می‌کند. پسری از همین منظر اهمیت پیدا می‌کند. سبیلی زن مار به پسر، اخطای داشت که اختلاف فکری به بحران عاطفی تبدیل می‌شود. پسر احساس می‌کند بهای خود را برای رسیدن به او داده است. از سوی دیگر، والدین نیز احساس می‌کنند تمام عمر برای حفظ خانواده تلاش کرده‌اند و حالا با سرزنش پرسشی مواجه شده‌اند. این موضوع، فرزندانشان یک خانواده را طرد می‌کند. پسرای والدین در شرایط

مصطفی
رزاق کریمی:
کافه در این
فیلم صرفاً
یک مکان
نیست، بلکه

امکانی برای
زیست انسانی
و تجربه‌های
متضاد است.
آدم‌ها با
جهان بینی‌ها،
خواسته‌ها
و خاطرات
متفاوت وارد
این فضا
می‌شوند و
اتفاقاتی که
در آن رخ
می‌دهد، به
خود کافه
محدود
نمی‌ماند.

حتی می توان
این مکان
را به صورت
نمادین با
مفهوم میهن
و وطن مرتبط
دانست؛
فضایی که در
آن اختلاف ها
و تضادهای
زیادی وجود
دارد، اما
همچنان

امکان
بازسازی و
همبستگی
باقی است

قصه بیرون بیاید. یکی از دوستان ما فیلم را در جشنواره دیده بود، می گفت برای سومین بار آن را تماشا کرده و هر بار نکته تازه ای در آن یافته است. به نظرم این اتفاق مهمی است؛ چون مخاطب در بار اول ممکن است به دلیل همراهی با قصه و بازی ها بعضی از جزئیات را نبیند. در تماشای دوباره لایه های دیگری از فیلم آشکار می شود.

من هم هنگام تماشای فیلم احساس کردم فضای کافه، با تمام التهاب‌ها و اختلاف‌هایی که در آن رخ می‌دهد، امکان نوعی بازسازی روانی و عاطفی را فراهم می‌کند؛ گویی آدم‌ها در دل این فضا دوباره خودشان و یکدیگر را پیدا می‌کنند.

مصطفی زار کریمی: واکنش مخاطبان و دانشجو در جشنواره هم برای من جالب بود. یکی از مباحث ها، آمایش ها، نسل شلوغ بود. معلق بود به نظرهای کوچک کلاسی می خندیدند می گفتند اما به خاصیت ها همراه می باشند، صحنه شلیک موشک، کمان، واکنش متفاوتی شکل گرفت. بعضی از تماشاگران کمان شروع به دست زدن کردند و حتی برخی جاب شدند این واکنش برای من جالب بود؛ بویژه اینکه مخاطبان از نسل ها و دیدگاه ها متفاوتی بودند. احساس کردیم فیلم توانسته است در آن لحظه حرس حس مشترک و غرور ملی ایجاد کند. این تجربه در نشان می داد که سیمنا همچنان می تواند برای فضایی برای تجربه جمعی و احساس فضا، باشد.

در فیلم، دونسل از بازیگران حضور دارند؛ بازیگران باتجربه تر در کنار بازیگران جوان تر. این تفاوت نسل ها در فرآیند کارگردانی برای شما دشواری ایجاد نمی کند؟

مصطفی زاکری کریمی: برای من مسئله اصلی، مسأله زیاری نیست، بلکه این است که به بازرگانان چه اندازه می‌تواند با منطق حصر همراه شود. وقتی فیلمنامه شکل گرفته و بازنگری را می‌خواند، باید بتواند مسیر بازیگران را درآورد. کار این‌ها نتواند با همه ارتباطات برقرار کند، کار دشوار می‌شود؛ اما اگر منطق فنی باشد، می‌توانیم درمیان بازیگران با یکدیگر گفتگو کنیم. مهم و حقیقتاً به بازرگان حکم نمی‌تشد که مثلاً نباید به آن‌ها حصر حرف بزن، جای اسرابعی بخور یا زانم آهسته، به نظر من ترجیح، به بازرگان را در همکام موقت دور می‌کشد. نتیجه این‌ها این است که بپرسیم چرا به این‌ها ایده، چه اتفاقی افتاد که این حرف را می‌زند و پس از این حصره حرف است که با پرسید. به بازنگری، برای من مهم است بدانیم شخصیت از کدام‌جا، به هر حرف می‌زند و به کدام می‌رود. وقتی بازرگان شخصیت شکل می‌گیرد، نه داستان‌ها بیرون می‌آید.

نیست و کارگردان نمی تواند صرفاً بر اساس موفقیت گذشته اش تصمیم بگیرد. هر فیلم موقعیت، منطق، شخصیت ها و اقتضائات خود را دارد.

مرتضی زراق کریمی: در این فیلم نیز همکاری میان بازیگران، فیلمساز، طراح لباس و دیگر عوامل بسیار مهم بود. لباس شخصیت ها باید بازنگری آنها تناسب می داشت. در شرایط سید فیلمبرداری، بازیگران لباس های گرم می پوشیدند و هنگام فیلمبرداری، متناسب

با قاب و موفعیت، لباس‌ها تنظیم می‌شد. طراح لباس و فیلم‌بردار هم درباره ایر جزییات با یکدیگر هماهنگ بودند. به نظر حاصل کار زمانی درست از آب درمی‌آید که همه عوامل بدانند چرا چنین انتخابی انجام شده و چگونه می‌توانند تخصص خودشان در خدمت کلیت فیلم قرار دهند.

یکی از پرسش‌های مهم درباره فیلم، نسبت میان دوقس‌ل است. ممکن است بعضی مخاطبان احساس کنند چون فیلم‌ساز از نظر سنی به شخصیت‌های پدر و مادر نزدیک‌تر است، وزن اخلاقی و دراماتیک روایت به سمت آنها متمایل شده است. آیا نگاه نگارش و ساخت فیلم به این مساله فکر کرده بودید که فیلم جانب یک‌نسل را بگیرد؟

مصطفیٰ رزاق کریمی: بله، این مسأله برای ما اهمیت داشت. البته منظورمان این نبود که فیلم کاملاً خشن باشد یا هیچ موضعی نداشته باشد؛ بلکه می‌خواستیم حرف‌های هر دو نسل شنیده شود و مخاطب بتواند منطقی هر کدام را درک کند.

نکته جالب این است که در گروه نویسندگان ایرانی از نسل جوان حضور داشتند. نویسندگان و همکاران جوان ما در شکل گیری قصه نقش داشتند دیدگاه‌هایشان بر فرآیند نگارش تأثیر داشت. بنابراین، از ابتدا اقرار نبود صرفاً نسل قدیمی تر بر فیلم حاکم باشد. در هر قصه هم این تعادل را می بینیم. پدر در مقطعی حق مادر و پسر قرار می گیرد و می گوید پدر در حق دارد، اما جایگاه و حساسه‌های فرهنگی شکر متفاوت است. به نظر می آید فیلم‌های کلیدهای فهم فیلم‌هاست. مادر تلاش می کند

برادران رزاق کریمی در گفت‌وگو با «ایران»
از ضرورت همدلی در «کافه سلطان» می‌گویند

می‌توان متفاوت بود و در کنار هم ماند

اعضای آن و شکاف‌های فکری و نسلی را آشکار می‌کند. در این فیلم، کافه فراتر از یک مکان، به فضایی برای مواجهه جهان‌بینی‌های متفاوت و تجربه دوباره همدلی و همبستگی تبدیل می‌شود. مصطفی و مرتضی رزاق کریمی در گفت‌وگو با «ایران» از چگونگی شکل‌گیری فیلم بر پایه پژوهش میدانی، نسبت اخلاقی و معیشت، مسئولیت ساختارهای اقتصادی و اجتماعی در وضعیت خانواده‌ها، ضرورت گفت‌وگوی بین‌نسلی و جایگاه سینمای اجتماعی سخن می‌گویند: سینمایی که به اعتقاد آنها، حتی در دل بحران نیز می‌تواند امکان‌یازاندیشی درباره روابط انسانی و احساس تعلق جمعی را فراهم کند.

گفت‌وگو

رضاصامی
دبیر گروه فرهنگی

فیلم «کافه سلطان» به کارگردانی مصطفی رزاق کریمی و تهیه‌کنندگی مرتضی رزاق کریمی، داستان خانواده‌ای را در بستر جنگ ۱۲ روزه روایت می‌کند، خانواده‌ای که قرار گرفتن در موقعیتی بحرانی، اختلاف‌های پنهان میان

موقعی‌های متفاوت خانوادگی را در فیلم «کسانی که در دوران سانسور دارند» به تصویر کشیده، اماش اولیه به‌شخصی تبدیل می‌شود و یکی از نقاط اوج به‌تدریج اوج می‌گیرد. یکی از نقاط اوج جابجایی است که مادر به پسرش سیلی می‌زند و پسر بحران برضای مرحله‌ای جدی می‌رسد. با این حال، برای ما مهم بود که فیلم صرفاً در نمایش اختلاف‌ها متوقف نشود و امکان بازگشت به همدلی را نیز نشان دهد.

یکی از نکات مهم فیلم این است که به‌جریان داستان فقط به‌ویزانی و گسست منجر نمی‌شود؛ در پایان، نوعی همبستگی دوباره شکل می‌گیرد. حتی می‌توان کافه را نمادی از جامعه یا وطن دانست؛ جایی که اختلافات و تجربه‌های متضاد در آن رخ می‌دهد و سپس امکان بازسازی آن فراهم می‌شود. آیا این برداشت به‌ایده اصلی شما نزدیک است؟

[illegible]

مضمونی راز کریمی: چنگ در پی قلم از یک سو سوا کوهی و اختلاف‌های پنهان را آشکارا کند و از سوی دیگری تواند زمینی‌های ادراک و زندگی‌شدن آدم‌ها به یک‌جگه ببرد. البته منظور این نیست که به دوستی خوددست‌نخورده و بی‌نیستی است؛ مسأله این است که آیا دیواره‌ها به اهمیت انسان‌ها در دل پیران، گاهی دیواره‌ها به اهمیت پیوند نیاپسین به یاری‌رسان می‌گردند. همین پیوندها و گریزها در تلاشی کردیم. این مفهوم به شکلی شعاری بیان نشود. می‌خواستیم شایسته شخصیت‌ها گاهان شروع و پایان را به سخرانی درام می‌بستیم. ترجیح می‌دادیم معانی دل‌فراها، روابط و جزئیات را به یاد می‌آوردیم. گاهان را به سخرانی درام می‌بستیم. ترجیح می‌دادیم معانی دل‌فراها، روابط و جزئیات را به یاد می‌آوردیم.

سطح بیرونی باقی بماند. برای من مهم است بدانم این قصه در لایه‌های درونی چه خواهد گذشت و قرار است این قصه در ذهن مخاطب پر جای بگذارد. در ابتدا کار، بعضی از موسسات نسبت به بحث ایده ناظر یا کنترل ایده مهم داشتند. اما به تدریج همراه هر چه من و هم‌تیم آن می بردند، قصه در بیرونی پررنگ‌تر و در درون‌های استعدادهای مشترک ما، کم‌رنگ‌تر می‌شد. اما در لایه‌های زیرین به گفت‌وگوهای بی‌سلسلی، اختلاف‌های جزئی، امکان بازاریابی همگامی می‌پردازد. چیزی که سال‌هاست احساس می‌کنم در سینمای ایران، کمتر آن‌ها توجه شده، همین گفت‌وگویی واقعی است که نسل‌ها، نسل‌ها

در ابتدای فیلم با فضایی نسبتاً آرام روبه‌رو هستیم، اما به تدریج جاش‌ها و اختلاقی که در پیوست زندگی شخصیت‌ها وجود داشته، آشکار می‌شود. این ساختار چگونه طراحی شده؟

مصطفی زرقی: در آغاز قصه با بانوی ارمانش ظاهر می‌شویم، مکانی وجود دارد که سال‌هاست خاک می‌خورد؛ این وقتی نوشته، اما حال ارمان در پیوست خوشتران می‌گردد و همه چیز ظاهر عادی است. سپس، حادثه‌ای رخ می‌دهد و این ارمان را به هم می‌زند. این همان دگردیسی محرک است که درام را به حرکت درمی‌آورد.

در دوران استعمار نژاد داشته‌اند. تجربه‌های اجتماعی مختلف، اختلاف‌های فابنار، متوجه شوییم که زندگی کرد، حتی با هم زندگی کرد و در شرایط

همین نزدیکی می تواند اختلاف های پنهان را آشکار کند. در فیلم نیز با ورود آدم های مختلف، دیدگاه های متفاوتی وارد قصه می شود. زنی رامی بینیم که در آستانه جدایی از همسرش قرار دارد. نقش سارا، با بازی شیوا مکینیان، در نسخه اولیه فیلمنامه چندان پررنگ نبود، اما در جریان کار توسعه پیدا

کرد. این شخصیت به نوعی نماینده بخشی از مسائل اجتماعی و مشکلات زوج‌هایی است که در چنین موقعیت‌هایی قرار می‌گیرند. زوج سالمند نیز به همین دلیل وارد قصه می‌شوند. حضور آنها اتفاقی نیست و پشت این انتخاب‌ها پژوهش وجود داشته است. تلاش کردیم گروه‌های سنی مختلف و

یکی از ویژگی های فیلم، توجه به جزئیات زندگی روزمره و موقعیت های است که شخصیت هار از آن می گیرند. به نظری رسد فیلم صرفاً بر یک قصه داستانی متکی نیست و پشت آن پژوهشی درباره جامعه و روابط انسانی وجود دارد. فرایند شکل گیری فیلم چگونه بود؟ پژوهشی شما بیشتر کلامی بود یا میدانی؟

مصطفی زارکوبی: پژوهش های من فیلم اساساً میدانی بود. البته پژوهش کتابخانه ای هم جایگاه خودش دارد، اما این قصه به گونه ای روایت شده که نیاز داشت که به دنبال موقعیت بردم. آنرا از نزدیک ببینم و

در دوستان ما بود و در فرآیند شکل گیری این فیلم نیز حضور داشت. حتی هنگامی که مدیرانری، بعضی از جزئیات تغییر می دادند و تلاش می کردند فیلم متناسب با اقتضات موقعیت، تصمیم های مناسب تری بگیریم. در این فرآیند خوشحال بودم چون احساس می کردم همه مشغول کارند و هر کس در جای خودش سهمی دارد، همیشه به عوامل می گویم کار گروهی را در ذهن کار پیوسته. اگر می دانم، باسخ می دهم و کار می دانم، باخلاقانه می گویم که نمی دانم. در این فیلم، از نظر من هیچ تپه نیستند، در کارگردان و عوامل همکاری و وجود نداشت. رز آخبره به گروه گفتیم فیلم ما شد؛ با وجود فشار مالی و محدودیت هایی که برای رساندن آن به مراحل بعدی داشتیم، کار را با همکاری جمعی از نویسندگان پی بردیم.

مرمتی رزاق کریمی: در مسائل مالی هر اعتماد متقابل برای من اهمیت زیادی دارد. اساساً تلاش ما این بود که یک تیم توانمند و حرفه‌ای شکل بگیرد. در کنار نویسنده، دوستان دیگری نیز به ما کمک می‌کردند. از جمله در چند جلسه با مهرا کاشانی کمک گرفتیم که نقد‌های بسیار صریح و بی‌رحمانه داشتند. این نقدها برای ما مفید بود. در واقع، وجود یک هیئت نظارت برای پراختی فیلمنامه و قصه به اندازه‌ی یک کمک مالی می‌کرد.

به ایده ناخرو لایه های معنایی قصه اشاره کردید. به نظر می رسد صرفاً تعریف یک داستان جذاب برای شما کافی نبوده و می خواستید فیلم چیزی فراتر از خود قصه در ذهن مخاطب باقی بگذارد. این ایده چگونه شکل گرفت؟

مصطفی زراق کریمی: من معمولاً در طراحی قصه‌ها و نگارش فیلمنامه، در کنار گروه نویسندگان حضور دارم. همیشه معتقدم که یک پلات اصلی داریم؛ یعنی قصه‌ای که قرار است برای مخاطب تعریف کنیم. اما هر قدر این پلات جذاب باشد، اگر ایده ناظری نداشته باشد، ممکن است در همان



«ایران» را در صفحه‌های مجازی دنبال کنید



سخن‌روز

امام‌علی (ع):

زکات زیبایی، عفت است.

غیرالحکم: ۵۴۴۹

رونمایی از اثر «محمود فرشچیان» در پنجمین حراج «باران»

مراسم گشایش پنجمین حراج تخصصی هنرهای ایرانی و اسلامی «باران» با ارائه بیش از ۸۰ اثر برگزار شد. این مراسم در مرکز نمایش‌های بین‌المللی رایزن برگزار شد. سیده محبوبه کاظمی دولایی، مدیرمسئول نگارخانه ترانه باران با اشاره به فاصله هفت‌ساله از برگزاری آخرین دوره این حراج گفت: «در دوره‌های گذشته، هر سال حراج را به روح یکی از هنرمندان بزرگ کشور تقدیم می‌کردیم. این دوره را نیز به روح بزرگ استاد فرشچیان تقدیم کرده‌ام.» **ایران**



«سلیمان میناسیان»، فیلمبردار پیشکسوت درگذشت

سلیمان میناسیان، فیلمبردار پیشکسوت سینمای ایران در ۹۵ سالگی در لندن درگذشت. میناسیان فیلمبرداری آثار ماندگاری همچون «خشت و آینه» ساخته ابراهیم گلستان، «خانه سیاه است» ساخته فروغ فرخزاد و مستندهای «موج، مرجان، خارا»، «تپه‌های مارلیک» و «گنجینه‌های گوهر» را در کارنامه داشت و از چهره‌های تأثیرگذار در شکل‌گیری و تحول سینمای مستند ایران به شمار می‌رفت. **ایران**



همکاری خواننده ترکیه‌ای «با فرزند فرین»

مصطفی ججلی، خواننده مطرح و پرطرفدار ترکیه، به‌زودی آهنگ جدید خود با نام «گل گل» را با همراهی فرزاد فرزین، خواننده موسیقی پاپ ایران، منتشر خواهد کرد. چندی پیش مصطفی ججلی درباره عشق و علاقه‌اش به ایران، در شبکه‌های اجتماعی یک استوری منتشر کرده بود. حضور دو هنرمند از دو فضای موسیقایی متفاوت در یک قطعه مشترک می‌تواند یکی از همکاری‌های ارزشمند موسیقی پاپ ایران و ترکیه در عرصه بین‌المللی باشد. **ایرنا**



قیصر، شاعر روزگاران خواهد ماند

قیصرامین پور را فقط نمی‌توان در شعرش خلاصه کرد، بلکه می‌توان گفت شعر قیصر خلاصه‌ای از شخصیت بی‌انتهای او بود. اخلاق و انسانیت قیصر به مراتب مهم‌تر و بزرگ‌تر از شعرش بود و همین مسأله بود که انسان را شایسته قیصر می‌نمود. قیصر یکی از زلال‌ترین رودهای شعر امروز ایران بود که بدون غلتیدن به سرآشوبی‌های افراط و تفریط با زبانی پخته و اندیشه‌ای رسا و متعالی ناب‌ترین شعرها را برای هر گروه سنی به جای گذاشته است.

بی‌شک قیصر شاعر روزگاران خواهد ماند. ای کاش شاعران نسل جوان همانقدر که از شعر و شاعری قیصر درس می‌آموزند از اخلاق و رفتار و منش او نیز تأثیر بگیرند.

گزیده‌ای از صحبت‌های جواد محقق، درباره قیصرامین پور به بهانه سالروز درگذشت این شاعر نامدار ایران / همشهری



نقل قول

با نهایی شدن نقشه فرهنگی در ۳۰ استان و شناسایی ۱۵۰ مسأله فرهنگی کلید خورد

اثربخشی نقشه مهندسی فرهنگی در گرو اجرای دقیق و ارزیابی مستمر

گزارش گروه فرهنگی

با نهایی شدن برش‌های استانی نقشه مهندسی فرهنگی کشور در ۳۰ استان، چالش اصلی از تدوین اسناد به اجرای برنامه‌ها، هماهنگی دستگاه‌ها و ارزیابی نتایج منتقل شده است. بر اساس گزارش ارائه‌شده در هشتصد و شصت و یکمین جلسه شورای فرهنگ عمومی کشور، ۱۵۰ مسأله شناسایی و ۳۹۳ اقدام برای رسیدگی به مسائل فرهنگی استان‌ها انجام شده است. با این حال، اثربخشی این نقشه نه تا تعداد اقدامات، بلکه با میزان تأثیر آنها بر حل مسائل فرهنگی و اجتماعی سنجیده می‌شود.

عبور از تصمیم‌گیری سلیقه‌ای
سیدعباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، در این جلسه یکی از اهداف تدوین برش‌های استانی نقشه مهندسی



فرهنگی را ایجاد نقشه راهی روشن برای شورا‌های فرهنگ عمومی استان‌ها دانست. به گفته او، در گذشته، فعالیت این شوراها گاه تحت تأثیر سلاقی اعضا قرار می‌گرفت و نبود چارچوبی مشترک، هماهنگی میان برنامه‌ها و اقدامات فرهنگی را دشوار می‌کرد. از این منظر، نقشه مهندسی فرهنگی می‌تواند زمینه‌گذار از تصمیم‌های پراکنده به برنامه‌ریزی مسأله‌محور را فراهم کند. در چنین الگویی، فعالیت

آغاز تولید سریال انیمیشنی ده‌ساله با هدف بازآفرینی حماسه فردوسی در قالبی متناسب با رسانه‌های امروز

شاهنامه در مسیر بازآفرینی تصویری

یادداشت

زهرانجفی روزنامه‌نگار

آغاز تولید سریال انیمیشنی «شاهنامه» به کارگردانی و تهیه‌کنندگی اشکان رهگذر، فراتر از شروع یک پروژه هنری، تلاشی برای بازآفرینی یکی از مهم‌ترین میراث‌های فرهنگی ایران است، پروژه‌ای که با افق تولید و پخش ده‌ساله، می‌تواند زمینه‌ساز ارتباط دوباره نسل امروز با حماسه فردوسی و معرفی آن به مخاطبان جهانی باشد.

شاهنامه تنها مجموعه‌ای از داستان‌های اساطیری و پهلوانی نیست؛ این اثر یکی از پایه‌های اصلی حافظه تاریخی و هویت فرهنگی ایرانیان به شمار می‌رود. فردوسی با گردآوری و بازآفرینی روایت‌های کهن، اثری پدید آورد که در طول قرن‌ها به حفظ زبان فارسی و انتقال ارزش‌ها، اسطوره‌ها و خاتره جمعی ایرانیان کمک کرد. از این منظر، بازآفرینی تصویری شاهنامه با باید اقدامی فرهنگی با اهمیت تاریخی دانست، اقدامی برای آنکه این میراث از صفحات کتاب فراتر رود و در قالبی متناسب با نیازهای مخاطب معاصر ادامه حیات دهد.

شاهنامه؛ میرایی که باید دوباره روایت شود
تغییر شیوه‌های مصرف محتوا و گسترش رسانه‌های تصویری، ضرورت ارائه روایت‌های تازه از آثار کلاسیک را افزایش داده است. نسل‌های جدید بیش از گذشته با تئوبهی از محصولات سرگرمی داخلی و جهانی مواجه‌اند و تداوم ارتباط آنها با میراث ادبی، نیازمند یافتن زبان‌های روانی تازه است. انیمیشن در این میان ظرفیت ویژه‌ای دارد زیرا می‌تواند جهان اسطوره‌ای شاهنامه، شخصیت‌های پیچیده و نبردهای حماسی آن را به نژادهای دیداری و شنیداری تبدیل کند. بر اساس اطلاعات منتشرشده، سریال «شاهنامه» قرار است داستان‌های این اثر را از آغاز تا پایان روایت کند؛ رویکردی که آن را از اقتباس‌های محدود و پراکنده متمایز می‌سازد. فصل اول با عنوان «نخستین پادشاه»، به دوران پادشاهی کیومرث می‌پردازد و آغازگر مسیری است که در صورت تحقق کامل برنامه، بخش گسترده‌ای از جهان شاهنامه فردوسی را در بر خواهد گرفت. اهمیت این رویکرد در آن است که شاهنامه صرفاً به داستان‌های مشهور رستم و سهراب یا رستم و

نقشه مهندسی فرهنگی می‌تواند زمینه‌گذار از تصمیم‌های پراکنده به برنامه‌ریزی مسأله‌محور را فراهم کند.

نقشه‌ها از بالا به پایین تدوین نشده‌اند، بلکه استان‌ها در شناسایی مسائل و متناسب‌سازی برنامه‌ها با شرایط خود مشارکت داشته‌اند.

مشارکت استانی و ضرورت هماهنگی نهادی
تجربه تدوین برش‌های استانی نشان می‌دهد که تمرکززدایی در سیاستگذاری فرهنگی، زمانی اثربخش خواهد بود که با تقسیم کار روشن و سازوکارهای هماهنگی همراه شود. بر اساس گزارش ارائه‌شده، فرآیند تدوین نقشه در ۳۰ استان نهایی شده و استان گیلان تنها استانی است که تکمیل این فرآیند در آن باقی مانده است. در کنار تدوین اسناد، اصلاح آیین‌نامه شورا‌های فرهنگ عمومی، پیش‌بینی پنج کمیته برای برنامه‌ریزی و پیگیری امور، ایجاد هیأت‌رئیس‌ه در شورا‌های استانی و تقویت دبیرخانه‌ها از جمله اقداماتی است که با هدف بهبود عملکرد این شوراها انجام شده است. این اصلاحات می‌تواند به توزیع روشن‌تر مسئولیت‌ها و پیگیری منظم‌تر مصوبات کمک کند.

از سوی دیگر، انتقال تجربه‌های موفق میان استان‌ها اهمیت ویژه‌ای دارد. برخی مسائل فرهنگی در مناطق مختلف مشترک‌اند، اما شیوه مواجهه با آنها باید متناسب با شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی هر منطقه طراحی شود. بنابراین، سیاست‌گذاری ملی باید ضمن تعیین اولویت‌های مشترک، امکان انعطاف و ابتکار عمل استانی را حفظ کند.

هفت خوشه مبنایی برای اولویت‌بندی مسائل
بر اساس گزارش مطرح‌شده در

جلسه، ۱۵۰ مسأله شناسایی‌شده در هفت خوشه موضوعی دسته‌بندی شده‌اند. ارزش‌های دینی و هویتی، خانواده و سبک زندگی ایرانی-اسلامی، آسیب‌های اجتماعی، میراث فرهنگی، اقتصاد فرهنگ، مدیریت فرهنگی، فضای مجازی و سواد رسانه‌ای از جمله حوزه‌های مورد توجه در این فرآیند هستند. صالحی با اشاره به سهم بیشتر دو خوشه «ارزش‌های هویتی» و «دینی» و «خانواده و سبک زندگی ایرانی-اسلامی» در نظام مسائل استان‌ها، بر ضرورت توجه بیشتر به این حوزه‌ها تأکید کرد.

این دسته‌بندی می‌تواند به شورای فرهنگ عمومی کشور کمک کند تا به جای بررسی جداگانه مسائل متعدد، برنامه راهبری خود را بر محور موضوعات مشترک تنظیم کند. در این چارچوب، نقش شورای فرهنگ عمومی کشور از بررسی و تصویب اسناد فراتر می‌رود. این شورا باید بتواند میان دستگاه‌های مسئول هماهنگی ایجاد کند، نیازهای مشترک استان‌ها را تشخیص دهد و در مواردی که حل مسائل به حمایت یا تصمیم‌گیری ملی نیاز دارد، زمینه مداخله مؤثر را فراهم سازد.

درباره نمایش **کمدی بدنام** و بازخوانی انتقادی تاریخ تئاتر لاله‌زار

تئاتر عامه‌پسند، بی‌آنکه عوام‌زده باشد



و نشاط و شوخی‌های صحنه، واقعیت‌هایی چون فراموشی، فقدان و زوال نیز حضور دارند. در اینجا، خنده به راهی برای مواجهه با تلخی تبدیل می‌شود، نه وسیله‌ای برای نادیده گرفتن آن. بازی خوب جواد خواجوی و مازیار مهرگان از نقاط قوت نمایش است؛ دو بازیگری که با درک درست از نقش و شناخت ظرافت موقعیت‌های نمایشی، توانسته‌اند در فضایی بینامتنی که کمدی و تزارژی را به هم پیوند می‌دهد، حضوری مؤثر و باورپذیر داشته باشند. تسلط آنها بر لحن، ریتم و تغییرات عاطفی موقعیت‌ها، با حفظ جنبه سرگرم‌کننده اجرا، به لایه‌های انتقادی و تلخ اثر نیز عمق می‌بخشد. آنها به خوبی از عهده ایجاد تعادل میان خنده و اندوه برمی‌آیند و نشان می‌دهند در این نمایش، کمدی نه در تقابل با تزارژی، بلکه در گفت‌وگو با آن معنا پیدای می‌کند. در مجموع، نمایش با تلفیق تاریخ‌نگری، طنز انتقادی، موسیقی زنده و امکانات تصویری، ظرفیت‌های تئاتر عامه‌پسند را از نو به نمایش می‌گذارد. اهمیت آن در این است که میان ارتباط برقرار می‌کند و در پایان با تجربه‌ای تلخ روبه‌رو می‌شود که او را به تأمل فرامی‌خواند. این همان نقطه‌ای است که کمدی از سرگرمی صرف فراتر می‌رود و به ابزاری برای خردورزی تبدیل می‌شود؛ تجربه‌ای که هم خنده برمی‌انگیزد و هم پرسش‌هایی ماندگار در ذهن مخاطب باقی می‌گذارد.

نقد

نمایش «کمدی بدنام» به کارگردانی علی اصغری با نگاهی به تاریخ تئاتر لاله‌زار و هنرمندانی که در شکل‌گیری و تداوم آن نقش داشته‌اند، می‌کوشد بخشی از خاطره جمعی و تاریخ تئاتر عامه‌پسند ایران را بازخوانی کند. اهمیت اثر، فراتر از یادآوری گذشته، در پیوند میان تاریخ، سرگرمی و نقد اجتماعی است. نمایش با فاصله گرفتن از روایتی صرفاً نوستالژیک، تاریخ را به بستری زنده برای آفرینش صحنه‌ای تبدیل می‌کند؛ بستری که در آن گذشته با مسائل و تجربه‌های امروز پیوند می‌خورد. یکی از ویژگی‌های مهم اثر، مواجهه هوشمندانه آن با مفهوم تئاتر عامه‌پسند است؛ تئاتری که مخاطب گسترده را هدف قرار می‌دهد، اما برای جلب رضایت او به عوام‌زدگی تن نمی‌دهد. نمایش با تکیه بر زبان ساده، موقعیت‌های کمیک و ارتباط مستقیم با تماشاگر، نشان می‌دهد مردمی بودن لزوماً به معنای سطحی بودن نیست. اینجا، سرگرمی نه مانعی برای تفکر، بلکه راهی برای نزدیک شدن به مسائل تاریخی و اجتماعی است. اثر می‌کوشد مخاطب را بختاند، با آنکه قدرت تأمل و داوری او را نادیده بگیرد. درهم‌تنیدگی طنز و نگاه انتقادی نیز از نقاط قوت نمایش است. شوخی‌ها صرفاً برای ایجاد خنده طراحی نشده‌اند، بلکه امکان آشکار کردن تناقض‌ها و مواجهه با واقعیت‌های تلخ را فراهم می‌کنند. این رویکرد در شوخی سبک سینما و سینماگران، از جمله مهران مدیری و اصغر فرهادی، جلوه‌ای دیگر می‌یابد. ارجاع به این چهره‌های شناخته‌شده، از یک سو بر شناخت عمومی تماشاگر از فرهنگ و سرگرمی معاصر تکیه دارد و از سوی دیگر، فضای مناسبی برای شوخی با شهرت، مناسبات هنری و تصویر عمومی هنرمندان ایجاد می‌کند. این چنانی انیمیشن پیوندی موفق برقرار کند، فراتر از یک مجموعه سرگرم‌کننده خواهد بود؛ گامی برای تداوم حافظه تاریخی ایران و معرفی یکی از ارزشمندترین آثار ادبی آن به جهان.



خلاصیت انسانی، هدایت هنری و کیفیت روایت وابسته است. فناوری زمانی به میراث فرهنگی خدمت می‌کند که ابزار تقویت تخیل باشد، نه جایگزین آن.

از هویت ملی تا مخاطب جهانی

تولید سریال به دو زبان فارسی و انگلیسی، افق بین‌المللی پروژه را برجسته می‌کند. شاهنامه ظرفیت آن را دارد که فراتر از مرزهای زبانی، مخاطبان جهانی را به کشمکش انسان با خویشتر آشنا کند. با این حال، موفقیت جهانی صرفاً با ترجمه دیالوگ‌ها به دست نمی‌آید؛ انتقال زمینه‌های فرهنگی و ارائه روایتی قابل‌فهم برای مخاطبانی که با اسطوره‌های ایرانی آشنایی ندارند، اهمیت اساسی دارد. اشکان رهگذر پیش‌تر با ساخت انیمیشن سینمایی «آخرین داستان» و تولید هفت جلد رمان گرافیکی بر اساس داستان‌های شاهنامه، تجربه پرداختن به این جهان حماسی را داشته است. اکنون سریال جدید، اولین سریال انیمیشنی بلند و مستقل، فرصتی برای گسترش این تجربه در مقیاسی متفاوت فراهم می‌کند.

اهمیت تاریخی این پروژه به تعداد قسمت‌ها یا فناوری مورد استفاده محدود نمی‌شود. مسأله اصلی، انتقال میراث فردوسی به نسل‌هایی است که باید بتوانند آن را نه فقط به عنوان یادگاری از گذشته، بلکه به‌عنوان بخشی زنده از فرهنگ خود بشناسند. اگر «شاهنامه» بتواند میان اصالت فرهنگی، کیفیت هنری و زبان جهانی انیمیشن پیوندی موفق برقرار کند، فراتر از یک مجموعه سرگرم‌کننده خواهد بود؛ گامی برای تداوم حافظه تاریخی ایران و معرفی یکی از ارزشمندترین آثار ادبی آن به جهان.



در سایه تردید و خیانت

جاسوس و خائن نوشته بن مکینتایر به نقش اشخاصی می پردازد

که در سایه جنگ سرد فعالیت می کردند

رمان تاریخی - جاسوسی



امیر میرحاج

مترجم: «جاسوس و خائن»

وقتی دبیر انتشارات وزن دنیا، سرکار خانم کاظم‌خواه، ترجمه کتاب «جاسوس و خائن: بزرگ‌ترین داستان جاسوسی جنگ سرد» را پیشنهاد کردند، چیزی که بیش از همه مرا جذب کرد، نشان دادن پیچیدگی موضوعی بود که از نظر بسیاری، امری تک‌بعدی به نظر می‌رسد. زاویه دید خود به این موضوع پرداخته است، اما مکینتایر به دوران جنگ سرد آثار متعددی نوشته شده و هر نویسنده‌ای از زاویه دید خود به این موضوع پرداخته است، اما مکینتایر به تدرید و تعلیق، بعدی انسانی بخشیده است. شخصیت اصلی داستان در موقعیتی قرار می‌گیرد که برای انجام کاری که درست می‌داند، زندگی خود، خانواده‌اش و حتی کشورش را به خطر می‌اندازد. اولگ گوردیفسکی در مقام شخصیت محوری داستان، پیوسته با تصمیم‌گیری و تردید درباره پیامدهای انتخاب‌هایش مواجه است. همین پیچیدگی است که به کتاب عمق انسانی می‌بخشد. گوردیفسکی، افسر ارشد کا.گ.ب، یکی از مخوف‌ترین و بیست‌ترین سازمان‌های اطلاعاتی جهان، در فضای حفقان‌آور شوروی زندگی می‌کند، اما در مواجهه با جهان بیرون و دروغ‌هایی که در کشورش با آنها روبه‌رو می‌شود، به همکاری با اردوگاه رقیب روی می‌آورد. اینکه چه اتفاقاتی باعث می‌شود فردی با چنین جایگاهی در آن فضا این تصمیم را بگیرد، پرسشی اساسی است. انسان تا چه زمانی به وفاداری کورکورانه به یک نظام بسته پایبند می‌ماند؟ شاید جذاب‌تر از همه این باشد که گوردیفسکی، نه قهرمانی نبی‌نقص، بلکه انسانی خاکستری است که ناچار می‌شود میان وفاداری به کشورش و پایبندی به چیزی که درست تشخیص می‌دهد، دست به انتخاب بزند. به نظر، هسته اصلی کتاب نیز در همین کشمکش نهفته است.

رقابتی شطرنج‌گونه میان شرق و غرب

پایبندی امروز، فارغ از زبان و ملیت، اغلب با روایت‌هایی مواجه است که واقعیت‌های پیچیده تاریخی را به شکلی ساده‌سازی شده عرضه می‌کنند؛ روایت‌هایی که باید بتوان آنها را در یک

تاریخ تکرار نمی‌شود

به نظر می‌آید در نظر داشت که هر اثر تاریخی می‌تواند در جوامع مختلف معناها و دلالت‌های متفاوتی پیدا کند. به قول معروف، تاریخ تکرار نمی‌شود، اما روندها و الگوها می‌توانند مشابه باشند. ممکن است انسان شوروی در دوران جنگ سرد و انسان امروز در دو بستر تاریخی و اجتماعی کاملاً متفاوت، با مسأله‌ای مشترک مواجه شوند؛ اما این شباهت لزوماً به معنای یکسان بودن چالش‌ها یا راهکارها نیست. انتخاب میان مصلحت شخصی و مسئولیت اخلاقی و پرداختن هزینه‌های این انتخاب، در دوره‌های تاریخی و جوامع مختلف پیامدهای متفاوتی دارد. آنچه در داستان گوردیفسکی برای من تأمل‌برانگیز

پست اینستاگرامی یا توثیت توضیح داد. جنگ سرد نیز گاهی به جدال میان دو ایدئولوژی تقلیل پیدا می‌کند؛ رقابتی شطرنج‌گونه که در آن رهبران شرق و غرب مهره‌های اصلی‌اند و سرنوشت جهان به تصمیم‌های آنها وابسته است. اما «جاسوس و خائن» به نقش انسان‌هایی می‌پردازد که در سایه این رقابت بزرگ فعالیت می‌کردند و گاه تصمیم‌های‌شان پیامدهایی به مراتب فراتر از جایگاه سازمانی‌شان داشت. مکینتایر نشان می‌دهد حتی بزرگ‌ترین و مجهزترین سازمان‌های اطلاعاتی غرب نیز ممکن است اشتباه کنند و درک درستی از کشور رقیب نداشته باشند. پیامدهای چنین وجود داشت، می‌توانست غیرقابل تصور باشد. در چنین موقعیتی، اطلاعاتی که افرادی مانند گوردیفسکی در اختیار طرف مقابل قرار می‌دادند، می‌توانست در جلوگیری از سوءبرداشت‌ها و تصمیم‌های خطرناک نقشی تعیین‌کننده داشته باشد. از این منظر، کتاب یادآوری می‌کند تحولات بزرگ تاریخی همیشه فقط محصول تصمیم رهبران و قدرت‌های بزرگ نیستند و گاهی باید برای فهم آنها به سراغ افرادی رفت که در حاشیه روایت‌های رسمی قرار گرفته‌اند. البته نمی‌توان شرایط تاریخی و سیاسی جنگ سرد را با دوران حاضر یکسان دانست، اما برای مخاطب تیزبین، همواره نکاتی برای تأمل وجود دارد؛ به‌ویژه درباره محدودیت‌های شناخت، خطاهای محاسباتی و اهمیت افرادی که در لحظات حساس می‌توانند مسیر رویدادها را تغییر دهند .

خیانت یا وفاداری؟!

در وهله نخست، «جاسوس و خائن: بزرگ‌ترین داستان جاسوسی جنگ سرد» را به علاقه‌مندان تاریخ، جنگ سرد، جاسوسی و سازمان‌های اطلاعاتی پیشنهاد می‌کنم. مکینتایر تلاش کرده با نثری روان و شیوه روایی جذاب، تاریخ را به‌گونه‌ای روایت کند که برای خواندن کتاب به پیش‌زمینه تخصصی گسترده‌ای نیاز نباشد. با این حال، مخاطبی که آشنایی اولیه‌ای با تاریخ شوروی، مناسبات شرق و غرب و رویدادهای دوران جنگ سرد داشته باشد، طبیعتاً ارتباط آسان‌تری با برخی بخش‌های کتاب برقرار خواهد کرد. در عین حال، بخش مهمی از اثر به روابط انسانی و تصمیم‌هایی اختصاص دارد که افراد در موقعیت‌های دشوار می‌گیرند. از همین رو، حتی کسانی که علاقه چندانی به تاریخ یا موضوع جاسوسی ندارند نیز می‌توانند از این ابعاد انسانی لذت ببرند. می‌تواند از سویی دیگر، تعلیق و هیجان روایت، به‌ویژه در بخش پایانی کتاب که مکینتایر با جزئیات فراوان و ضریابانگی نفسگیر

ماجرایا را پیش می‌برد، برای علاقه‌مندان به روایت‌های پرکشش و مستند جذاب خواهد بود. برای من جالب است بدانم خواننده پس از پایان کتاب چه برداشتی از گوردیفسکی پیدا می‌کند. آیا او قهرمانی می‌بیند که برای جلوگیری از فاجعه و نجات جان انسان‌ها خطر کرده است، یا فردی که به کشورش خیانت کرده و امنیت و زندگی بهتر را بر وفاداری به میهن ترجیح داده است؟ شاید هم خواننده در نهایت به این نتیجه برسد که نمی‌توان به‌سادگی یکی از این دو تصویر را پذیرفت. به نظر، یکی از جذابیت‌های کتاب همین است که خواننده را به قضاوت درباره شخصیتی دعوت می‌کند که تصمیم‌هایش را نمی‌توان جدا از شرایط تاریخی، محدودیت‌های فردی و پیامدهای اخلاقی آنها فهمید.

چالش‌های ترجمه

یکی از چالش‌های معمول در ترجمه آثار تاریخی، اطمینان از نگارش درست و یکدست نام اشخاص، مکان‌ها و نهادهاست. در این کتاب، به دلیل

حضور شمار زیادی از شخصیت‌های روس، این مسأله پیچیدگی بیشتری پیدا می‌کرد؛ زیرا برای برگردان نام‌ها به فارسی باید به تلفظ، شیوه‌های رایج نگارش و یکپارچگی متن توجه می‌کردم. در برخی موارد، رسیدن به مناسب‌ترین صورت فارسی نام‌ها نیازمند بررسی و تصمیم‌گیری دقیق بود. چالش‌ش دیگر، اصطلاحات تخصصی دنیای جاسوسی و اطلاعات بود. مکینتایر از واژگان و تعبیری استفاده می‌کند که برای برخی از آنها معادل فارسی جافتاده و دقیقی وجود ندارد؛ بنابراین، پیدا کردن معادل مناسب مستلزم تحقیق بیشتر و بررسی کاربرد اصطلاحات در بافت تاریخی و سازمانی آنها بود. تجربه نگارش تاریخی و سازمانی آنها بود که میان وفاداری به اطلاعات، روانی زبان فارسی و حفظ کشش روایت تعادل برقرار کنم.

من معمولاً آثار داستانی ترجمه نمی‌کنم، اما «جاسوس و خائن» با وجود برخورداری از روایتی داستان‌گونه، در چارچوب یک رمان متعارف قرار نمی‌گیرد. این کتاب



اولگ گوردیفسکی سال ۱۹۹۱ در لندن

اثری مستند و تاریخی است که نویسنده در آن از ابزارهای داستان‌گویی برای بازسازی وقایع واقعی استفاده می‌کند. به همین دلیل، نمی‌توان مانند یک رمان شخصیت‌محور، برای هر شخصیت لحن ادبی مستقلاً در نظر گرفت؛ به‌ویژه آنکه بخش عمده کتاب به توصیف موقعیت‌ها، شرح رویدادها و بازسازی فضای تاریخی اختصاص دارد و گفت‌وگوها به آن معنا نقش محوری ندارند. در چنین بخش پایانی، بیشتر معطوف به حفظ ضریابانگی بود که مکینتایر در روایت ایجاد کرده است؛ به‌گونه‌ای که خواننده بتواند هم جزئیات ماجرا را دنبال کند و هم تعلیق و هیجان آن را از دست ندهد. به‌طور کلی، نمی‌توان یک ترجمه را کاملاً عاری از لحن و انتخاب‌های زبانی مترجم دانست. هر مترجم ناگزیر است درباره واژه‌ها، ساختار جمله‌ها و شیوه انتقال معنا تصمیم بگیرد و همین تصمیم‌ها در پای او را در متن باقی می‌گذارند. با این حال، تلاش من این بوده است که این ردپا تا حد امکان کم‌رنگ باشد.

دستیابی مترجم به منطق و جهان اثر

«جاسوس و خائن» نخستین تجربه من در ترجمه آثار داستانی نیست، اما شیوه روایت تاریخی مکینتایر ویژگی خاصی دارد و به کتاب، در عین مستند بودن، کشش و جذابیت یک روایت داستانی می‌بخشد. همین ترکیب، تجربه ترجمه آن را برای من متمایز می‌کند. در این اثر، مترجم از یک سو باید در برابر اطلاعات و واقعیت‌های تاریخی مسئول باشد و از سویی دیگر، باید بتواند ظریف‌های زبان فارسی را برای بازآفرینی روایتی پرکشش به کار بگیرد. تاریخ در این کتاب صرفاً مجموعه‌ای از وقایع سبیری شده نیست، بلکه حاصل تصمیم‌هایی است که انسان‌ها در شرایط واقعی و با اطلاعات محدود می‌گیرند؛ تصمیم‌هایی که پیامدهایشان گاه بسیار فراتر از تصور آنها می‌رود. این نگاه برای من جذاب است، زیرا به ترجمه نیز معنایی فراتر از انتقال واژه‌ها می‌بخشد. همان‌طور که خواننده باید از خلال جزئیات به درک کلی‌تری از رویدادها برسد، مترجم نیز باید از خلال واژه‌ها و جمله‌ها به منطق جهان اتردست پیدا کند و آن را در زبانی دیگر بازآفرینی کند. امیدوارم خواننده فارسی‌زبان نیز هنگام مطالعه این کتاب، به فراوانی بردن از ماجراجویی‌های و پرتعلیق، با پرسش‌هایی روبه‌رو شود که پس از پایان کتاب همچنان ارزش فکر کردن داشته باشند. در نهایت، موفقیت ترجمه برای من زمانی معنا پیدا می‌کند که خواننده بتواند مسیر روایت را دنبال کند، بی‌آنکه ترجمه معنی او و جهان کتاب ایجاد کند.

زندگی دوگانه اولگ

روایتی مستند از بزرگ‌ترین پرونده نفوذ جنگ سرد

مرو

بهار خسروی

گروه کتاب

در جهان جنگ سرد، تقابل قدرت‌ها فقط در میدان‌های نظامی و پشت میزهای دیپلماسی جریان نداشت؛ شبکه‌های پنهان جاسوسی نیز در شکل دادن به تصمیم‌های سیاسی و امنیتی نقشی حیاتی داشتند. دراین فضای آکنده از بی‌اعتمادی، یک خبر محرمانه می‌توانست مسیر روابط دو کشور را تغییر دهد و یک سوءبرداشت، پیامدهایی جبران‌ناپذیر به بار آورد. اما جاسوسی تنها مجاری رمزها و عملیات مخفی نیست؛ گاهی انسانی را در برابر دشوارترین و ترازیک‌ترین انتخاب‌ها می‌گذارد؛ وفاداری کورکورانه به سازمان یا پایبندی به باورهای شخصی. چنین انتخابی، در کنار سایه سنگین خطر افشا و تهدید خانواده، سرنوشت فرد را به کشمکش نفسگیر میان قدرت‌های بزرگ پیوند می‌زند و مرز میان قهرمان و خیانتکار را محو می‌کند. کتاب «جاسوس و خائن» نوشته بن مکینتایر با ترجمه امیر میرحاج که در انتشارات وزن دنیا منتشرشده، به واکاوی و بررسی این ابعاد پنهان، لایه‌های تاریک تصمیم‌های انسانی و بزرگ‌ترین پرونده جاسوسی جنگ سرد می‌پردازد. این اثر روایتی مستند از یکی از مهم‌ترین پرونده‌های جاسوسی دوران جنگ سرد است و داستان اولگ گوردیفسکی را روایت می‌کند که در قلب سازمان اطلاعات شوروی به‌عنوان افسر ارشد کا.گ.ب مشغول خدمت است، اما سال‌ها به‌طور مخفیانه برای سرویس اطلاعاتی بریتانیا می‌کند؛ تا جایی که بسیاری او را مهم‌ترین مأمور نفوذی غرب در کل دوران جنگ سرد می‌دانند. آنچه این کتاب را از یک روایت معمولی



تاریخی جدا می‌کند، دو چیز است: اول واقعی بودن همه ماجراها و دوم شیوه روایت آنها. مکینتایر ماجرای گوردیفسکی را با تعلیق، صحنه‌پردازی و با نگاه دقیق به حالت درونی شخصیت‌ها روایت می‌کند. با این حال هرچیز که در کتاب می‌خوانیم بر پایه اسناد و پرونده‌های اطلاعاتی پرونده است. نتیجه این ترکیب، کتابی است که هم یک مستند تاریخی به شمار می‌آید و هم یک تریلر جاسوسی؛ و همین دوگانگی است که آن را به یکی از تحسین‌شده‌ترین آثار مستند دهه‌های اخیر تبدیل کرده است. از نگاه شوروی، گوردیفسکی خائنی بود که به مرگ محکوم شد؛ اما از نگاه بریتانیا و از نگاه



جاسوس و خائن

بزرگ‌ترین داستان جاسوسی جنگ سرد

- نویسنده: **بن مکینتایر**
- مترجم: **امیر میرحاج**
- انتشارات: **وزن دنیا**
- تعداد صفحات: **۲۷۶ صفحه**
- قیمت: **۸۵۰۰۰۰ تومان**

که واقعیت از هر رمان جاسوسی نفسگیرتر می‌شود، چون خواننده می‌داند آنچه می‌خواند فقط از ذهن نویسنده نمی‌آید، بلکه اتفاقی است که واقعاً افتاده است. اما این فرار فقط پایان یک زندگی شخصی نبود؛ پیامدهای سیاسی گسترده‌ای هم داشت. در سال‌های پرتنش دهه ۱۹۸۰، اطلاعات محرمانه گوردیفسکی به غرب کمک کرد تا تصویری روشن از محاسبات کرملین داشته باشد. او در مقطعی که سایه سنگین جنگ بر جهان سنگینی می‌کرد، با انتقال درست حقایق، مانع از شکل‌گیری سوءتفاهم‌های مرگبار میان دو قطب قدرت شد. فرار او تنها یک عملیات گریز نبود؛ بلکه شوکی سیاسی بود که روابط بریتانیا و شوروی را دستخوش تنش عمیق کرد و معادلات پنهان میان دو قدرت را تغییر داد و به یکی از مشهورترین پرونده‌های جنگ سرد تبدیل شد.

وفاداری یا خیانت؟

مکینتایر در طول کتاب نشان می‌دهد شخصیت اصلی، نه قهرمانی بی‌نقص است و نه صرفاً یک خائن؛ او انسانی است که میان وفاداری، باورهای اخلاقی، خانواده‌ای که در شوروی مانده بود و خطر مرگ گرفتار شده و همین پیچیدگی است که خواننده را تا آخرین صفحه همراه خود نگه می‌دارد. او گوردیفسکی را همان‌طور که بود نشان می‌دهد: آدمی با ترس‌ها، شک‌ها،



در جست‌وجوی رازهای مگو

بندیکت ریچارد پیرس مکینتایر، متولد ۲۵ دسامبر ۱۹۶۳، مورخ، روزنامه‌نگار، نویسنده و ستون‌نویس ارشد روزنامه بریتانیایی «تایمز» است. او تحصیلات خود را در مدرسه ایننگدون و سپس در کالج سنت‌جان دانشگاه کمبریج پی گرفت و در سال ۱۹۸۵ در رشته تاریخ فارغ‌التحصیل شد. مکینتایر سال‌ها به‌عنوان خبرنگار خارجی و مدیر دفتر روزنامه تایمز در شهرهای مهمی چون نیویورک، پاریس و واشنگتن فعالیت کرده و از سال ۱۹۹۶ تاکنون ستون هفتگی ثابت خود را در این روزنامه منتشر می‌کند. تخصص او در گوش میان اسناد طبقه‌بندی‌شده و پیوند دادن پژوهش‌های مؤثر آرشئولوژی با نثری دراماتیک، پرتعلیق و داستان‌گونه، او را به یکی از موفق‌ترین نویسندگان جهان در حوزه تاریخ امنیتی و پرونده‌های جاسوسی قرن بیستم بدل کرده است؛ ویژگی‌هایی که او آج در اثری چون «جاسوس و خائن» به چشم می‌خورد. او با کالبدشکافی دقیق پرونده اولگ گوردیفسکی روایت فرار نفسگیرش، جدال هوولناک و وجدان انسان را در برابر قدرت به تصویر می‌کشد و زوایای تاریک بازی بزرگ جنگ سرد را آشکار می‌کند. از دیگر آثار بن مکینتایر می‌توان به «مأمور سونیا»، «یک جاسوس در میان دوستان»، «عملیات اتاق ۱۳»، «فریب هیترل» و «مأمور زیگزاک» اشاره کرد.

خبر خودرو

واکنش سازمان حمایت به انتقادها از افزایش قیمت‌ها



رئیس سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان در واکنش به انتقادها از افزایش قیمت‌ها عنوان کرد: «رشد قیمت‌ها لزوماً به معنای گرانفروشی یا نبود نظارت نیست و قیمت‌گذاری کالاها باید با در نظر گرفتن هزینه‌های تولید، حمل‌ونقل و سود متعارف و در چارچوب ضوابط قانونی انجام شود؛ همزمان، حضور محسوس نهادهای نظارتی در بازار و رعایت حقوق مصرف‌کنندگان نیز ضروری است.» حسین فرهیبدزاده، در نهمین نشست گفت‌وگوی مسأله‌محور با تشکل‌ها و نهادهای مدنی با اشاره به فشارهای ناشی از تحریم‌ها و شرایط جنگ اقتصادی گفت: «در چنین شرایطی، اصناف، تولیدکنندگان و تأمین‌کنندگان بخش مهمی از مسئولیت تأمین نیازهای مردم و جلوگیری از شکل‌گیری نارضایتی ناشی از کمبود کالا را برعهده دارند.»

او با تأکید بر ضرورت افزایش حضور محسوس نهادهای نظارتی در بازار گفت: «نظارت صرفاً به معنای تشکیل پرونده برای متخلفان نیست، بلکه مردم باید حضور نهادهای مسئول را در بازار احساس کنند و مطمئن باشند دولت بر وضعیت عرضه و قیمت کالاها نظارت دارد.» او در ادامه با اشاره به لایحه اصلاح مقررات تعزیرات حکومتی گفت: «در این لایحه، برخی مسائل و نگرانی‌های اصناف در زمینه رسیدگی به تخلفات مورد توجه قرار گرفته، در روند رسیدگی به تخلفات، قرار است میان مراحل مختلف تخلف و دامنه کالاها مشمول رسیدگی تفکیک بیشتری صورت گیرد؛ به گونه‌ای که ابتدا کالای مرتبط با موضوع شکایت و سپس در صورت تداوم تخلف، موارد دیگر مطابق ضوابط بررسی شوند. امیدواریم با تصویب این لایحه در مجلس، اصلاحات پیش‌بینی‌شده اجرایی و به کاهش مشکلات قانونی اصناف کمک کند.» رئیس سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان بر ضرورت تداوم گفت‌وگو با نمایندگان اصناف و تأمین‌کنندگان برای بررسی مشکلات بازار، از جمله مسائل مرتبط با ارز و تأمین کالا تأکید کرد.

ماشین وارداتی

آئودی E5 اسپرت‌بک

برقی جدید در راه بازار ایران



آئودی E5 اسپرت‌بک با قدرت ۲۹۹ اسب‌بخار، برد حرکتی اعلامی ۶۱۸ کیلومتر و مجموعه‌ای از تجهیزات پیشرفته ایمنی و کمک‌راننده، گواهی تأیید نوع را دریافت کرده و در مسیر ورود به بازار ایران قرار گرفته است. اسناد رسمی منتشرشده از صدور گواهی تأیید نوع آئودی E5 اسپرت‌بک برای بازار ایران خبر می‌دهند. این خودرو که با کد فنی SVW700331BEV در اسناد ثبت شده، احتمالاً نسخه Pioneer این مدل است؛ نیبی که از یک موتور برقی روی محور عقب استفاده می‌کند و می‌تواند آئودی را به یکی از گزینه‌های متفاوت در میان خودروهای تمام‌برقی وارداتی تبدیل کند.

آئودی E5 اسپرت‌بک به یک موتور الکتریکی با کد فنی T210XS1191 مجهز شده است که حداکثر ۲۲۰ کیلووات، معادل حدود ۲۹۹ اسب‌بخار قدرت و ۴۲۰ نیوتن‌متر گشتاور تولید می‌کند. این موتور به چرخ‌های عقب منتقل می‌شود و حداکثر سرعت خودرو به ۲۰۵ کیلومتر بر ساعت می‌رسد. انتقال گشتاور آئودی موتور برقی به محور عقب می‌تواند شتاب‌گیری سریع و واکنش مناسبی به فشردن پدال گاز فراهم کند. البته عملکرد خودرو در مسیرهای لغزنده همچنان به سامانه‌های کنترل کشش و پایداری وابسته خواهد بود. E5 اسپرت‌بک حاصل همکاری آئودی آلمان و گروه خودروسازی سایک چین است. این خودرو با یک مجموعه باتری لیتیوم آهن فسفات با ظرفیت ۷۶ کیلووات‌ساعت استفاده می‌کند. این نوع باتری به دلیل پایداری حرارتی مناسب و طول عمر بالای چرخه‌های شارژ، در بسیاری از خودروهای برقی جدید مورد توجه قرار گرفته است. برد حرکتی اعلام‌شده برای آئودی E5 اسپرت‌بک بر اساس چرخه آزمایش چین، ۶۱۸ کیلومتر با یک بار شارژ کامل است. با این حال، پیمایش واقعی خودرو به عواملی مانند سرعت حرکت، دمای هوا، استفاده از سیستم ترمز و شرایط مسیر بستگی دارد و ممکن است از رقم اعلام‌شده کمتر باشد. وزن خالص خودرو به ۲۲۲۵ کیلوگرم می‌رسد. بخش قابل توجهی از این وزن به مجموعه باتری مربوط می‌شود. هرچند چانمایی باتری‌ها در کف خودرو به پایین‌ترین مرکز ثقل کمک می‌کند، اما وزن بالای می‌تواند بر مصرف انرژی و استهلاک تایرها و قطعات سیستم تعلیق تأثیر بگذارد. آئودی E5 اسپرت‌بک در بخش تجهیزات ایمنی و کمک‌راننده نیز به مجموعه‌ای از فناوری‌های پیشرفته مجهز شده است. نسخه Pioneer از پرادند NVIDIA Orin-X برای پردازش اطلاعات محیطی استفاده می‌کند و در کنار آن، یک حسگر لیدار، سه رادار موج میلی‌متری، ۱۲ حسگر اولتراسونیک و ۱۱ دوربین، وظیفه پایش اطراف خودرو را برعهده دارند. این مجموعه امکان استفاده از تجهیزات مانند کروز کنترل تطبیقی، ترمز اضطراری خودکار، دستیار حفظ خودرو بین خطوط، هشدار ترافیک عبوری از پشت و دوربین دید پیرامونی ۵۲۰ درجه با قابلیت نمایش مجازی بخش زیرین خودرو را فراهم می‌کند. البته عملکرد این سامانه‌ها به شرایط محیطی، کیفیت خط کشی مسیر و وضعیت حسگرها وابسته است و حضور تجهیزات پیشرفته به معنای رانندگی خودکار یا بی‌نیازی از نظارت راننده نیست.



نسل جدید ب.ام.و M3 استیشن و هیجان در لژ خانوادگی!

محصول بی نظیری که هم مناسب خانواده‌های پرجمعیت است و هم جوانان عشق سرعت

شرایطی که اهالی قاره سبز اقبال بیشتری به خودروهای استیشن دارند. اخیراً شرکت آلمانی ب.ام.و نسخه پرقدردت سری 3 استیشن را با نام M3 Touring رونمایی کرد که شنیده می‌شود چند دستگاه از آن وارد مناطق آزاد کشورمان شده است؛ محصولی که با شکل و شمایلی جذاب و توانایی‌های مطلوب دینامیکی آمده تا همه باورهای سنتی افرادی که خودروهای استیشن را رخوت‌آلود و خسته‌کننده می‌دانند، به باد فراموشی بسپارد.

نقد فنی

ارسلان سلیمانیان

گروه خودرو

اگر ساختار بازار خودروی ایران را رصد کنیم به یک نکته واضح می‌رسیم؛ اینکه خودروهای کراس‌اوور و شاسی‌بلند، طرفداران فراوانی در کشور ما دارند، برخلاف خودروهای استیشن یا MPV که محصولات بسیار سخت‌فروشی هستند. البته این مختصات محدود به ایران نیست، ناگفته پیداست که هر بازاری در هر گوشه‌ای از این جهان پهناور، مختصات خاص خود را دارد. به عبارت بهتر، اگر یک محصول در بازار آسیای شرقی یا خاورمیانه موفق ظاهر شده، می‌تواند در بازار اروپا یک محصول کاملاً شکست‌خورده باشد. با بررسی و مقایسه بازار خودروی قاره اروپا و آمریکا به یک نتیجه روشن می‌رسیم؛ این دو بازار نه‌تنها از جهات گوناگونی دارای تفاوت‌های ساختاری و فرهنگی هستند، بلکه در بسیاری از مواقع درست در نقطه مقابل یکدیگر قرار می‌گیرند. به عنوان مثال، بازار آمریکا را باید خاستگاه اصلی خودروهای شاسی‌بلند (SUV) دانست، در

پیشین متمایز شده است. در نگاه اول M3 Touring را تلفیقی از مدل اسپرت ب.ام.و یعنی Z4 و سدان خانوادگی این کمپانی یعنی نسل جدید سری 5 خواهید یافت و این دقیقاً همان چیزی است که مشتریان این برند می‌خواهند. این موضوع در بازار ایران بیشتر حائز اهمیت است، چراکه خودروهای استیشن قبلاً از اقبال بلندی برخوردار نبودند.

توانمندی‌های دینامیکی

زیرکاپوت M3 استیشن جدید چه خبر است؟ برای نسخه‌های مختلف سری 3، طیف گسترده‌ای از پیش‌راننده‌های کاملاً جدید در نظر گرفته شده است که هر کدام مجهز به آخرین فناوری‌های نوین کاشش آلایندگی هستند. در سال ۲۰۲۶، «مصرف کم سوخت» و «آلایندگی پایین»، شاخص‌های مهمی در بازارهای جهانی به شمار می‌آیند. مهندسان ب.ام.و در طراحی و پردازش پیش‌راننده‌های به‌کار رفته در نسل جدید سری 3 استراتیژی مشخصی را پیش گرفته‌اند که آن چیزی جز «قدرت خروجی بیشتر، مصرف سوخت کمتر» نیست. نتیجه این استراتیژی نیز در تمام نسخه‌های جدید سری 3 به‌راحتی قابل مشاهده است. شناخته‌شده‌ترین محصول سری 3 یعنی

مدل 328i با پیش‌راننده دو لیتری توئین توربو، یکی از امیدهای اصلی خودروساز باورایی جهت کسب سهم عمده‌ای از بازار خودروهای اسپرت است.

پیش‌راننده چهارسیلندر و کاملاً جدید این خودرو، توانایی تولید ۲۴۵ اسب بخار قدرت و ۳۵۲ نیوتون متر گشتاور را داراست که به لطف این ارقام می‌تواند نسخه سدان سری 3 را در دو عرض ۵/۸ ثانیه و نسخه استیشن آن را در مدت ۶ ثانیه از حالت سکون به مرز سرعت ۱۰۰ کیلومتر بر ساعت برساند. اما وقتی صحبت از نسخه M3 می‌شود، باید همه اعداد و ارقام قبلی را فراموش و خود را آماده هیجان مطلق کنید! این استیشن جذاب به یک پیش‌راننده ۶ سیلندر ۳ لیتری از نوع توئین توربو مجهز شده که می‌تواند ۵۳۵ اسب بخار قدرت و ۶۵۰ نیوتون متر گشتاور در اختیار راننده قرار دهد. به لطف چنین پیش‌راننده‌ای، نسخه استیشن M3 تنها ۱۱ ثانیه زمان می‌خواهد تا خود را از حالت سکون به مرز سرعت ۱۰۰ کیلومتر بر ساعت برساند. این یعنی M3 استیشن از بسیاری از خودروهای کوپه و اسپرت موجود در بازار ایران جوان‌پسندتر است!

هنوز اطلاعات دقیقی از قیمت‌گذاری این خودرو منتشر نشده است. باید منتظر ماند و دید این استیشن جذاب با چه قیمتی در مناطق آزاد تجاری به فروش خواهد رسید.

تاریخچه شرکت‌ها

میباخ: نامی فراتر از تجمل

از موتورهای زپلین تا لیموزین‌های اشرافی



میباخ (Maybach) یکی از نام‌های تاریخی صنعت خودروی آلمان است؛ برندی که مسیر آن از ساخت موتورهای پیشرفته آغاز شد و به تولید خودروهایی رسید که در بالاترین سطح بازار لوکس جهان قرار دارند. تاریخ این برند با نام ویلهلم میباح، مهندس آلمانی و از همکاران گوتلیب دایملر، پیوند خورده است؛ فردی که در توسعه موتورهای احتراق داخلی و شکل‌گیری خودروهای مدرن نقش مهمی داشت. ویلهلم میباح در سال ۱۸۴۶ متولد شد و پس از همکاری با دایملر، در سال ۱۹۰۷ فعالیت خود را از شرکت دایملر جدا کرد. دو سال بعد، او و پسرش کارل، شرکتی برای ساخت موتورهای مورد استفاده در کشتی‌های هوایی زپلین تأسیس کردند. توان فنی و کیفیت این موتورها، زمینه شکل‌گیری هویت صنعتی میباح را فراهم کرد. در آن دوره، تمرکز اصلی شرکت بر مهندسی دقیق و ساخت محصولاتی بود که بتوانند نیازهای فنی پیچیده را پاسخ دهند.

ورود به صنعت خودرو

پس از جنگ جهانی اول، تغییر شرایط بازار و محدودیت‌های صنعتی، مسیر فعالیت شرکت را به سمت خودروهای سواری هدایت کرد. میباح در سال ۱۹۲۱ مدل W3 را معرفی کرد؛ خودرویی که با موتور شش سیلندر و فناوری‌های پیشرفته برای زمان خود، ورود رسمی این نام به بازار خودروهای لوکس را رقم زد. در سال ۱۹۲۹، مدل میباح ۱۲ با موتور ۱۲ سیلندر معرفی شد. سپس خانواده زپلین به‌عنوان یکی از شاخص‌ترین محصولات شرکت، جایگاه آن را در میان سازندگان خودروهای تشریفاتی تثبیت کرد. این خودروها با ابعاد بزرگ، موتورهای قدرتمند و کابین‌های مجلل، برای مشتریانی ساخته می‌شدند که کیفیت، راحتی و سفارش‌سازی را بر قیمت و هزینه نگهداری ترجیح می‌دادند. میباح در این دوره تولیدکننده‌ای انبوه نبود. بسیاری از محصولات آن با توجه به نیاز مشتریان و با همکاری بدنه‌سازان متخصص شکل می‌گرفتند. همین رویکرد، خودروهای این شرکت را به محصولات معمول بازار متمایز می‌کرد.

وقته‌ای طولانی

تولید خودروهای میباح تا سال ۱۹۴۱ ادامه یافت، اما جنگ جهانی دوم و تغییر اولویت‌های صنعتی، به پایان این دوره انجامید. پس از جنگ، فعالیت شرکت بیشتر بر ساخت موتور و تجهیزات فنی متمرکز شد. دایملر بنزد در سال ۱۹۶۰ شرکت میباح را خریداری کرد و این نام برای چند دهه از بازار خودروهای سواری مستقل فاصله گرفت. بازگشت میباح در سال ۲۰۰۲ اتفاق افتاد. دایملر کرایسلر تصمیم گرفت این نام تاریخی را برای رقابت در بالاترین سطح بازار خودروهای لوکس احیا کند. مدل‌های میباح ۵۷ و ۶۲ با موتورهای ۱۲ سیلندر، فضای داخلی گسترده و امکانات رفاهی پیشرفته معرفی شدند. این خودروها برای رقابت با محصولات فوق‌لوکس جهان طراحی شده بودند، اما فروش محدود و هزینه‌های بالای تولید، ادامه فعالیت مستقل را دشوار کرد. در نهایت، تولید این نسل در سال ۲۰۱۲ متوقف شد.

میباخ در ایران

حضور میباح در ایران به‌دلیل قیمت بالا، محدودیت‌های وارداتی و دشواری تأمین قطعات، همواره محدود بوده است. با این حال، در سال‌های گذشته نمونه‌هایی از خودروهای این برند در کشور دیده شده‌اند. مدل‌های قدیمی‌تر میباح و برخی محصولات مرسدس‌بنز میباح، بیشتر در میان خودروهای خاص و تشریفاتی شناخته می‌شوند و حضور آنها به معنای وجود شبکه فروش گسترده و رسمی نیست. در شهریور ۱۴۰۵، نام G.MAYBACH به فهرست برنده‌های مجاز برای واردات خودرو توسط ایران‌انبار خارج از کشور اضافه شد. این تصمیم پس از بررسی امکان ارائه خدمات پس از فروش اتخاذ شد و مسیر واردات این خودروها را برای متقاضیان واجد شرایط فراهم کرد. با این حال، مجوز واردات به‌تنهایی به معنای ورود قطعی خودروها با عرضه عمومی آنها نیست و رعایت سایر ضوابط قانونی همچنان ضرورت دارد. البته که فعلاً این موضوع متنی شد. با توجه به جایگاه میباح در بازار جهانی، قیمت بالا و نیاز به خدمات تخصصی، بعید است این برند به خودروسازی پرتیراژ در ایران تبدیل شود. اهمیت آن در بازار کشور بیشتر به حضور محدود خودروهای خاص و امکان واردات نمونه‌های جدید مربوط است.

ستاره‌ای زیر پرچم مرسدس

از سال ۲۰۱۴، میباح در قالب مرسدس‌بنز میباح به فعالیت خود ادامه داد. در این ساختار، فناوری‌های مرسدس‌بنز با طراحی اختصاصی، متریال ممتاز و امکانات رفاهی گسترده ترکیب شده‌اند. مدل‌های S کلاس میباح و شاسی‌بلند GLS از محصولات شاخص این خانواده هستند. در سال‌های اخیر، توسعه خودروهای برقی نیز به برنامه این برند راه یافته است. معرفی مدل تمام‌برقی EQS میباح نشان داد که این نام قصد دارد با تغییرات صنعت خودرو همراه شود و در عین حفظ هویت لوکس خود، فناوری‌های تازه را به کار بگیرد. میباح امروز دیگر یک خودروساز مستقل نیست، اما همچنان یکی از نام‌های شاخص در بخش خودروهای فوق‌لوکس به شمار می‌رود؛ نامی که میراث مهندسی آلمان را با آسایش، کیفیت ساخت و سفارش‌سازی پیوند داده است.

منبع: تاریخچه ویلهلم میباح و شکل‌گیری شرکت

برند لوکس چری با محصولات در سه خانواده توسعه پیدا می‌کند

لوکسید سودای بازار جهانی دارد

Stormax؛ شاسی‌بلند بزرگ لوکسید

در میان محصولاتی که هم‌اکنون در بازار چین حضور دارند، Luxeed همان RX است؛ یک شاسی‌بلند بزرگ پنج‌توره که طراحی آن توسط ورنر گرپور انجام شده است. این خودرو در چین با قیمتی بین ۲۵۹ هزار ۸۰۰ تا ۳۸۹ هزار و ۸۰۰ یوان عرضه می‌شود. Stormax ابعاد ۵۰۲۰ برابری ۵۰۲۰ میلی‌متر طول، ۲۰۰۷ میلی‌متر عرض و ۱۵۸۵ میلی‌متر ارتفاع دارد و فاصله محوری آن به ۳۰۰۰ میلی‌متر می‌رسد. این شاسی‌بلند با رنگ‌های ۲۰ یا ۲۲ اینچ عرضه می‌شود و در محور جلو و عقب از تایرهایی با عرض متفاوت استفاده می‌کند؛ تایرهایی ۲۵۵ میلی‌متری در جلو و ۲۷۵ میلی‌متری در عقب. چرخ‌های عقب نیز از ساختاری متفاوت بهره می‌برند و در مجموع حدود ۱۰ هزار نشانه کربستالی با چینی‌سی نامنظم در آنها به کار رفته است.

کابین Stormax نیز فناوری‌های قابل توجهی دارد. مدل‌های جلو به ۹۸ حسگر و ۲۷ کیسه هوای کوچک مجهز شده‌اند و می‌توانند براساس شرایط رانندگی و وضعیت بدن سرنشین، میزان پشتیبانی خود را به‌صورت لحظه‌ای تنظیم کنند. قابلیت تنظیم فعال بخش‌های کناری صندلی نیز در نظر گرفته شده است. فضای صندوق عقب این خودرو به‌صورت استاندارد ۶۲۲ لیتر ظرفیت دارد و ۲۰ لیتر فضای مخفی نیز در اختیار سرنشینان قرار می‌دهد. باز کردن در صندوق بدون استفاده از دست و با قابلیت موسوم به «Knock Knock»، نیز از دیگر امکانات آن است.

نسخه پایه Stormax به یک موتور برقی روی محور عقب مجهز است که ۲۷۷ کیلووات، معادل ۳۷۱ اسب‌بخار قدرت تولید می‌کند. نسخه دو موتور و چهارچرخ محرک نیز با حداکثر توان ۴۳۷ کیلووات، معادل ۵۸۶ اسب‌بخار عرضه می‌شود. لوکسید برای این خودرو سه باتری با ظرفیت‌های ۸۱.۱، ۱۰۰.۲۵ و ۱۰۰.۴۲ کیلووات‌ساعت در نظر گرفته است. بسته به نسخه، برد خودرو براساس استاندارد CLTC بین ۷۰۰ تا ۸۵۲ کیلومتر اعلام شده که معادل حدود ۵۷۴ تا ۶۹۹ کیلومتر بر اساس استاندارد WLTP است.

این خودرو یک مینی‌ون بزرگ با طول ۵۳۵۹، عرض ۲۰۹ و ارتفاع ۱۸۷۹ میلی‌متری است و فاصله

LLounge؛ مینی‌ونی بزرگ

برای سفرهای خانوادگی

دومین محصول جهانی لوکسید، LLounge است که در چین با نام V9 شناخته می‌شود. این خودرو یک مینی‌ون بزرگ با طول ۵۳۵۹، عرض ۲۰۹ و ارتفاع ۱۸۷۹ میلی‌متری است و فاصله



محوری آن به ۲۲۵۰ میلی‌متر می‌رسد.

LLounge در مجموع هفت صندلی دارد که با آرایش ۳+۲+۲ قرار گرفته‌اند. صندلی‌های ردیف دوم به کیسه‌های هوای ویژه‌ای مجهز هستند که ساختاری شبیه کلاه ایمنی دارند. از دیگر تجهیزات این مینی‌ون می‌توان به ۲۵ بلندگو، لیدار ۸۹۶ خطی، سیستم تعلیق بی‌ای دو محفظه‌ای و فرمان‌پذیری چرخ‌های عقب اشاره کرد.

این مینی‌ون به‌صورت استاندارد از قوای محرکه EREV استفاده می‌کند. در این سیستم یک موتور ۱.۵ لیتری با قدرت ۱۱۵ کیلووات، معادل ۱۵۴ اسب‌بخار و وظیفه افزایش برد را برعهده



برنامه پایان خام‌فروشی محصولات کشاورزی و دامی با ارائه مشوق‌ها کلید خورد

تسهیل صدور مجوز صنایع تبدیلی در گلستان

گزارش

شیمای جهان بخش

گروه ایران زمین

برداشت محصول، پایان کار کشاورز است؛ اما پایان مسیر اقتصادی آن نیست. محصولی که پس از ماه‌ها تلاش و صرف هزینه از مزرعه برداشت می‌شود، می‌تواند با فرآوری و بسته‌بندی به کالایی با ارزش بیشتر تبدیل شود؛ مسیری که علاوه بر افزایش درآمد تولیدکننده، زمینه اشتغال و رونق کسب‌وکارهای محلی را فراهم می‌کند. با این حال، هنگامی که محصولات کشاورزی به صورت خام روانه بازار می‌شوند، بخشی از فرصت‌های اقتصادی ناشی از فرآوری و تکمیل زنجیره تولید در مناطق تولیدکننده شکل نمی‌گیرد. این مسأله در گلستان، استانی برخوردار از تنوع محصولات کشاورزی، اهمیت بیشتری دارد. مزیت تولیدی استان زمانی می‌تواند به درآمد پایدار و اشتغال بیشتر منجر شود که ارتباط میان مزرعه، صنایع تبدیلی و بازار تقویت شود. توسعه فرآوری، تسهیل سرمایه‌گذاری و سازماندهی تولیدکنندگان در قالب تعاونی‌ها، از جمله مسیرهایی است که مسئولان استان برای استفاده بهتر از ظرفیت‌های کشاورزی مطرح

می‌کنند؛ مسیری که نتیجه آن باید در میزان فرآوری محصولات، پایداری فعالیت واحدهای تولیدی و بهبود درآمد کشاورزان نمایان شود.

تولید به تنهایی درآمد پایدار ایجاد نمی‌کند
علی اصغر طهماسبی، استاندار گلستان، در گفت‌وگو با «ایران» با اشاره به پایین بودن ارزش افزوده برخی محصولات کشاورزی، توسعه بازار، تقویت صنایع تبدیلی و تکمیل زنجیره ارزش را از ضرورت‌های این بخش دانست و گفت: «افزایش تولید به تنهایی نمی‌تواند درآمد پایدار و اشتغال متناسب برای کشاورزان ایجاد کند و برای بهره‌برداری بهتر از ظرفیت‌های استان، باید مراحل پس از تولید نیز مورد توجه قرار گیرد.» در بخش کشاورزی گلستان را توسعه نیافتن این بخش متناسب با فناوری‌های استان از زمین‌های حاصلخیز، ظرفیت‌های طبیعی و نیروی انسانی متخصص، از مزیت‌های مهم کشاورزی گلستان است و بهره‌گیری از دانش، فناوری و روش‌های نوین می‌تواند به افزایش بهره‌وری در این بخش کمک کند. «او با تأکید بر ضرورت توجه به مراحل پس از تولید، گفت: «مسأله کشاورزی استان تنها به میزان تولید محدود نمی‌شود، بلکه چگونگی تبدیل محصولات خام به کالاهایی با ارزش اقتصادی بیشتر نیز اهمیت دارد.» به گفته او، توسعه فعالیت‌هایی مانند فرآوری،



بسته‌بندی و عرضه تخصصی می‌تواند ارتباط میان تولیدکنندگان و بازار را تقویت کند و زمینه ایجاد مشاغل مکمل را فراهم آورد.

مرغداری گلستان در مسیر تکمیل زنجیره ارزش
استاندار گلستان با اشاره به ظرفیت قابل توجه

استان در صنعت مرغداری، ادامه خام‌فروشی در برخی بخش‌های این صنعت را یکی از زمینه‌های نیازمند توجه دانست و بر ضرورت توسعه صنایع پایین‌دستی تأکید کرد. طهماسبی گفت: «با وجود توان تولیدی گلستان در این حوزه، ارزش افزوده ایجاد شده متناسب با ظرفیت تولید نیست و تکمیل زنجیره تولید می‌تواند به افزایش درآمد و ایجاد اشتغال کمک کند.» او با اشاره به اهمیت فرآوری و توسعه بازار محصولات کشاورزی افزود: «حجم تولید به تنهایی میزان بهره‌مندی تولیدکنندگان از ارزش نهایی محصول را مشخص نمی‌کند، بلکه امکان فرآوری، تنوع بخشی به محصولات و دسترسی به بازارهای مختلف نیز بر درآمد حاصل از تولید اثر می‌گذارد. از این رو، توسعه صنایع تبدیلی زمانی می‌تواند به نتیجه اقتصادی مطلوب برسد که نیاز بازار، نیازهای اجرا و امکان فروش محصولات نهایی در کنار ظرفیت تولید مورد توجه قرار گیرد.» استاندار گلستان حفاظت از منابع آب و خاک و استفاده از دانش متخصصان برای مدیریت بهینه منابع را نیز ضروری دانست و گفت: «سازمان نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی در شناسایی مسائل کشاورزان، پیگیری مطالبات تخصصی و ارائه راهکارهای کارشناسی به دستگاه‌های اجرایی نقش مهمی دارد و باید از ظرفیت این مجموعه برای رفع مشکلات بخش کشاورزی استفاده شود. بر این اساس، توسعه کشاورزی استان به مجموعه‌ای از اقدامات مکمل نیاز دارد؛ اقداماتی که از افزایش بهره‌وری و استفاده از فناوری‌های نوین آغاز می‌شود و تا تکمیل زنجیره تولید و ایجاد پیوند مؤثر میان مزرعه و بازار ادامه می‌یابد.»

سرمایه‌گذاری پیش‌نیاز توسعه صنایع تبدیلی
تکمیل زنجیره ارزش محصولات کشاورزی، علاوه بر ظرفیت تولید و دسترسی به بازار، به سرمایه‌گذاری و فراهم بودن زیرساخت‌های لازم وابسته است. ابراهیم هزارجریبی، رئیس سازمان جهاد کشاورزی گلستان نیز در گفت‌وگو با «ایران» با اشاره به ضرورت افزایش سرمایه‌گذاری در این بخش، قرار گرفتن کشاورزی در اولویت

انتخاب برخی سرمایه‌گذاران را یکی از چالش‌های پیش روی آن دانست. هزارجریبی با اشاره به محدودیت‌های تأمین نقدینگی و منابع مالی مورد نیاز طرح‌های کشاورزی اظهار کرد: «تسهیل فرآیند صدور مجوزها، کاهش موانع اداری و تقویت همکاری دستگاه‌های اجرایی می‌تواند زمینه حضور بیشتر سرمایه‌گذاران را فراهم کند و مسیر اجرای طرح‌های کشاورزی را هموارتر سازد.» رئیس سازمان جهاد کشاورزی گلستان همچنین از آماده‌سازی بسته‌های سرمایه‌گذاری با اطلاعات مشخص درباره میزان سرمایه مورد نیاز، ظرفیت اشتغالزایی و مدت اجرای طرح‌ها خبر داد و گفت: «این بسته‌ها می‌توانند به متقاضیان کمک کنند فرصت‌های موجود در بخش کشاورزی را دقیق‌تر ارزیابی کنند و با آگاهی بیشتری درباره ورود به این حوزه تصمیم بگیرند.» او با تأکید بر ضرورت توجه به صرفه اقتصادی طرح‌ها افزود: «تسهیل صدور مجوزها و تأمین منابع مالی به تنهایی موفقیت یک طرح را تضمین نمی‌کند، بلکه سرمایه‌گذاری در صنایع تبدیلی زمانی به فعالیت‌ی پایدار منجر می‌شود که علاوه بر تأمین مواد اولیه و زیرساخت‌های لازم، بازار فروش و صرفه اقتصادی محصول نهایی نیز مشخص باشد.» هزارجریبی تصمیم‌گیری درباره تولید محصولات راهبردی را نیازمند توجه همزمان به نیاز بازار، هزینه‌های تولید و ظرفیت‌های منطقه‌ای دانست و گفت: «افزایش سطح زیرکشت با حجم تولید، بدون توجه به صرفه اقتصادی وضعیت بازار، نمی‌تواند پایداری فعالیت کشاورزان را تضمین کند.» او همچنین تقویت ارتباط میان مراکز علمی، دستگاه‌های اجرایی و بهره‌برداران را در افزایش بهره‌وری مؤثر دانست و بر ضرورت دسترسی کشاورزان به دانش فنی و مشاوره تخصصی تأکید کرد. از این منظر، توسعه صنایع تبدیلی و تکمیل زنجیره ارزش باید متناسب با نیاز بازار و توان اقتصادی طرح‌ها دنبال شود تا سرمایه‌گذاری‌های انجام شده به ایجاد فعالیت‌های پایدار منجر شوند.

تعاونی‌ها؛ راهکاری برای تقویت زنجیره ارزش
در کنار سرمایه‌گذاری و توسعه صنایع تبدیلی،

محصول گلستان؛ از تولید تا درآمد

گلستان در تولید محصولات کشاورزی از ظرفیت بالایی برخوردار است، اما تبدیل این ظرفیت به درآمد و اشتغال پایدار، به چگونگی بهره‌برداری از محصولات پس از برداشت بستگی دارد. وقتی محصول در همان مرحله تولید یا به صورت خام فروخته می‌شود، فرصت ایجاد درآمد بیشتر، توسعه کسب‌وکارهای محلی و اشتغالزایی در بخش‌های فرآوری و بسته‌بندی محدود می‌ماند. اظهارات مسئولان نشان می‌دهد توسعه صنایع تبدیلی، تسهیل سرمایه‌گذاری و تقویت تعاونی‌ها، از مسیرهای مهم استفاده بهتر از ظرفیت کشاورزی استان است. با این حال، نتیجه این اقدامات باید در عمل و از طریق افزایش فرآوری محصولات، رونق واحدهای تولیدی و بهبود درآمد کشاورزان سنجیده شود؛ نه صرفاً تعداد طرح‌ها و برنامه‌های اعلام شده. گلستان برای بهره‌برداری بیشتر از ظرفیت کشاورزی خود باید بتواند فاصله میان تولید محصول و کسب درآمد از آن را کاهش دهد؛ چراکه ارزش یک محصول فقط به میزان تولید آن نیست، بلکه به درآمد، اشتغال و رونقی است که از دل آن برای مردم استان ایجاد می‌شود.



برش

سهم درآمدی هرمزگان در کشور

ایران آنلاین- بندرعباس- هرمزگان در بودجه سال جاری با تکلیف واریز ۹۱ هزار میلیارد تومان به خزانه ملی، پنجمین استان کشور از نظر سهم درآمدی شناخته شده است؛ استانی که همزمان در اعتبارات عمرانی جایگاه سوم تا ششم کشور را دارد، اما کاهش محسوس تخصیص منابع در نیمه اول سال، مدیریت جریان نقدینگی را به اولویت اصلی دستگاه‌های اجرایی آن تبدیل کرده است. عباس منتظری، معاون بودجه و نظارت سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی هرمزگان، با تشریح وضعیت درآمدها و اعتبارات استان در بودجه سال جاری اعلام کرد: «هرمزگان با سهم ۹۱ هزار میلیارد تومانی از درآمدهای پیش‌بینی‌شده دولت، پنجمین استان کشور از نظر میزان تکلیف درآمدی است و در مقابل، در برخورداری از اعتبارات عمرانی نیز جایگاه سوم تا ششم کشور را دارد.» وی با اشاره به ابعاد بودجه عمومی کشور افزود: «براساس ۶ هزار و ۷۰۰ هزار میلیارد تومان منابع بودجه

عمومی دولت که از محل مالیات، صادرات نفت و فروش دارایی‌ها تأمین می‌شود، حدود ۲ هزار و ۷۰۰ هزار میلیارد تومان سهم درآمدهای وصولی استان‌ها و واریز آن به خزانه ملی است.» منتظری ادامه داد: «سهم تعیین شده برای هرمزگان در تأمین این منابع، ۹۱ هزار میلیارد تومان است که معادل ۳.۳ درصد از کل درآمدهای تکلیفی استان‌های کشور می‌شود و از این نظر، هرمزگان پس از تهران، خوزستان، کرمان و اصفهان در جایگاه پنجم قرار دارد.» معاون سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی هرمزگان با مقایسه وضعیت اعتبارات جاری و عمرانی استان گفت: «هرمزگان طی ۱۰ سال گذشته در بخش اعتبارات هزینه‌ای و جاری معمولاً رتبه پانزدهم تا شانزدهم کشور را داشته است؛ اما در بخش اعتبارات عمرانی، جایگاه استان به‌طور میانگین بین رتبه‌های سوم تا ششم کشور قرار می‌گیرد.» وی بیان کرد: «براساس جدول ۱۰ قانون بودجه، اعتبارات عمرانی

مصوب استان در سال جاری ۳۲ درصد افزایش یافته و از ۱۰۷۰ هزار میلیارد تومان فراتر رفته است. همچنین با پیگیری و استفاده از ظرفیت ردیف‌های متمرکز قانون بودجه، مجموع اعتبارات مصوب استانی تا ۲۲ هزار میلیارد تومان افزایش پیدا کرده است.» منتظری با اشاره به تغییر ترکیب منابع بودجه عمومی کشور اظهار کرد: «در قانون بودجه سال جاری، وابستگی منابع به درآمدهای نفتی به میزان قابل‌توجهی کاهش یافته و سهم نفت در تأمین بودجه به حدود ۴ درصد رسیده است؛ این در حالی است که در دوره‌های گذشته، سهم نفت در بودجه کشور دست‌کم حدود ۳۰ درصد بود.» وی افزود: «در ساختار جدید، سهم درآمدهای مالیاتی و فروش اوراق در تأمین منابع دولت افزایش یافته و ترکیب درآمدهای بودجه با تغییر همراه شده است.» معاون سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی هرمزگان با اشاره به شرایط اقتصادی و محدود ۳۵ درصد ناشی از تحریم‌ها و تنش‌های منطقه‌ای

رویکرد صبا فولاد خلیج فارس در شرایط جنگی

صنایع باید در بهبود کیفیت زندگی مردم و گسترش فرصت‌های پیشرفت هرمزگان ملموس باشد. در این دیدار، عبدالوحید افسری، مدیرعامل صبا فولاد خلیج فارس، با ارائه گزارشی از عملکرد و برنامه‌های شرکت، بر حفظ ظرفیت‌های اقتصادی کشور و ایجاد امید در جامعه ارزشمند دانست. نماینده ولی‌فقیه در استان هرمزگان بر ضرورت بهره‌گیری از نیروهای بومی واجد صلاحیت تأکید کرد و آموزش، مهارت‌افزایی و فراهم‌سازی زمینه پیشرفت شغلی جوانان استان را از مسئولیت‌های مهم صنایع برشمرد. وی همچنین تقویت همکاری با دانشگاه‌ها و مراکز آموزش مهارتی را زمینه‌ساز تربیت نیروهای متخصص و مدیران توانمند بومی دانست. امام‌جمعه بندرعباس در ادامه با تأکید بر ایفای هدفمند مسئولیت‌های اجتماعی صنایع، خواستار توجه ویژه به نیازهای اولویت‌دار استان در حوزه‌های آموزشی، فرهنگی، سلامت و حمایت از مناطق کم‌برخوردار شد و تأکید کرد که آثار حضور

امام‌جمعه بندرعباس در این دیدار با قدردانی از اقدامات ارزنده این شرکت در حوزه سرمایه‌های انسانی، اشتغال، استمرار تولید و سودآوری در شرایط دشوار پسانجگ، تلاش مدیران و کارکنان سختکوش این مجموعه را در حفظ ظرفیت‌های اقتصادی کشور و ایجاد امید در جامعه ارزشمند دانست. نماینده ولی‌فقیه در استان هرمزگان بر ضرورت بهره‌گیری از نیروهای بومی واجد صلاحیت تأکید کرد و آموزش، مهارت‌افزایی و فراهم‌سازی زمینه پیشرفت شغلی جوانان استان را از مسئولیت‌های مهم صنایع برشمرد. وی همچنین تقویت همکاری با دانشگاه‌ها و مراکز آموزش مهارتی را زمینه‌ساز تربیت نیروهای متخصص و مدیران توانمند بومی دانست. امام‌جمعه بندرعباس در ادامه با تأکید بر ایفای هدفمند مسئولیت‌های اجتماعی صنایع، خواستار توجه ویژه به نیازهای اولویت‌دار استان در حوزه‌های آموزشی، فرهنگی، سلامت و حمایت از مناطق کم‌برخوردار شد و تأکید کرد که آثار حضور



کاهش میزان تخصیص منابع، تنوع منابع مالی هرمزگان در مقایسه با برخی استان‌های دیگر، امکان مدیریت جریان نقدینگی را فراهم کرده است تا روند ارائه خدمات و اجرای طرح‌ها متوقف نشود.» معاون بودجه و نظارت سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی هرمزگان تأکید کرد: «دستگاه‌های اجرایی در تلاش‌اند با رعایت انضباط مالی، شرایط مساعد را به دستمیر کنند و توقف خدمات‌رسانی و پیشرفت پروژه‌های استان جلوگیری شود.»

گفت: «فعالان اقتصادی در شرایط کنونی با محدودیت‌هایی مواجه‌اند و دولت نیز نمی‌تواند فشار مالیاتی مضاعفی بر بازار و بخش اقتصادی تحمیل کند؛ به همین دلیل، روند تحقق منابع با کندی همراه شده است.» منتظری تصریح کرد: «میانگین تخصیص کل منابع در شش ماهه اول سال جاری حدود ۱۷ درصد بوده، در حالی که این میزان در مدت مشابه سال گذشته به حدود ۳۵ درصد می‌رسید.» وی خاطرنشان کرد: «با وجود



ولی‌فقیه در استان و حمایت‌های خالصانه استاندار هرمزگان و دیگر مسئولان استانی در پشتیبانی از سنگر تولید، بر اهتمام این شرکت به استمرار تولید پایدار، توانمندسازی نیروهای بومی و مشارکت مؤثر در پیشرفت و آبادانی استان تأکید کرد.

سلامت کارکنان و توجه به رفاه و معیشت آنان و خانواده‌هایشان باید از اولویت‌های مدیران صنایع باشد، چراکه کارخانه تاب‌آور، بدون نیروی انسانی تاب‌آور شکل نمی‌گیرد.» مدیرعامل صبا فولاد خلیج فارس در پایان با قدردانی از رهنمودهای دایهانه نماینده

یادداشت



ابراهیم قاسمیور

سرمربی پیشین تیم امید

المپیک با معجزه فتح نمی‌شود

انتخاب یحیی گل محمدی به عنوان سرمربی تیم فوتبال امید، بار دیگر امیدها را برای پایان دادن به طلسم ۵۲ ساله صعود به المپیک زنده کرده است؛ طلسمی که با وجود تغییرات متعدد روی نیمکت، همچنان پایرجاست. گل محمدی از مربیان باتجربه فوتبال ایران است و توانایی فنی و مدیریتی او می‌تواند به تیم امید کمک کند، اما انتخاب یک سرمربی شایسته به‌تنهایی تضمین‌کننده موفقیت نیست. صعود به المپیک ۲۰۲۸ لس‌آنجلس به مجموعه‌ای از عوامل فنی، مدیریتی و تدارکاتی وابسته است که باید از هم‌اکنون برای تحقق آن برنامه‌ریزی شود.

هدایت تیم امید با مربیگری در فوتبال باشگاهی تفاوت‌های مهمی دارد. سرمربی باشگاهی معمولاً بازیکنانش را در طول فصل در اختیار دارد و فرصت کافی برای اجرای برنامه‌های تاکتیکی و اصلاح نقاط ضعف تیم پیدا می‌کند. در تیم امید، محدودیت زمان اردوها، تداخل مسابقات باشگاهی و دشواری دسترسی به بازیکنان، کار را پیچیده می‌کند.

گل محمدی برای موفقیت به فرصت آماده‌سازی مناسب، بازی‌های تدارکاتی باکیفیت و حمایت کامل فدراسیون نیاز دارد. هیچ مربی حرفه‌ای نمی‌تواند نتیجه مسابقات را تضمین کند؛ همان‌طور که نمی‌توان تمام مسئولیت ناکامی‌های احتمالی را بر دوش سرمربی گذاشت. ارزیابی عملکرد او باید با توجه به امکانات، کیفیت بازیکنان و شرایط آماده‌سازی صورت بگیرد.

ژاپن، کره جنوبی، عربستان، عراق و ازبکستان از رقبای مهم ایران در مسیر رقابت‌های ده زیر ۲۳ سال آسیا هستند. پیشرفت ازبکستان در فوتبال پایه نشان داده است که دیگر نمی‌توان با تکیه بر سابقه و نام فوتبال ایران، انتظار پیروزی مقابل رقیب را داشت. سرمایه‌گذاری، برنامه‌ریزی اصولی و حضور مستمر در مسابقات بین‌المللی، سطح رقابت در آسیا را افزایش داده است.

کادر فنی تیم امید باید با آنالیز دقیق رقیب، شناسایی نقاط قوت و ضعف آنها و برگزاری بازی‌های دوستانه هدفمند، تیمی آماده بسازد. اردوها نیز باید بر اساس اهداف فنی مشخص طراحی شوند و فرصت کافی برای ایجاد هماهنگی میان بازیکنان فراهم کنند.

یکی از مشکلات همیشگی تیم امید، نرسیدن بازیکنان به اردوها و تداخل برنامه تیم ملی با مسابقات باشگاهی ست. باشگاه‌ها برای جذب و پرورش بازیکنان جوان هزینه می‌کنند و منافع ورزشی خود را در نظر می‌گیرند؛ بنابراین، نمی‌توان بدون هماهنگی قبلی انتظار داشت همه بازیکنان در زمان موردنیاز در اختیار تیم امید باشند.

راهکار این مسأله، تعامل میان فدراسیون، سازمان لیگ، باشگاه‌ها و کادر فنی است. تقویم اردوها باید از ماه‌ها قبل تنظیم شود تا باشگاه‌ها بتوانند برنامه‌های خود را با آن هماهنگ کنند. بررسی وضعیت بازیکنان جوانی که فرصت چندانی برای حضور در ترکیب اصلی باشگاه‌هایشان ندارند نیز می‌تواند گزینه‌های بیشتری

را در اختیار گل محمدی قرار دهد. البته انتخاب این بازیکنان باید بر اساس آمادگی بدنی، توانایی فنی و نیازهای تاکتیکی تیم انجام شود.

تکرار ناکامی‌های تیم امید نشان می‌دهد که بررسی عملکرد سرمربیان به‌تنهایی کافی نیست. تغییرات مکرر روی نیمکت، آماده‌سازی نامنظم و نبود برنامه بلندمدت، از جمله مواردی هستند که باید در عملکرد مدیریتی فدراسیون بررسی شوند.

مدیران فوتبال باید با بهره‌گیری از دانش روز مدیریت ورزشی و تجربه کشورهای موفق، برای مشکلات ساختاری راهکار پیدا کنند. تجربه مربیانی مانند حسین عبیدی نیز باید به‌طور گسترده‌تری موردتجربه قرار گیرد. کیفیت بازیکنان و شرایط آماده‌سازی ارزیابی شود تا تصمیم‌های اشتباه‌زده جای تحلیل کارشناسی را نگیرد.

فدراسیون باید پروژه صعود به المپیک را به برنامه‌ای اجرایی تبدیل کند؛ برنامه‌ای شامل تقویم دقیق اردوها، مسابقات تدارکاتی مناسب، شناسایی بازیکنان مستعد، آنالیز رقیب و پیش‌بینی چالش‌هایی مانند مصدومیت یا عدم حضور بازیکنان.

سرمربی تازه تیم امید می‌تواند نقش مهمی در پایان دادن به طلسم صعود داشته باشد، اما موفقیت این پروژه به همکاری همه ارگان فوتبال وابسته است. اگر باشگاه‌ها، فدراسیون و کادر فنی در مسیر مشترکی حرکت کنند، امید به حضور در المپیک ۲۰۲۸ واقع‌بینانه‌تر خواهد شد. در غیراین صورت، تغییر سرمربی نیز ممکن است به تکرار تجربه‌های ناموفق گذشته منجر شود.

سینا حسینی / تکرار سناریوی همیشگی در فوتبال امید ایران، بار دیگر این تیم را در آستانه مسیری دشوار قرار داده است؛ ناکامی در یک رقابت ورزشی، تغییر در کادر فنی و آغاز دور تازه‌ای از امیدواری‌ها، بی‌آنکه هنوز نشانه روشنی از اصلاح ریشه‌ای مشکلات گذشته دیده شود. حذف از بازی‌های آسیایی ناگویا، کناره‌گیری حسین عبیدی و انتخاب یحیی گل محمدی به‌عنوان سرمربی جدید، تازه‌ترین حلقه از زنجیره تغییراتی است که طی سال‌های گذشته بارها در تیم امید تکرار شده، اما هنوز نتوانسته طلسم صعود به المپیک را بشکند؛ طلسمی ۵۲ ساله که فوتبال ایران را از بازگشت به بزرگ‌ترین میدان ورزشی جهان در رشته فوتبال محروم کرده است. حالا لس‌آنجلس ۲۰۲۸ پیش روی فوتبال ایران قرار دارد؛ فرصتی تازه برای پرورش به این طلسم قدیمی که اگر قرار باشد با همان الگوی آشنای تصمیم‌گیری‌های مقطعی و تغییرات پیاپی دنبال شود، ممکن است به سرنوشتی مشابه تلاش‌های پیشین دچار شود. پرسش اصلی دیگر فقط این نیست که چه کسی روی نیمکت تیم

امید می‌نشیند، بلکه این است که آیا قرار است این بار چیزی در شیوه اداره، برنامه‌ریزی و حمایت از این تیم تغییر کند یا بار دیگر با جابه‌جایی نام‌ها، همان سناریوی همیشگی را از ابتدا به تماشا بنشینیم؟

تغییر سرمربی پس از ناکامی، یکی از واکنش‌های تکراری و همیشگی فوتبال ایران است. در سال‌های گذشته، مربیان متعددی هدایت تیم امید را برعهده گرفته‌اند؛ از علیرضا منصوریان و محمد خاکپور تا زالکو کرانچار، فرهاد مجیدی، مهدی مهدوی‌کیا، رضا عنایتی، امید روانخواه و حسین عبیدی. تغییر نام‌ها، انتظارات تازه‌ای ایجاد کرده، اما نتیجه نهایی همچنان یکسان مانده است؛ صعود نکردن به المپیک.

انتخاب یحیی گل محمدی می‌تواند فرصتی برای ایجاد ثبات فنی و بازسازی اعتماد به تیم باشد. تجربه او در فوتبال باشگاهی و شناختش از ظرفیت بازیکنان داخلی، امتیازی قابل توجه است، اما نام سرمربی به‌تنهایی تضمین‌کننده موفقیت نیست. پرسش اصلی این است که آیا فدراسیون فوتبال حاضر است

مسعود معینی، عضو پیشین کمیته فنی فدراسیون فوتبال در گفت‌وگو با «ایران»:

«ایران» **علل تداوم ناکامی تیم فوتبال امید ایران در مسیر صعود به المپیک را بررسی می‌کند**

یورش دوباره به طلسم ۵۲ ساله

به مربی جدید فرصت کافی، اختیار روشن و امکانات لازم برای اجرای برنامه‌ای بلندمدت بدهد یا اولین نتیجه نامطلوب، بار دیگر زمینه تغییرات تازه را فراهم خواهد کرد؟ اگر قرار باشد سرمربی جدید نیز در فضایی محدود از نظر زمان آماده‌سازی، دسترسی به بازیکنان و مسابقات تدارکاتی فعالیت کند، نمی‌توان انتظار داشت تغییر روی نیمکت به‌تنهایی نتیجه‌ای متفاوت رقم بزند.

یکی از مهم‌ترین مشکلات تیم امید، دشواری دسترسی منظم به بازیکنان است. تعارض برنامه مسابقات باشگاهی با اردوهای ملی، محدودیت زمان آماده‌سازی و کمبود بازی‌های تدارکاتی باکیفیت، شرایطی ایجاد می‌کند که حتی بهترین کادر فنی نیز برای ساختن تیمی هماهنگ با دشواری روبه‌رو شود. اظهارات پیشین اعضای کادر فنی درباره نیاز به اردوهای خارجی و مسابقات بین‌المللی نیز نشان می‌دهد فاصله میان نیازهای فنی و امکانات آماده‌سازی باید جدی گرفته شود. تیمی که قرار است در رقابت‌های فشرده قاره‌ای برای کسب سهمیه المپیک بجنگد، به فرصت



من عذاب
می‌کنم
وقتی
می‌بینم
برای ثبت نام
بازیکنان
پایه از مبالغ
۲۰۰ تا ۱۰۰

میلیون
تومان
صحبت
می‌شود
و بعد
وعده‌های
پوچ
می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌دهند

می‌